صبح صادق

دوشنبه ۹ بهمن ۱۳۹۶
۱۱ جمادی الاول ۱۴۳۹
سال هجدهم شماره ۸۳۵
۱۲ صفحه

طلوع
سی و نهمین
فجر انقلاب اسلامی
مبارک باد

هفته‌نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

www.sobhesadeghweekly.ir

صبح صادق در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی
دستاوردها، آسیب‌ها و چشم‌انداز روشن آن را تبیین می‌کند

راه‌های رفته امیدهای آینده

اوضاع اقتصادی جامعه و بررسی شاخص‌ها نشان می‌دهد که در عرصه‌های گوناگون نظیر صنعت و معدن، نفت و گاز، سدسازی، راه و حمل‌ونقل و برخی از امور زیربنایی و زیرساختی اقدامات اساسی صورت گرفته است؛ اما با این حال تا رسیدن به وضعیت مطلوب و پایدار در اقتصاد، راه‌های طی نشده فراوانی وجود دارد

صفحه۶

در همایش «آزادی مسجدالاقصی در سپهر پیروزی مقاومت» تأکید شد

توجه ویژه به راهبرد تسلیح کرانه باختری

صفحه۱۱

بازنگاه صبح صادق به ریشه‌ها و تبعات طرح مسئله نقد معصوم از منظر فقهی و عقلی

آیا معصوم را می‌شود نقد کرد؟

صفحه۱۰

کارگردان مستند «تنها میان طالبان» در گفت‌وگو با صبح صادق

نقد درون گفتمانی و ارائه راهکار، رسالت مستندسازان انقلابی است

صفحه۱۰

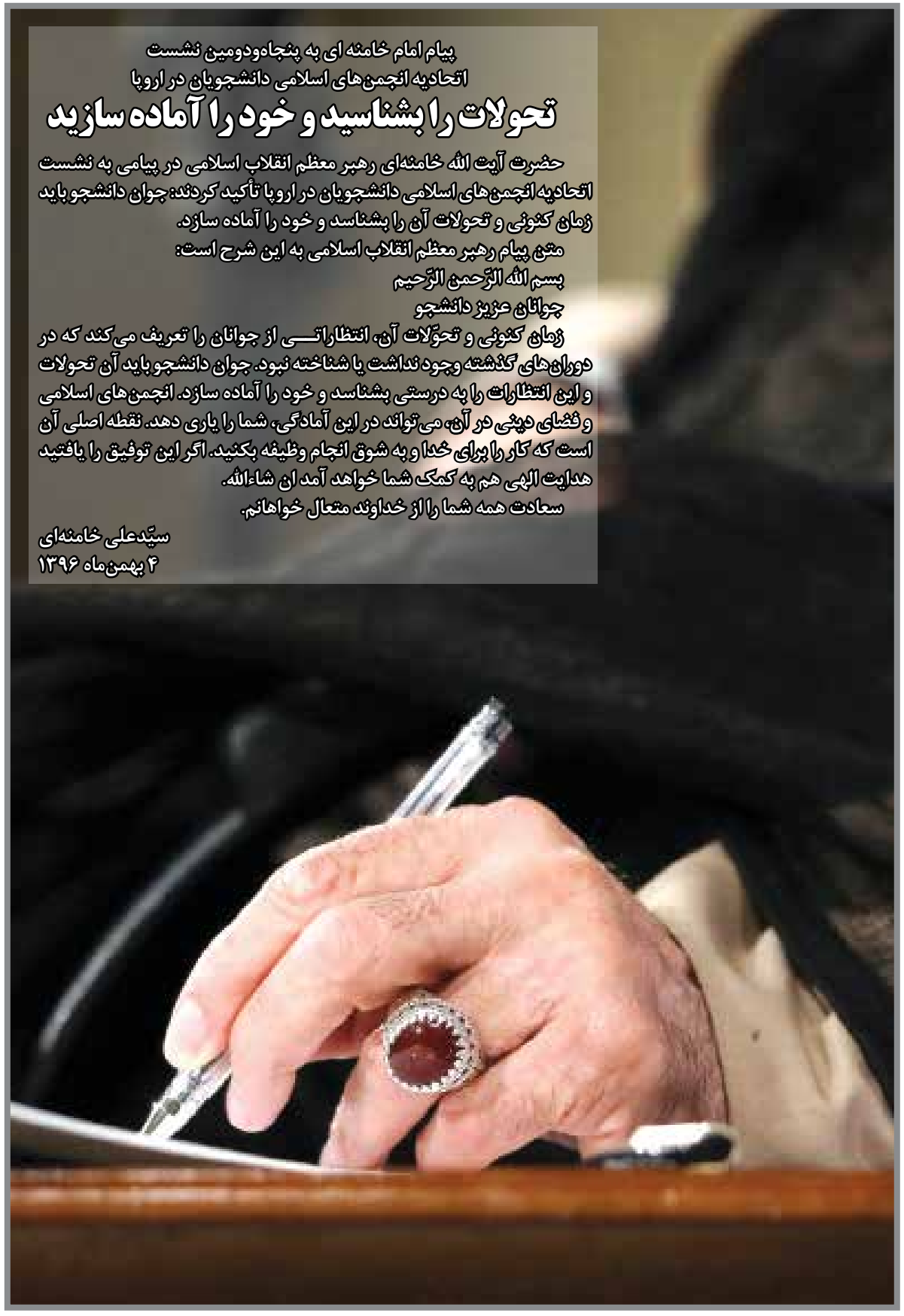

پیام امام خامنه ای به پنجاه‌ودومین نشست
اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا

تحولات را بشناسید و خود را آماده سازید

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا تأکید کردند: جوان دانشجو باید زمان کنونی و تحولات آن را بشناسد و خود را آماده سازد.

متن پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

جوانان عزیز دانشجو

زمان کنونی و تحوّلات آن، انتظاراتی از جوانان را تعریف می‌کند که در دوران‌های گذشته وجود نداشت یا شناخته نبود. جوان دانشجو باید آن تحولات و این انتظارات را به درستی بشناسد و خود را آماده سازد. انجمن‌های اسلامی و فضای دینی در آن، می‌تواند در این آمادگی، شما را یاری دهد. نقطه اصلی آن است که کار را برای خدا و به شوق انجام وظیفه بکنید. اگر این توفیق را یافتید هدایت الهی هم به کمک شما خواهد آمد ان شاءالله.

سعادت همه شما را از خداوند متعال خواهانم.

سیّدعلی خامنه‌ای
۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۶

عملیات شاخه زیتون و نقشه‌های ترکیه

صفحه۳

بخش کشاورزی محور اصلی اقتصاد

صفحه۴

علاقه مکرون به تقلید از ژنرال دوگل

صفحه۵

ماشین تحریم خاموش نشده است

صفحه۷

تصویر دراماتیک دوران رکود اقتصادی

صفحه۱۲

سرمقاله

مسئله‌سازی و راه‌حل‌های ترامپی

فتح‌الله پریشان/ مرور پدیده‌ها و تحولات سیاسی در دو سطح منطقه‌ای و جهانی با رویکرد سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و نظامی هیئت حاکمه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که سیاست‌ورزی خاصی از نوع ترامپی آن را شاهد هستیم. سیاست‌ورزی ترامپ دارای شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی است که می‌توان «مسئله‌سازی» و تلاش برای حل یا تضعیف آن با هدف سودآور کردن تحولات و مسائل برای آمریکا و بهره‌برداری اقتصادی و سیاسی از آن را از محوری‌ترین ویژگی‌های آن دانست. اتخاذ این سیاست در مقابل ایران و ائتلاف مقاومت در منطقه غرب آسیا با حفظ کانون‌های مناقشه و منازعه و تضعیف و کنترل مدیریت شده آنها با هدف پول درآوردن است. اگر به نحوه مواجهه آمریکا با داعش و گروه‌های تروریستی نگاهی بیفکنیم، در مقطعی شاهد بودیم که آمریکایی‌ها همانند زمان ایجاد این گروه‌ها از آنها حمایت نکردند، به عبارت دیگر، ترامپ منتقد اوباما در موضوع تأسیس و ایجاد داعش معتقد بود آمریکا در زمان اوباما نتوانسته متناسب با هزینه‌های ایجاد از آنها کسب درآمد کند. لذا ترامپ گفت چرا ما باید هزینه‌های حیثیتی و اطلاعاتی و مالی امنیت‌سازی برای اعراب را بپردازیم و کشورهای عربی محصول آن را بچینند. از نظرگاه رئیس‌جمهور کازینودار جدید، عرب‌ها باید هزینه امنیت‌سازی آمریکا را بپردازند. کاهش حمایت از گروهک‌های تروریستی- تکفیری در کنار دومینوی پیروزی‌های جبهه مقاومت موجب شد شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس احساس تهدید کنند، بنابراین امارات ۱۰ میلیارد دلار، عربستان ۴۵۰ میلیارد دلار و قطر ۸ میلیارد دلار بابت انواع پیمان‌های نظامی و منطقه‌ای و فروش تسلیحاتی به آمریکا پرداختند. این، نمونه‌ای از حفظ کانون‌های مناقشه و تضعیف مدیریت شده آن برای بهره‌برداری سیاسی اقتصادی از سوی ترامپ است. این موضوع امروز در دو حوزه دیگر در حال پیگیری است؛ یکی در حوزه تحولات هسته‌ای و مسائل پیرامون برجام با جمهوری اسلامی ایران و دیگری در حوزه تحولات سوریه و کردهای دموکراتیک خلق شمال این کشور. طرح ایجاد نیروی ۳۰ هزار نفری برای حمایت از کردها که به حمله ترکیه به شمال سوریه منجر شد، از اهرم‌های فشار در این زمینه به شمار می‌آید. تحولات این منطقه، هم پیچیده است و هم برای آینده منطقه بسیار مهم و تعیین‌کننده است؛ لذا به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها در راستای کاسبی از آن، چندین سناریو را برای وجوه مختلف مسائل و واکنش‌های احتمالی دیگر بازیگران منطقه‌ای به ویژه ترکیه، سوریه، روسیه و ایران در نظر گرفته‌اند. اما در موضوع ایران و برجام، آمریکایی‌ها به دنبال نابودسازی برجام اما به دست ایران هستند. راهی که برای آن در نظر گرفته‌اند، افزایش فشارها بر جمهوری اسلامی ایران برای برهم زدن برجام و به تبع آن، متهم‌سازی ایران است. آمریکایی‌ها برجام را نه بد می‌دانند نه خوب، ترامپ معتقد است می‌شود با برهم زدن صورت مسئله برجام هسته‌ای و نگارش مجدد آن، به همراه برجام‌های جدید، آن را به وسیله تازه‌ای برای بهره‌گیری سیاسی و به تبع آن بهره‌برداری اقتصادی، ولو اینکه مدت‌ها بعد ثمر دهد، تبدیل کرد. ترامپ صرف مسدودسازی راه‌های انتفاع ایران از برجام را برای آمریکا «درآمد» می‌داند و لذا از یک سو با فشارهای دوجانبه به کشورها و شرکت‌ها و تأیید تعلیق‌های ۱۲۰ روزه، تکلیف کشورها و شرکت‌های متمایل به گشایش روابط و مناسبات اقتصادی با ایران را روشن نمی‌کند و از سوی دیگر با مشوق‌های جدید آنها را به تحریم و قطع رابطه اقتصادی با ایران وادار می‌کند. این در حالی است که سیاست رسمی ایران بارها اعلام شده و آن، این است که جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه زیر بار برجام جدید یا تجدیدنظر در برجام هسته‌ای نخواهد رفت. موضعی که باید از سوی همه مسئولان به ویژه مسئولان دیپلماسی خارجی کشور روشن و واضح اعلام و اعمال شود.

آقای ترامپ! درباره ایران اشتباه می کنید

استفان والت، نظریه‌پرداز حوزه روابط بین‌الملل و استاد دانشگاه هاروارد در «فارین پالیسی» نوشت:

«بدون شک، دونالد ترامپ درباره خاورمیانه یک راهبرد مشخص و همیشگی دارد؛ مقابله و مخالفت دائمی با ایران.» وزیر خارجه ایالات متحده، وزیر دفاع، سفیر این کشور در سازمان ملل و البته خود دونالد ترامپ، به طور دائم تمامی فعالیت‌های منطقه‌ای ایران را محکوم می‌کنند. (در ماه فوریه، پس از آزمایش‌های موشکی بالستیک ایران، ترامپ گفت: «این کشور با آتش بازی می‌کند.») در ماه اکتبر، کاخ سفید اعلام کرد، سیاست رسمی ایالات متحده چیزی جز حرکت جهت‌دار برای خنثی‌سازی نفوذ و ثبات ایران در خاورمیانه نیست.

به نظر می‌رسد ترامپ و هم‌پیمانانش این دیدگاه را پذیرفته‌اند که ایران یک هژمون بالقوه در خاورمیانه است و بر این منطقه تسلط دارد.

تسلطی که به طور ویژه برای نظارت بر خلیج‌فارس غنی از نفت است. این منطقه سبب شده ترامپ از حمایت کم نظیر عربستان سعودی، برای پیشبرد اهداف خود برخوردار شود. حمایتی که خواه به صورت ضمنی و خواه به صورت عملی بارها و بارها به نمایش گذاشته شده است.

تلاش‌های دیپلماتیک و سازمان‌یافته شاهزاده محمدبن‌سلمان در منطقه و تلاش‌های آشکار وی برای دخالت در سیاست داخلی لبنان، از جمله همین موارد است. ترامپ نیز برای فشار بر ایران اعلام کرده است که تمدید تعلیق تحریم‌های توافق هسته‌ای را در ماه اکتبر به راحتی امضا نخواهد کرد.

کاخ سفید باید از قدرت آمریکا برای حفظ توازنی سخت و از طرفی جلوگیری از تلاش‌های بیش از حد برای تغییر وضعیت موجود و همچنین جلوگیری از تبدیل کشوری به قدرت مسلط منطقه و در عین حال کمک به قدرت‌های کوچک محلی برای اختلافات خود، استفاده کند.

فضا را این چنین کنترل کردن سبب تأمین امنیت شاهراه نفتی در خلیج‌فارس، کاهش علاقه در این منطقه برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و علاقه نداشتن به تسلیح نیروهای نیابتی می‌شود.

نکته این است که مبارزه‌ای تمام‌عیار برای مقابله با هژمونی ایران غیرضروری است. متأسفانه شانس کمی وجود دارد که دونالد ترامپ این را بفهمد و رویکردی عاقلانه اتخاذ کند.

دیدار مشاور نماینده ولی‌فقیه در سپاه با خانواده شهید مدافع حرم

هیئتی به نمایندگی از نماینده ولی‌فقیه در سپاه با سرپرستی حجت‌الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی با حضور در منزل شهید مدافع حرم مهدی حیدری از این خانواده تفقد به عمل آوردند.

حجت‌الاسلام والمسلمین مصلحی در این دیدار در ابتدا درباره منزلت و مقام شهید سخن گفتند و با تبریک و تسلیت به خانواده شهید حیدری از طرف نماینده ولی‌فقیه در سپاه برای این خانواده آرزوی صبر و توفیقات روزافزون کرد.

گفتنی است؛ شهید مهدی حیدری از شهدای مدافع حرم حضرت زینب(س) از نیروهای نمایندگی ولی‌فقیه در قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) بود که در ۲۱ دی ماه سال گذشته در سوریه و در جریان مبارزه با گروه‌های تروریستی و تکفیری به آرزوی دیرینه خود رسید و به خیل عظیم شهدا پیوست.

پیکر شهید حیدری حدود پنج ماه به میهن بازنگشت و خانواده صبور و مقاوم این شهید بزرگوار در آرزوی دیدار مجدد با این رزمنده دلاور بودند که بالاخره با انجام آزمایش‌های تخصصی پزشکی، پیکر شهید حیدری شناسایی شد و به وطن بازگشت و پیکر پاکش در امامزاده طاهر خیرآباد ورامین مدفون شد.

تلاش برای مذاکره منطقه‌ای و موشکی مذبوحانه است

سردار وحیدی درباره تلاش‌های مقامات آمریکایی برای مذاکره درباره مسائل منطقه و موشکی گفت: این تلاش‌های مذبوحانه به جایی نمی‌رسد؛ چرا که دیگران حق ندارند در مسائل منطقه دخالت کنند و به ایران بگویند که چکار کند.

سردار احمد وحیدی وزیر اسبق دفاع، با اشاره به اقدامات جریانات تروریستی در منطقه اظهار داشت: «قدرت‌های غربی با حمایت و پشتیبانی از داعش تلاش می‌کردند داعش در عراق و سوریه شکست نخورد و بعد از اینکه شکست خورد، یکی از جاهایی که نیروهای داعش را منتقل می‌کنند افغانستان و آسیای میانه است.»

سؤال تریبون ۲۱
راهکار القای امید به جامعه چیست؟
همراه با ۳ جایزه
پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

آخرین فرصت پاسخ به تریبون ۲۱ ۱۸ بهمن ۹۶

صفحه۱۱

یادداشت

افتخار بزرگ تاریخی که به نام ایران ثبت خواهد شد

دکتر یدالله جوانی/ ثبت افتخارات بزرگ تاریخی در پرونده هویتی یک ملت، دارای ارزش ذاتی است. انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، آورده‌های بسیار بزرگ و ارزشمندی را برای ایران و مردم این سرزمین کهن داشته است. هرچند وجود پاره‌ای از مشکلات و ضعف‌ها در داخل کشور، این دستاوردهای ارزشمند را تحت‌الشعاع قرار داده، لکن از نظر تاریخی و از منظر صاحب‌نظران و کارشناسان، ارزش این دستاوردها انکارناپذیر است. تصور جهان و منطقه بدون وجود رژیم صهیونیستی در مقطع کنونی با توجه به روند تحولات در جهان و غرب آسیا، تصور درست و در حال تحقق است. رژیم صهیونیستی، به عنوان یک غده سرطانی در جهان اسلام و منطقه، با رؤیای حکومت نیل تا فرات، می‌توانست استقلال، منافع و عزت بسیاری از ملت‌های مسلمان و از جمله ملت ایران را برای یک دوره طولانی تاریخی پایمال کند. این رژیم براساس یک نقشه طراحی شده از سوی استعمارگران و سلطه‌گران غربی، در جهان اسلام پدید آمد تا جهان اسلام را برای همیشه تحت نفوذ و سلطه خود درآورد و مانع وحدت و قدرت‌یابی آن شود. تعصب و پافشاری اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها بر تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و حفظ موجودیت آن، به همین نقشه و هدف راهبردی برمی‌گردد. غرب هویت‌یابی، انسجام و پیشرفت مسلمانان را، با اهداف تمدنی خود که همانا استیلای بر جهان است، در تعارض می‌بیند. بر همین اساس، سیاست غرب در دهه‌های اخیر در جهان اسلام و به ویژه در منطقه فوق‌العاده راهبردی غرب آسیا، سیاست تفرقه‌افکنی، فرقه‌سازی، ایجاد جنگ‌های داخلی، جلوگیری از پیشرفت و اعمال سلطه از طریق حکومت‌های فاسد، غیرمردمی و دست‌نشانده بوده است. رژیم کودک‌کش صهیونیستی، نقش مهمی را در پیاده‌سازی این سیاست‌های غربی، در منطقه و جهان اسلام برعهده دارد. این رژیم از زمان پیدایش تاکنون، بیشترین نقش را در پیشبرد اهداف دولت‌های غربی در منطقه ایفا کرده است. اکنون فلسفه وجودی این رژیم، زیر سؤال رفته و حیاتش رو به پایان است. قدرت و استیلا از طریق سرکوب، فلسفه وجودی و عامل بقای این رژیم جعلی است. قدرت رژیم صهیونیستی با برهم خوردن موازنه قوا در منطقه، کاربرد گذشته را ندارد. بر همین اساس، نگرانی اصلی سردمداران رژیم صهیونیستی و حامیان این رژیم، ادامه حیات و بقا است. اکنون رژیم صهیونیستی در تنگناهای شدید استراتژیکی قرار گرفته و آینده خود را با روندهای موجود در منطقه در خطر جدی می‌بیند. مقاومت قدرتمند در منطقه، به کابوس رژیم صهیونیستی تبدیل شده است و هر نوع تلاش از سوی رژیم صهیونیستی و حامیان اروپایی، آمریکایی و منطقه‌ای این رژیم برای نابودی یا تضعیف مقاومت، در عمل موجب تقویت جبهه مقاومت ضدصهیونیستی شده است. اما از جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۱ روزه گرفته، تا جنگ‌های نیابتی از طریق ایجاد گروهک‌های تروریستی، هیچ‌یک نه تنها نتوانست مقاومت را نابود کند؛ بلکه به توسعه قدرت مقاومت منجر شد. جمهوری اسلامی ایران پرچمدار محور مقاومت در منطقه است. توسعه قدرت جبهه مقاومت و روندهای موجود، نویدبخش نابودی رژیم صهیونیستی در آینده نه چندان دور است. ایده شکل‌گیری مقاومت در منطقه و در جهان اسلام علیه رژیم صهیونیستی و حامیان این رژیم به ویژه شیطان بزرگ، یعنی آمریکای جنایتکار، ریشه در تفکر، آرا و اندیشه‌های امام خمینی(ره) دارد؛ همو که با صراحت، راهبرد محو اسرائیل غاصب از صفحه روزگار را، مطرح کرد. این ایده در تفکر، آرا و اندیشه‌های خلف صالح آن عزیز سفر کرده استمرار یافت و اکنون، نابودی رژیم صهیونیستی، از هر زمان دیگری دست‌یافتنی‌تر شده است. یکی از مهم‌ترین اهداف راهبردی غرب، از تلاش برای محدودسازی قدرت منطقه‌ای ایران، جلوگیری از فرو ریختن رژیم صهیونیستی است. آیا غرب و به ویژه آمریکا در مهار نفوذ رو به گسترش ایران در منطقه موفق خواهد بود. بسیاری از کارشناسان، دوران نفوذ غرب و آمریکا در منطقه را پایان‌یافته ارزیابی می‌کنند. چندی پیش اندیشکده کارنگی، در گزارشی در همین باره نوشت: «آمریکا در جایگاه یک ابرقدرت در حال افول، در وضعیت فقدان بازنگری در راهبرد خویش، در محدود کردن نفوذ منطقه‌ای ایران ناتوان خواهد بود.»

ادامه در صفحه۲

تصحیح یک اشتباه فاحش

با انتشار تصویری از یک ابلاغیه در فضای مجازی که از ممنوعیت بازدید دانش‌آموزان مقاطع اول و دوم از گلزارهای شهدا حکایت داشت(!)، وزیر آموزش و پرورش به ابلاغیه واکنش نشان داد و استفاده از واژه گلزار شهدا در بخشنامه وزارتخانه خود را کم‌دقتی عنوان کرده و وعده داد این موضوع تصحیح می‌شود. با این حال، مرکز اطلاع‌رسانی وزارت آموزش و پرورش طی اطلاعیه‌ای ضمن دفاع از بخشنامه فوق‌الذکر، اعلام کرد براساس دیدگاه بیشتر صاحب نظران حوزه روان‌شناسی و تربیتی، این موضوع به صلاح نبوده و تأثیرات نامطلوب روحی و روانی دارد.

یادداشت

در مسیر واگرایی

□ **مهدی سعیدی/** در طول سال‌های اخیر، اردوگاه اصلاح‌طلبان همواره با خرده‌جریان‌های واگرا مواجه بوده است. بیشتر این جریان‌ها افراطیونی بودند که از اصلاحات در درون جمهوری اسلامی به عبور از نظام اسلامی غلت خوردند و به جریان ضدانقلاب پیوستند. اوج این واگرایی و ریزش را می‌توان در فتنه ۱۳۸۸ مشاهده کرد که بسیاری از فتنه‌گران با پیشینه اصلاح‌طلبی، خارج‌نشینی در آغوش بیگانگان را ترجیح دادند و از این اردوگاه جدا شدند. هرچند متأسفانه اصلاح‌طلبان نیز هیچ‌گاه تلاش نکردند از این افراد برائت جویند و مرزهای خود را با ضدانقلاب شفاف کنند.

تعامل با عملگرایان و جریان میانه‌رو نیز در مقاطعی موجب تغییر رویه و جدایی بخشی از اصلاح‌طلبان شده است. نمونه قدیمی این ماجرا را در دوران سازندگی می‌توان مشاهده کرد که بخشی از اصلاح‌طلبان افراطی، همچون مرتضی الویری، با تغییر رویه به جمع تکنوکرات‌های لیبرال و مدیران دولت آقای هاشمی پیوستند.

پررنگ‌ترین خط واگرایی در اردوگاه اصلاح‌طلبان را به نحوی می‌توان در خط‌مشی این روزهای آقای محمدرضا عارف مشاهده کرد. این حرکت هرچند خروج از اردوگاه اصلاح‌طلبی به شمار نمی‌آید؛ اما می‌تواند نوعی واگرایی و عدم همراهی با مغز متفکر جریان اصلاحات تلقی شود که آثار و نتایجی بر آن مترتب خواهد بود.

اختلاف عارف با رأس اصلاحات از زمانی کلید خورد که طبق مصلحت‌سنجی‌های انجام شده، وی مجبور شد در انتخابات سال ۱۳۹۲ به نفع روحانی کنار رود. در ادامه آن هنگام که روحانی از به‌کارگیری صحیح و مطابق با شأن عارف در کابینه طفره رفت، بر دلخوری‌های وی افزوده شد و به تدریج مواضع عارف سمت‌وسوی دیگری گرفت. تداوم این وضعیت در انتخاب وی به ریاست مجلس دهم و حمایت نکردن بخشی از اصلاح‌طلبان از او موجب شد تا دوران انزوای وی در مجلس فرا رسد، هرچند به ظاهر نام ریاست فراکسیون اعتدال بر پیشانی ایشان درج شده بود.

این روزها مواضع اعتراضی عارف، خارج از رویه سران اصلاح‌طلب رو به فزونی گرفته است و در ادامه می‌تواند به حرکتی مستقل بینجامد. برای نمونه، وی که همچنان ریاست شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان را برعهده دارد، درباره انتخابات مجلس چنین گفته است: «پیش‌بینی من این است که ما در انتخابات سال ۹۸ هم با پرچم اصلاح‌طلبانه وارد می‌شویم؛ یعنی ائتلاف نمی‌کنیم؛ به اندازه کافی هم نیرو داریم.» اظهاراتی که با مخالفت‌های متعددی از جانب اصلاح‌طلبان همراه شد و عمق اختلافات را آشکار کرد. امروز دیگر کمتر اظهاراتی از عارف منتشر می‌شود که بلافاصله با واکنش منفی اصلاح‌طلبان همراه نشود!

به تازگی کلامی از «عبدالله ناصری» عضو شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان و از نزدیکان سیدمحمد خاتمی انتشار یافته که تأمل‌برانگیز است. وی در مصاحبه‌ای گفته است: «بهترین سرلیست برای انتخابات سال ۹۸ مجلس شورای اسلامی آقای جهانگیری خواهد بود. آقای جهانگیری با توجه به موقعیتی که در دولت دوم آقای روحانی نسبت به دولت اول دارد و از سوی دیگر جزء یکی از کاندیداهای جدی اصلاح‌طلبان برای انتخابات ۱۴۰۰ خواهد بود، بهتر است از سکوی مجلس وارد حریم ریاست‌جمهوری شود.»

هرچند این خبر نیز بلافاصله با تکذیب‌هایی همراه شد؛ اما ذهن‌هایی که به سرلیستی جهانگیری در سال ۱۳۹۸ می‌اندیشند، بدون شک برای عارف در آینده سیاسی اردوگاه اصلاح‌طلبان اعتبار چندانی قائل نبوده و وی را به حاشیه رانده شده می‌بینند. این نگاه از دو منظر تحلیل می‌شود؛ یکی عملکرد ضعیف و دور از انتظار عارف در مجلس و مدیریت فراکسیون امید که دستاوردی برای اصلاح‌طلبان نداشته است و دیگری خط مستقلی است که عارف در پیش گرفته و دیگر حاضر نیست به عنوان بازیگری در خدمت اتاق فکر اصلی اصلاح‌طلبان نقش‌آفرینی کند.

یادداشت

ادامه از صفحه اول

آری گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران؛ یعنی تقویت جبهه مقاومت و در تنگنا قرار گرفتن بیشتر رژیم صهیونیستی. نتیجه قطعی این روند تغییرناپذیر، به حول و قوه الهی، نابودی رژیم صهیونیستی خواهد بود. نابود کردن یک چنین رژیمی با آن همه رذایل و جنایت‌های ضد بشری، یک افتخار بزرگ تاریخی برای ملت ایران است. این افتخار بزرگ، عامل مهمی در سرافرازی ایرانیان در آینده خواهد بود. این واقعیت در سخنان عبدالله صفی‌الدین نماینده حزب‌الله در ایران که در همایش «آزادی مسجدالاقصی در سپهر پیروزی محور مقاومت»، سخنرانی کرد، اینچنین بیان شد: «طرح نابودی رژیم صهیونیستی در تاریخ به اسم جمهوری اسلامی ایران ثبت شده است. اسرائیل قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ‌های بسیاری علیه فلسطین و لبنان راه‌اندازی کرده بود و ارتش این رژیم به اسطوره شکست‌ناپذیری معروف بود؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی، معادله به هم خورد. پیروزی انقلاب اسلامی به منزله زلزله‌ای برای رژیم صهیونیستی بود... . ایده تشکیل مقاومت اسلامی ایده امام خمینی(ره) بود. برخی از جریان‌ها به فکر سازش بودند که امام خمینی فرمودند، اسرائیل باید از بین برود. تا آن زمان هیچ‌کس به این مسئله اشاره نمی‌کرد و بیشتر به فکر مذاکره بودند. نابودی اسرائیل حقیقت است و در مرحله‌ای از طرح نابودی اسرائیل هستیم که دوسوم آن را طی کردیم. ما با ایستادگی و مقاومت، [باید] تحمل خودمان را بالا ببریم. اسرائیل تمام شده است و نمی‌تواند ادامه حیات بدهد.»

نکته‌ونظر

تنبلی

نکته: سه نفر شب می‌خواستن بخوابن، می‌گن یکی پاشه چراغ رو خاموش کنه، کسی بلند نمی‌شه. با هم شرط می‌بندن که هرکی حرف بزنه باید بلند شه چراغ رو خاموش کنه.... چند روزی ازشون خبری نبود، تا اینکه همسایه‌ها در خونه‌شون رو شکوندن، سه‌تاشونو مرده پیدا کردن. اولی رو غسل دادن و کفن کردن... دومی رو هم غسل دادن و کفن کردن، سومی رو تا اومدن غسلش بدن، گفت من زنده‌ام، یهو اون دوتا گفتن هوراااا تو باختی، پاشو چراغ رو خاموش کن... .

نظر: الآن فصل گرفتن اعتبار است و هر کسی سعی می‌کند برنامه‌های خود را به گونه‌ای ببندد که اعتبار بیشتری کسب کند؛ اما هنگامی که موقع عمل فرا می‌رسد، هر کدام تقصیر را بر گردن دیگری می‌اندازند و وظیفه خود را فراموش می‌کنند. یکی از موضوعاتی که مسئولان باید به آن توجه کنند و منتظر اقدام دیگری نباشند، حفظ محیط زیست است؛ موضوعی که در آینده می‌تواند مشکلات زیستی، بهداشتی، اقتصادی و حتی امنیتی ایجاد کند؛ البته سال‌ها پیش رهبر معظم انقلاب این مسئله را به مسئولان هشدار داده بودند که «مسئله محیط زیست، مسئله این دولت یا آن دولت، مسئله این شخص یا آن شخص و مسئله این جریان و یا آن جریان نیست، بلکه موضوعی کشوری و ملی است که باید برای حل مشکلات مرتبط با آن، همه دست به دست یکدیگر دهند.» حضرت آقا در آن جلسات فرمودند: «مطالبی که باید بیان شوند، امروز گفته شد و از این پس مردم باید قضاوت کنند که کدام دستگاه‌ها به وظیفه خود برای حفظ محیط زیست عمل می‌کنند و کدام دستگاه‌ها برای حفظ محیط زیست، تلاش و اقدام لازم را انجام نمی‌دهند.»

عارضه‌ای به نام «خودتخریبی»

□ **دکتر حامد حاجی‌حیدری/** در زندگی هر سیاستمداری موقعیت‌هایی پیش می‌آید که طی آنها احساس می‌کند باید خطاهای ادراکی ناشی از وفور دیدگاه منفی در کشور را اصلاح کند. وقتی ملتی از مواجهه مستقیم با دشمن بیرونی فراغت می‌یابد، یا احساس کاذبی از فراغت نزد برخی پدید می‌آید، منازعات و حرف و حدیث‌ها به سمت و سوی درون معطوف می‌شود. ما به قرینه رویداد تاریخی فروریزی امپراتوری روم پس از فراغت از مناقشات خارجی، به این عارضه تخریب درونی، «سندرم زوال امپراتوری روم» اطلاق می‌کنیم. آگاهی بموقع سیاستمداران از این وضعیت «خودتخریبی» می‌تواند نقش بسزایی در محدودسازی پیامدهای منفی ناشی از آنها داشته باشد. سیاستمدار می‌تواند این مشکلات و علایم را تشخیص داده، نسبت به این علایم هشدار دهد و سمت‌وسوها را اصلاح کند.

وقتی «خودتخریبی» به جای سازوکارهای دفاعی درست قرار می‌گیرد، نتایج عملکردها و نهادها و سازمان‌ها، در سطحی پایین‌تر از حد انتظار قرار می‌گیرد. در هر شرایطی، نتایج عملکردهای نهادی و سازمان‌های مستقر، معیار اندازه‌گیری و چوب محک «اعتدال حکمرانی» تلقی می‌شود. هنگامی که به طور پیوسته عملکرد نهادهای گوناگون، ضعیف‌تر از حد انتظار است، باید بدانیم که مشکل از یکی دو نهاد عملیاتی کشور نیست، بلکه یک عمق اخلاقی دشواری‌آفرین در کار است. در واقع، این سبک و طرز فکر و اندیشه است که سیاست را در سطح نهادی به لکنت می‌کشاند. در این حالت، باید ریزبینی‌های فرهنگی را فعال و گسترده کنیم. اینجا چند نکته مطرح می‌شود؛ یکی آنکه باید رسم زود قضاوت کردن را برانداخت. یکی از اشتباهات رایج بین بیشتر نخبگان و تشکل‌های سیاسی در شرایط «خودتخریبی»، سبک شمردن «قضاوت» است که در وضعیت سبک شمردن «قضاوت»، ساده‌ترین کار «منفی‌بافی» است. برای «منفی‌بافی»، تنها قدری حس و حال پرخاش لازم می‌آید، در حالی که «واقع‌نگری مثبت و رو به آینده»، مستلزم ارائه طراحی‌هایی برای آینده است و اتخاذ این دیدگاه همواره دشوار خواهد بود.

از دیدگاه دیگر، حالا که در شبکه‌های اجتماعی، هر یک از مردم به «روزنامه‌نگار» بدل شده‌اند، فرهنگ معیوب و وارداتی «روزنامه‌نگاری کثرت‌گرا» به یک پدیده شایع بدل شده است. این جامعه همین کژالگوی وارداتی را در دست دارد و با آن، می‌تواند بدون اطلاعات وسیع درباره وجوه منفی همه امور سخن بگوید. در این کژالگو، اصل اصیل و رکن رکین، «منفی‌بافی» است. «غنیمت شمردن» نقاط مثبت و قوت، اصلاً خبر و مطلب قابل توجه محسوب نمی‌شود. لحن‌های تند و فازهای منفی سکه رایج شبکه‌های اجتماعی شده‌اند. با این روحیه، مردم از همدیگر فاصله می‌گیرند و به هم بدبین می‌شوند. اگر مردم به هم بدگمان شوند و این بدگمانی بسیار شود، اعتماد متقابل بین آنها از بین می‌رود. پس باید در سبک‌های ارتباطی تجدید نظر کنیم و با ایجاد جو صمیمیت و اعتماد بین یکدیگر، به اجزای تشکیل‌دهنده یک «من برتر» تبدیل شویم.

نکته بعد این است که همه باید متقاعد شوند از پنجه انداختن بیهوده به چهره یکدیگر بپرهیزند و لااقل از سرزنش کردن و مقصر دانستن عواملی که خارج از کنترل هستند، دوری کنند. در شرایط «خودتخریبی»، نخبگان جناحی به وقت خطا، به شکلی ناشیانه و نادقیق، به رصد عیوب گروه‌های رقیب مشغول می‌شوند. چنین پرخاش‌هایی نه تنها دردی از کشور دوا نمی‌کنند؛ بلکه موجب غفلت از ریشه اصلی مشکلات و نواقص می‌شوند.

مطلب دیگر، روحیه مثمر ثمری است که اگر فعالان اجتماعی و مدنی به خود هموار کنند که «من هم به سهم خود قدری مقصر مشکلات هستم» موجب می‌شود همه به نحوی درگیر فعالیت اجتماعی شوند. این مشغولیت موجب می‌شود دشواری‌های عملیاتی برای همه در سطوح متفاوتی معلوم و ملموس شود. «انصاف» جز با این دغدغه هماهنگ برای یافتن راه حل دشواری‌ها به دست نمی‌آید. البته پرخاش و منفی‌بافی راحت است و در هر شرایطی می‌شود چیزی در مذمت دیگران گفت؛ ولی وقتی افراد مشغول حل و فصل مسائل شوند، ادراک متقابل که همان «انصاف» است، قوت می‌گیرد.

چشم‌انداز دیگر به رواج «منفی‌بافی» این است که این شرایط پرخاشگر، وقتی واقع می‌شود که جریان ایده‌های جدید کند شده یا اصلاً خشک شود و در نبود راه‌حل‌ها، فقط نارضایتی‌ها بماند. سیاست امروزی بدون تزریق مستمر ایده‌های نو و خلاقانه، خیلی زود از نفس می‌افتد و راه به جایی نخواهد برد. برای حل مسائل و چالش‌های انبوه دنیای جدید به ایده‌های تازه و نو به نو نیاز است که این تکلیف فعالان سیاسی و مصلحان اجتماعی است که برای ورود و رواج ایده‌های نو در درون کشور زمینه‌سازی کنند. وقتی خودزنی رواج می‌یابد، نشانه آن است که فعالان سیاسی و اجتماعی، مسیر آسان زندگی را انتخاب کرده‌اند و گاه‌گاه از منفی‌بافی بی‌انتها غرق لذت می‌شوند. در چنین شرایطی باید دنبال تحریک مجاهده عقیدتی و حس تکلیف رفت و مهارت‌های مهمی را گسترش داد.

یک سوی این مهارت‌ها این است که باید جوّ هراس از منفی‌بافی علیه نوآوری و ایده‌پردازی را بشکنیم؛ اگر جوّ عمومی جامعه به گونه‌ای بود که موجب رنجش و حتی تنبیه افراد نوآور و مبتکر شود، باید آشکار و واضح در قواعد صدرنشینی و قدربینی تجدید نظر کنیم و آن را از غوغای مطبوعات و رسانه‌ها بیرون بکشیم. برای این منظور اصلاح گفتارهای مطبوعاتی و رسانه‌ای که زیر سایه دموکراسی کثرت‌گرا فقط رقابت‌های بی‌رحمانه را می‌شناسند، لازم است و باید «مهارت گوش دادن» را به جای مهارت‌های منفی فریاد زدن بر سر همدیگر ترویج کرد. یکی از دام‌های مهلکی که در یک جامعه با سطح بالای «خودتخریبی» پدیدار می‌شود، این احساس در افراد این جامعه و به ویژه نخبگان است که بیشتر و بهتر از سایرین می‌فهمند و آنها هستند که باید سخن بگویند و دیگران باید گوش کنند؛ اما واقعیت آن است که در شرایط فعلی، همه بیش از هر چیزی به ایده‌ها و راه حل‌های نو نیاز دارند که این ایده‌ها باید از جانب مردمی ارائه شود که از نزدیک دستی بر آتش دارند؛ پس، منطقی این است که فضایی برای گفتار همه فراهم شود و این، مستلزم تبلور ظرفیت شنیدن نزد همه است و در نهایت، این مهم محقق نمی‌شود، مگر آنکه مردم به منفی بافی علیه یکدیگر یا اقشاری از جامعه ترتیب اثر ندهند و این را گناه به حساب آورند.

*** پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)**

امر به معروف و نهی از منکر فعلی مبتنی بر عقل و فطرت

□ **جواد صحرایی‌رستمی/** چند سالی است که مبحث «امر به معروف» و «نهی از منکر» از سوی نمایندگی ولی فقیه در سپاه مورد اهتمام جدی قرار گرفته و شرکت در دوره‌های آن برای همه پاسداران عزیز الزامی شده است. به این بهانه، یادداشتی تقدیم حضور می‌شود تا اهمیت این واجب فراموش شده ـ به تعبیر رهبر معظم انقلاب بار دیگر برای مربیان و متربیان سپاه یادآوری شود.

در میان تعاریف متعددی که از دو واژه و مفهوم «مَعروف» و «مُنکر» شده است، معنای «واجبات» و «محرمات» از بسامد قابل توجهی برخوردار است و گاه این دو مفهوم در فهم عوامانه، به «مستحبات» و «مکروهات» نیز تعبیر می‌شود؛ اما آنچه در تبیین این دو قابل توجه است، این است که عالمان این حوزه، مرجع و مصدر تشخیص و تمیز «مستحبات» و «مکروهات» و «واجبات» و «محرمات» را دو مؤلفه «عقل» و «شرع» برشمرده‌اند. اگر چه در نگاه فراخ‌تر، مؤلفه دیگری در کنار عقل و شرع خودنمایی می‌کند و آن، «عرف اجتماعی» است؛ یعنی هر آنچه با ذائقه توده‌های مردم، همگونی و همسازی داشته باشد که از قائلان به تعریف اخیر می‌توان به مفسر بزرگ قرآن، مرحوم حضرت آیت‌الله طباطبایی اشاره کرد. با بازنمایی ابعاد عرفی مفهوم مورد نظرِ مرحوم آیت‌الله، شاید با اندک احتیاطی، به مفهوم هنجار و ناهنجار ـ جانمایی شده در علوم اجتماعی ـ نائل شویم.

به اعتبار عقل و موازین مُترتّب بر آن، شایسته است آدمی برای در امان ماندن از ناهنجاری، کجروی و در نهایت مصونیت‌بخشی چه در نوع فردی و چه در قواره‌های اجتماعی، از همه ابزارهای مشروع و مقبول بهره برده و در جهت حذف آن ناهنجاری از ساحت جامعه تلاش کند.

در همین زمینه، نکته باریک‌تر از مو وجود دارد و آن، اینکه «آیا همه آنچه که موافق طبع اجتماعی است، مشروع است؟» به مدد بازنمایی و پی‌جویی بسیاری از رویدادها و اتفاقات تاریخی جهان اسلام، می‌توان دریافت که گاه ذائقه‌های اجتماعی، حسب دلایل و مواردی، از مسیر طبیعی و مبتنی بر فطرت خداداده دور شده و راه به زوال برده است. این امر، گاه در ذائقه و عادات عوام جلوه کرده و گاه در رفتار حکومت‌هایی که بر گُرده مردم نشسته و افسارگسیخته بر جان و مال آنان می‌تازند. در هر دوی این موارد، از آنجا که مناسبت‌ها به سمت و سوی دوری از فطرت الهی پیش رفته، عقل سلیم ایجاب می‌کند که جلوی آن گرفته شود تا گستره فساد و ظلم‌پذیری افزون نشود.

در ادامه به صورت موجز، قیام امام حسین(ع) را به منزله مصداق بارز این امر بررسی می‌کنیم.

از منظر «جامعه‌شناسی انحرافات»، مشی اصلاحی امام حسین(ع)، با عبارتی چون «کجروی سازنده و مثبت» قابل ارزیابی و احصا است؛ کجروی که از انواع کجروی‌های اجتماعی به شمار می‌رود و در آن فرد یا گروهی با اطلاع و آگاهی قبلی از طبع مورد قبول جامعه زمان خود، ارزش‌ها و هنجارهای نویی را می‌آفرینند تا جامعه به سوی پیشرفت و تعالی سوق پیدا کند.

پرواضح است که افزون بر کجروی سازنده در قیام عاشورا، این قیام برخوردار از شاخصه‌های فطری نیز بوده است. مؤید فطریت قیام امام حسین(ع)، جاودانگی، زاینده بودن و فراگیری روح قیام در طول اعصار گوناگون است.

عدم کهنگی قیام فطری امام حسین(ع)، در شکل‌گیری انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) نیز مشهود است؛ انقلابی که بارقه‌های آن در سال ۴۱ زده شد و استیلای روح عاشورایی بر ارکان انقلاب چه در نیتِ قیام و چه در شکل آن موج می‌زد؛ اما مصداق فراگیری قیام، تأمل در مخاطب قیام امام حسین(ع) است؛ آنجا که حضرت در تبیین هدف قیام خود، خطاب به برادرش ابوحنیفه فرموده‌اند: «امت جدم!»

آنچه از این خطاب می‌توان اراده کرد، آن است که قیام، معطوف به ظرف شیعه نبوده و به اعتبار عبارت امت جد، اهل سنت و اتباع آن را نیز در برمی‌گیرد.

خبر تحلیلی

مخاطرات یک امضای دیگر

□ **احمد محبی/** «کنوانسیون پالرمو» معاهده ملل متحد برای مقابله با جرایم سازمان‌یافته فرا ملی است که در سال ۲۰۰۰ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت و تاکنون ۱۸۰ کشور به عضویت آن درآمده‌اند. دولت ایران نیز پس از دوماه از تصویب این کنوانسیون، آن را امضا کرد. در این باره توجه به چند نکته الزامی است:

۱ـ مطابق با مصوبات کنوانسیون پالرمو، گروه‌های مقاومت از جمله حزب‌الله در فهرست گروه‌های تروریستی قرار گرفته‌اند؛ از این رو امضاکنندگان این کنوانسیون برای مقابله با گروه‌های مقاومت ملزم می‌شوند. از این منظر به نظر می‌رسد هدف از اجبار ایران به پذیرش.

۲ـ قراردادهایی همچون پالرمو و FATF ناظر بر مهار محور مقاومت و زمینه‌سازی برای برجام منطقه‌ای و عقب‌نشینی ایران از منطقه باشد.

۳ـ نکته بعدی مربوط به کلیت پیوستن ایران به کنوانسیون مبارزه علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی و قراردادهایی این‌چنینی است. نام و مفاد به‌ظاهر زیبا و مفید این‌گونه معاهدات به معنی کارکرد مؤثر آنها و توجیه‌کننده الحاق به آنها نیست؛ چراکه در عمل و هنگام اجرا مانند ابزاری برای اعمال فشار بر کشورهای ناهمسو از طرف جبهه غرب استفاده می‌شود.

۴ـ مهم‌ترین زاویه ابهام‌آلود این کنوانسیون به تعریف و تفسیر از مفاهیمی مانند جرم سازمان‌یافته فراملی یا تروریسم برمی‌گردد. مبتنی بر تجربه می‌توان گفت؛ تحرک و اقدام علیه حمایت ایران از گروه‌های مقاومت اسلامی به موجب این کنوانسیون مورد تمرکز محافل سیاسی دیپلماتیک غرب قرار خواهد گرفت.

۵ـ گروه‌های مقاومت منطقه مانند حزب‌الله لبنان، امروز در زمره مؤلفه‌های تأمین‌کننده امنیت منطقه‌ای قرار دارند و یکی از اساسی‌ترین موانع تحقق سیاست‌های غرب در غرب آسیا محسوب می‌شوند؛ ازاین‌رو به احتمال قریب به یقین، الحاق ایران به کنوانسیون پیش‌گفته، به مثابه ابزاری جهت فشار برای تضعیف این گروه‌ها استفاده خواهد شد.

۶ـ توافق با FATF ملغی شده است؛ اما برجامیان از پای ننشسته‌اند. آخرین طراحی ظاهراً این است که همان محدودیت‌های توافق شده با FATF را در پوشش کنوانسیون پالرمو اجرا کنند.

اخبارویژه

بازی مرد دیوانه

بزرگ‌نمایی از اقدامات ترامپ و سیاه‌نمایی از وضعیت کشور، دو خط روانی هم‌افزا و موازی است که شبکه همکار داخلی غرب در ایران دنبال می‌کند. شبکه همکار داخلی غرب در ایران با ایجاد ادراک ترامپ‌هراسی (مرد دیوانه) و سیاه‌نمایی از وضعیت کشور، درصدد تزریق تسلیم‌طلبی به افکار عمومی هستند تا زمینه‌ساز برجام اروپایی شوند. پیش از این نیز غربگرایان در توجیه افکار عمومی برای واگذاری مزیت‌های هسته‌ای ایران، به دروغ لبه پرتگاه جنگ ساخته و مدعی شدند برای پیشگیری از تهدیدات و ایجاد شکاف بین آمریکا و رژیم صهیونیستی، باید توافق بد را پذیرفت.

طرح قدیم با هدف جدید

در حالی که طرح استقلال کردستان با شکست روبه‌رو شد، آمریکا همچنان برای مقابله با ایران از آن استفاده می‌کند. در این زمینه «واشنگتن‌تایمز» نوشت: «باید کردها را به طور مستقیم تسلیح و از کردستان مستقل حمایت کنیم. این استقلال، کلید انسداد پل سرزمینی ایران به مدیترانه است.»

نمایش تازه نیکی‌هیلی!

دولت آمریکا قصد دارد در راستای سیاست‌های ایران‌هراسانه خود، سفیران کشورهای عضو شورای امنیت را به واشنگتن دعوت کند. به نوشته رویترز، طبق برنامه‌ای که دفتر نمایندگی آمریکا در سازمان ملل اعلام کرده است، «نیکی هیلی» و ۱۴ همکارش در شورای امنیت، در یک ضیافت ناهار با حضور «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا نیز شرکت خواهند کرد. نمایندگان اعضای شورای امنیت از پایگاه «آناکوستیا ـ بولینگ»، جایی که «هیلی» ماه گذشته با نمایش آهن‌پاره‌های موشکی، ایران را به کمک به انصارالله یمن در حمله موشکی به ریاض متهم کرد، دیدن خواهند کرد.

روی خط خبر

طرح فروپاشی شوروی

جلسه کمیته نیروهای مسلح سنا با موضوع چالش‌های جهانی و راهبرد امنیت ملی آمریکا برگزار شد و «هنری کیسینجر» در این نشست گفت: «ایران را باید مانند شوروی سابق محدود کرد تا در صورت خروج از این محدودیت، با آن بتوان برخورد کرد.»

حمایت از میانه‌روها

دوباره حمایت از میانه‌روها بعد از فتنه ۹۶ در حال اوج‌گیری است. جان سائرز، رئیس سابق MI۶ در کنفرانس «وایت هال» تأکید داشته است: «غرب باید به سمت «میانه‌روها» در ایران برود. سیاست ترامپ به این امر کمکی نمی‌کند.»

وسوسه‌های کردهای سوریه

کردهای سوریه می‌توانستند جلوی درگیری‌های نظامی در منطقه عفرین را بگیرند؛ اما آنها این فرصت را از دست داده و صدها هزار نفر از مردم سوریه را در معرض خطر قرار دادند و این به سه دلیل است: عامل اول تصمیم دولت آمریکا برای باقی نگه داشتن نیروهای خود در سوریه به منظور مهار ایران و ادامه فرسایش روسیه و ارتش سوریه و حزب‌الله بود. دومین عامل این بود که نیروهای مذکور موفق شدند برخی منابع نفتی و مالی را به دست آورده و بر چاه‌های نفت و تأسیسات استراتژیک در دیرالزور و وادی‌الفرات مسلط شوند. حمایت آمریکا از تبدیل شدن نیروهای عشایر عربی در منطقه وادی الفرات به نیروهای مرزبانی و حمایت از دستاوردهای نیروهای کرد که موفق به تسلط بر حدود ۲۵ درصد از اراضی سوریه شده بودند، از دیگر عواملی بود که ی. پ. گ را وسوسه کرد که به سیاست مستقل خود نسبت به دمشق ادامه دهد.

یک یهودی لیبرال هستم

به گزارش «هاآرتص»، باراک اوباما در یک کنیسه در نیویورک حاضر شد و طی سخنانی با تأکید بر دوستی خودش با رژیم صهیونیستی و یهودیان گفت: «من اساساً یک یهودی لیبرال هستم». رئیس‌جمهور سابق، اوباما با تأکید بر حمایت‌های بسیار دولتش از رژیم صهیونیستی تأکید کرد، دولت او در قیاس با دولت‌های قبلی آمریکا کمک‌های نظامی بسیار بیشتری کرد.

مردم را ناامید نکنیم

عزت‌الله ضرغامی، رئیس اسبق سازمان صداوسیما در اینستاگرام خود نوشت: «از کنار خانه‌های مسکن مهر رد شدیم، پرسیدم آیا آب و برق دارند، معلوم بود که جواب مثبت است. پمپاژ ناامیدی از طرف هرکس و هر مقام و هر همکار رسانه‌ای کار خوبی نیست!»

عمیق نبود

حجت‌الاسلام سیدمحمود علوی با بیان اینکه جذب حداکثری مردم به نظام جمهوری اسلامی به منزله تأکید مؤکد رهبر معظم انقلاب وظیفه مهم و نخست مسئولان نظام است، گفت: «با وجود آنکه ناآرامی‌های اخیر در برخی از نقاط کشور عمیق نبودند، اما دشمنان آن را بزرگ‌نمایی کردند؛ چنانکه گویا گستره آن در کل کشور است و جمهوری اسلامی ایران توانست توطئه دشمنان را در مدت زمان چهار تا پنج روز خنثی کند.» وزیر اطلاعات همچنین افزود: «دشمنان درصدد درگیر کردن انرژی داخلی به این موضوعات هستند تا در این بین به اهداف خود برسند؛ اما باید برخلاف خواست دشمن، مشکلات را برطرف کنیم.»

ساده‌لوحانه است

روزنامه «آفتاب یزد» در مطلبی نوشت: «اینکه تصور کنیم اروپا کاملاً در طرف ایران قرار خواهد گرفت، ساده‌لوحانه است؛ چرا که پیوند ساختاری اروپا و آمریکا در تبادلات اقتصادی و امنیتی موجب شده است این دو قدرت به یکدیگر وابستگی متقابلی داشته باشد.» این روزنامه اصلاح‌طلب اعتراف کرده است، «اینکه تصور کنیم اروپا کاملاً در طرف ایران قرار خواهد گرفت، ساده‌لوحانه است.»

اگر بر بانک‌ها نظارت می‌شد، کار به اینجا نمی‌رسید

آیت‌الله جنتی، دبیر شورای نگهبان اظهار داشت: بانک‌ها منشأ فساد شده‌اند. مجبور شدند برخی از این بانک‌های قلابی را تعطیل کنند و پول مردم را هم تمام و کمال ندادند، بخشی از آشفتگی‌ها و اغتشاشات هم به همین مشکلات بانکی بازمی‌گشت. اگر از ابتدا بر بانک‌ها نظارت می‌شد، کار به اینجا نمی‌رسید و آنانی که کوتاهی کرده‌اند، در پیشگاه خدا و مردم مسئول هستند. باید به دو پرسش چه باید کرد؟ و چه کسی باید کار را بکند؟ پاسخ دهیم. افرادی را که ناتوان هستند، باید عوض کرد. باید تحولاتی در تشکیلات ما به وجود آید.

روی خط خبر

پرونده برادر رئیس‌جمهور

شنیده شده است، رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با اشاره به آخرین وضعیت پرونده تحصیلی «حسین فریدون» برادر رئیس‌جمهور، گفت: «کمیته‌ای که مسئول پیگیری این موضوع بود، گزارش خود را به کمیسیون ارائه کرده است.» محمدمهدی زاهدی افزود: «در برخی از موارد این گزارش اشکالاتی وجود دارد که باید برطرف شود. در روزهای آینده این گزارش نهایی و در صحن کمیسیون قرائت می‌شود.»

طرح مرده

قانونگذار مجلس نمایندگان آمریکا و خطابه‌نویس رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، «رونالد ریگان» در یادداشتی از به‌کارگیری دکترین ریگان برای براندازی نظام حاکم ایران، با دامن زدن به اختلافات قومی- مذهبی در این کشور حمایت کرده است. «دینا روراباکر» پیشتر آشکارا از براندازی نظام ایران حمایت کرده و در یادداشتی در «نشنال‌اینترست» با اشاره به اغتشاشات اخیر در برخی شهرهای ایران، خواستار آن شده بود که دولت آمریکا قاطعانه از کسانی که به خیابان‌ها می‌آیند، حمایت کند. او نوشته است: «ما به یک دکترین ریگانی برای ایران نیاز داریم؛ به طور خاص لازم است از کردها، آذری‌ها، بلوچی‌ها، عرب‌ها و ایرانیان مخالف نظام حاکم حمایت کنیم تا نظام‌های جدیدی بر مبنای حق تعیین سرنوشت خود یا یک ساختار سیاسی فدرال شکل بگیرند.»

مدیران ناکارآمد

نایب‌رئیس شورای شهر تهران گفت: «نیروهای توانمندی وجود دارند که می‌توانند بسیاری از مشکلات جامعه را حل کنند؛ ولی رئیس‌جمهور کابینه خود را فقط به کارشناسان مرکز تحقیقات استراتژیک که با وی کار می‌کردند، سپرده است.» سیدابراهیم امینی در نشست اصلاح‌طلبان قزوین افزود: «بسیاری از مدیران موجب ناامیدی مردم در جامعه شدند که زنگ خطر را برای اصلاح‌طلبان به صدا درآورده است.» محمد علیخانی، عضو دیگر شورای شهر تهران با بیان اینکه بعضی از مدیریت‌ها موجب ناامیدی مردم می‌شوند در حالی که می‌توانستند بهتر عمل کنند، افزود: «با این رأی از دولت انتظارات بسیار بالا بود؛ اما انتظارات محقق نشد و اعتراض‌ها در برخی شهرها به عملکرد خودی‌ها که مردم را ناامید کردند، بازمی‌گردد.» وی افزود: «وقتی مردم ناامید شوند و انتظارات آنها برآورده نشود، باید شاهد حوادثی، همچون حوادث اخیر باشیم.»

۵ درصد خوب و ۷۶ درصد ضعیف

حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهور همزمان با گفت‌وگوی تلویزیونی روحانی، به نظرسنجی از مردم اشاره کرد. نتیجه نظرسنجی به طور عجیبی شوکه‌کننده بود. تنها ۵ درصد مردم از این سخنان رضایت داشتند؛ ۱۹ درصد به گزینه متوسط رأی دادند و ۷۶ درصد شرکت‌کنندگان این مصاحبه را بسیار ضعیف ارزیابی کردند. نظرسنجی مشابهی نیز در اکانت توئیتر پایگاه جماران مطرح شد که با اندکی اغماض دقیقاً همین نتایج تکرار شد.

بودجه بر اساس چانه‌زنی!

میثم موسایی، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران درباره گزارش تفریغ بودجه ۹۵ و تخلفات دولت از قانون بودجه سال ۹۵ گفت: «این وضعیت مختص دولت فعلی نیست و مشکل اساسی مکانیسم بودجه‌ریزی در ایران است. مجموعه عواملی دخیلند که کاری به هم ندارند و هرکس به فعالیت خود مشغول است. دولت، دیوان محاسبات و دستگاه‌ها هر یک برای خود کار می‌کنند. این مسئله نشان می‌دهد، اصل بودجه‌ریزی مشکل دارد و بودجه عملیاتی تنظیم نمی‌شود؛ بلکه بر اساس چانه‌زنی است. هر دستگاهی که قدرت چانه‌زنی بیشتری داشته باشد، بیشتر بودجه را به سمت خود جذب می‌کند.»

رخداد

عملیات شاخه زیتون و نقشه‌های ترکیه

□ **محمدرضا مرادی/** حمایت آمریکا از کردها در شمال سوریه سبب شده است تا ترکیه به نوعی امنیت خود را با تهدید مواجه ببیند؛ چرا که وجود بیش از ۲۰ میلیون کرد در خاک این کشور می‌تواند نقطه شروع بحران امنیتی بسیار بزرگی به شمار رود. از این رو، ترکیه از هرگونه تلاش کردها ـ چه در عراق و چه در سوریه ـ در مسیر خودمختاری و فدرالی ممانعت کرده است. به تازگی آمریکا اعلام کرد که تصمیم گرفته است یک نیروی امنیت مرزی متشکل از ۳۰ هزار نفر را در مرزهای میان ترکیه و عراق و در طول رود فرات در سوریه به طول ۸۲۰ کیلومتر مستقر کند که فعالیت‌های آن با نیروهای کرد دموکراتیک سوریه (FDS) و واحدهای حفاظت از مردم کرد (YPG) هماهنگ خواهد بود. هرچند وزیر خارجه آمریکا این موضوع را تکذیب کرد؛ اما بهانه لازم برای تجاوز نظامی ترکیه به سوریه فراهم شد. پیش از این ترکیه بارها از احتمال حمله به شمال سوریه خبر داده بود.

به همین دلیل روز جمعه(۲۹ دی) ارتش ترکیه عملیات نظامی خود را با نام «شاخه زیتون» با گلوله‌باران شدید مواضع کردها در شهر عفرین و مناطق اطراف آن آغاز کرد. در این عملیات حدود ۲۲ هزار نفر از تروریست‌های موسوم به ارتش آزاد نیز در عملیات زمینی حضور دارند که با پشتیبانی ۷۲ جنگنده ارتش ترکیه و حملات توپخانه‌ای گسترده مسئولیت نابود کردن شبه‌نظامیان کُرد را برعهده دارند. تاکنون بیش از ۴۰۰ نفر از کردها و ۳۰۰ نفر از نیروهای نظامی ترکیه بنابر اعلام رسانه‌های کردی کشته و ۱۸۱ غیر نظامی نیز به دست ارتش ترکیه کشته شده‌اند.

در درجه اول، هدف ترکیه از این حمله مقابله با طرح‌های استقلال‌طلبانه کردها و تهدیدات آن برای ترکیه بود؛ اما اهداف دیگری نیز از سوی رسانه‌های ترکیه برای عملیات شاخه زیتون اعلام شده است که از جمله آنها می‌توان به پاک‌سازی منطقه‌ای به شعاع ۳۰ کیلومتر از مرز خود با سوریه، جلوگیری از تشکیل یک کریدور کردی و تثبیت دستاوردهای عملیات پیشین «سپر فرات»، ممانعت از قطع شدن دسترسی مستقیم و مرز مستقیم ترکیه با سوریه از سوی کردها، ایجاد زمینه و مکانی مناسب برای بازگرداندن و استقرار صدها هزار پناه‌جوی سوری که به ترکیه گریخته‌اند، جلوگیری از مسیر نفوذ شبه‌نظامیان (پ.ک.ک) به داخل خاک ترکیه و جلوگیری از یکپارچگی و ارتباط بین (پ.ک.ک) و یگان‌های مدافع خلق (ی.پ.گ) و ممانعت در راه تشکیل ارتش ۳۰ هزار نفری کرد سوری و تجهیز آن از سوی آمریکا اشاره کرد.

اما نکته مهم در این باره به نیات و اهداف ترکیه در سوریه برمی‌گردد. این حمله را می‌توان مصداق بارز تجاوز به خاک سوریه دانست و دمشق می‌تواند این مسئله را از طریق نهادهای بین‌المللی پیگیری کند. علاوه بر این هرچند اهداف ترکیه از عملیات شاخه زیتون به صورت کلی مقابله با کردها بیان شده است؛ اما نباید فراموش شود که آنکارا به دنبال هدفی بزرگ‌تر و راهبردی‌تر است. ترکیه در شش سال گذشته با حمایت از برخی گروه‌های مخالف نظام سوریه هزینه‌های بسیاری برای تأمین اهداف خود متحمل شده و در نهایت جز شکست، رهاورد دیگری برای ترکیه به همراه نداشته است. در وضعیت فعلی نیز که بحران سوریه در مرحله پساداعش قرار دارد و مذاکرات سیاسی به زودی در «سوچی» برگزار خواهد شد، آنکارا به این نتیجه رسیده که هیچ برگ برنده یا ابزاری برای چانه‌زنی سیاسی در مذاکرات سیاسی در اختیار ندارند؛ بنابراین سعی دارد با اشغال شهر عفرین از یک طرف این ابزار را در اختیار بگیرد و از سوی دیگر نباید فراموش کرد که ترکیه اگر بر شهر عفرین مسلط شود، نمی‌توان به سادگی انتظار خروج این کشور از سوریه را داشت؛ چرا که ترکیه در ادامه می‌تواند خروج خود را به خروج نیروهای نظامی روسیه و ایران مرتبط کند و به این وسیله به حضور خود به نوعی مشروعیت ببخشد. در واقع ترکیه با اشغال عفرین به دنبال ماندن در سوریه است و به راحتی حاضر نخواهد بود نیروهای خود را به عقب براند. به ویژه اینکه اردوغان اعلام کرده است که نیروهای نظامی ترکیه پس از عفرین به سمت شهر «منبج» حرکت خواهند کرد. این مسئله می‌تواند به بهانه‌ای برای دیگر کشورها در جهت اشغال بخش‌های دیگری از خاک سوریه تبدیل شود.

دیدگاه

اهداف احمدی‌نژادی‌ها از قانونی کردن اعتراضات غیر قانونی

□ **حسین عبداللهی‌فر/** پس از سوءاستفاده برخی اصلاح‌طلبان از اغتشاشات اخیر که تلاش کردند تا آن را زمینه‌ای برای به رسمیت شناختن اعتراضات سیاسی و اجتماعی مورد نظر خود ساخته و از روشنفکران خواستند تا در این راستا فعال شوند، اینک این احمدی‌نژادی‌ها هستند که به فکر شکار صید خود از این آب گلآلود می‌باشند.

تفاوت حلقه احمدی‌نژادی‌ها با اصلاحاتی‌ها در این است که اصلاح‌طلبان موضع خود را شفاف بیان کرده و می‌گویند ما این موضع رسمی نظام را که مطالبه اقتصادی حق مردم است؛ ولی اعتراضات سیاسی و اجتماعی آشوب تلقی می‌شود را قبول نداریم اما احمدی‌نژادی‌ها نمی‌خواهند مواضع خود علیه نظام و رهبری را علنی کنند. چنانچه عباس امیری‌فر، مسئول فرهنگی نهاد در دولت نهم میگوید؛ آنها می‌خواهند درخواست خود برای تجمع اعتراض‌آمیز را در راستای سخنان رهبر معظم انقلاب تفسیر کنند که فرمودند: «طرح مطالبات اقتصادی حق مردم است.» نکته جالب اینجا است که وقتی از این آقایان سؤال می‌شود که مگر همین چند روز پیش از اعتراضات معظم‌له در واکنش به سیاه‌نمایی علیه قوه قضائیه نفرمودند؛ کسانی که ۱۰ سال مسئولیت داشتند باید پاسخگو باشند نه اپوزیسیون. می‌گویند؛ چون رهبری گفته‌اند اگر کسی ۱۰ سال مسئولیت داشت، نمی‌تواند اپوزیسیون نظام شود؛ اما ما که هشت سال رئیس‌جمهور بودیم پس منظور رهبری با ما نبوده است.

این در حالی است که انگیزه احمدی‌نژادی‌ها از این بازی با اعتراض مشخص است؛ چرا که هدف آنها قانونی کردن روند اعتراضات غیرقانونی است. آنها می‌خواهند با این درخواست ساده؛ در واقع به اعتراضات غیر قانونی خود وجاهت قانونی بخشیده و مسیر فعلی خود را تنها راه ممکن معرفی کرده و مسئولیت اتفاقاتی مانند اغتشاشات اخیر را متوجه نظام کنند. از این رو، می‌توان گفت؛ احمدی‌نژادی‌ها با این درخواست، بازی دو سر بردی را شروع کرده‌اند که شاید برخی را برای کاهش هزینه‌های عدم موافقت به سمت دیگر، یعنی دادن مجوز بکشاند؛ اما کسانی مانند امیری‌فر که از انگیزه اصلی آنها مطلع هستند با دادن هرگونه مجوز به آنها مخالفت می‌کنند. چنانچه در گفت‌وگو با «اعتماد آنلاین» میگوید: «نمی‌شود هرکسی که در دادگاه محکوم می‌شود، درخواست برگزاری تجمع دهد! این‌طور سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. این طیف، محکومیت‌های سنگینی دارند؛ از این رو به دنبال تضعیف مراکز قانونی نظام هستند؛ بنابراین نباید به آنها اجازه برگزاری تجمع داد.»

با مشخص شدن انگیزه احمدی‌نژادی‌ها، سؤال اینجاست که چرا اصلاح‌طلبان خواستار دادن مجوز به تجمعات اعتراضی احمدی‌نژادی‌ها هستند؟

پاسخی که خود اصلاح‌طلبان می‌دهند این است که اگر چنین مجوزی به وی داده شود و او اقدام به فراخوان هواداران خود کند با واقعیتی روبه‌رو می‌شود که ناگزیر می‌شود برای همیشه دست از سر مردم و نظام بردارد و آن نداشتن پایگاه اجتماعی است. از نظر اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان و بسیاری از نخبگان، احمدی‌نژاد در توهم برخورداری از پشتوانه مردمی بالا به سر می‌برد و این در حالی است که از نگاه مردم، وی عامل اصلی بسیاری از مشکلات فعلی کشور است. این نگاه در منتقدان دولت و بخش عظیمی از اصولگرایان نیز طرفدار دارد با این تفاوت که می‌گویند؛ اگر احمدی‌نژاد درست عمل کرده بود و حداقل رو در روی نظام نمی‌ایستاد و دست به اقداماتی مانند خانه‌نشینی نمی‌زد، امروز همان تفکر حاکم بود و اساساً نباید مخالفان وی به قدرت بازمی‌گشتند. موفقیت رقبای وی به تعبیر برخی از بزرگان و تحلیلگران به اشتباهات عدیده وی برمی‌گردد که او را نزد مردم مطرود ساخته است.

علاوه بر این، اصلاح‌طلبان می‌دانند که اگر احمدی‌نژاد به هر بهانه‌ای تسلیم واقعیت ریزش پایگاه خود نشده و بخواهد آن را توجیه کند، از نظر آنها حداقل وی توانسته در راه قانونی کردن تجمعات اعتراضی به عنوان جاده صاف‌کن عمل کرده و اصلاح‌طلبان را از پرداختن هزینه این خواسته خود معاف کند. ضمن آنکه آنها بی‌میل نیستند اعتراضات اقتصادی علیه دولت و نظام به هر شکلی برجسته‌سازی شود.

تبیین

دولت اسلامی در اندیشهٔ امام خامنه‌ای-۳

□ **حسن خدادی/** همچنان که امام خامنه‌ای بارها تأکید کرده‌اند، ما هنوز در مرحله دولت‌سازی به سر می‌بریم و در حال گذار از دولت پیشا اسلامی به دولت اسلامی هستیم. حال با توجه به اهمیت بررسی این مسئله، ضروری به نظر می‌رسد که به معیارها و مؤلفه‌هایی که باید یک دولت در جامعه اسلامی که متفاوت از جامعه غیر اسلامی است، داشته باشد و برای تحقق آنها حرکت کند، پرداخته شود.

۶ـ پرهیز از غرب‌زدگی و غرب‌باوری

ویژگی دیگر دولت اسلامی اجتناب از غرب‌زدگی و مبارزه با غرب‌باوری است. چنانکه در اندیشه امام خمینی(ره) آمده است، حفظ هویت اسلامی و انسانی؛ الف- لازمه حتمی رسیدن به استقلال است ب- منجی انحطاط و عقب‌ماندگی اجتماعی است و در نهایت ج- مهم‌ترین عامل حفظ موجودیت کشور است. در واقع غرب‌زدگی و غرب‌باوری درست در نقطه مقابل حفظ هویت اسلامی و انسانی جامعه بوده و ویروس خطرناکی است که به استقلال و موجودیت کشور نیز صدمه می‌زند و انحطاط و عقب‌ماندگی را به دنبال می‌آورد. اهمیت این مسئله به حدی است که رهبر معظم انقلاب نیز در مقاطع گوناگون دولت‌های مختلف بر سر کار آمده را به توجه جدی نسبت به پرهیز از این موضوع رهنمون ساخته‌اند.

۷ـ حفظ عزت، هویت و استقلال ملی

حفظ عزت، هویت و استقلال ملی که برای آن خون‌های بسیاری ریخته شده است، یکی دیگر از شاخصه‌های بسیار مهمی است که دولت اسلامی باید آن را داشته باشد؛ چرا که از نظر رهبر معظم انقلاب یکی از ابزارهای عمده بازیگران سیاسی در عرصه بین‌المللی، مکر و تهدید برای از بین بردن هویت و عزت و استقلال ملی است.(۱۳۸۵/۱/۱) لذا دولت‌هایی که در داخل بر سر کار می‌آیند باید حساسیت ویژه‌ای نسبت به این موضوع حیاتی داشته باشند.

۸ـ مقاومت هسته‌ای

تسلط بر فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را باید دروازه ورود به بسیاری از دانش‌ها دانست و ملت مستقلی چون ایران که همواره در برابر نیات شوم استعمارگران و قدرت‌های سلطه‌طلب ایستادگی کرده است، به زعم آنان نباید بر چنین فنی مسلط شود. برای همین است که از سال‌های گذشته استعمار فرانو به رهبری آمریکا تلاش‌های گسترده‌ای را به راه انداخته‌اند تا مانع دستیابی ایران به چنین دانشی، یعنی حق مسلم ایران در استفاده از انرژی هسته‌ای شوند؛ بنابراین ملت ایران همان‌طوری که افزون بر نیم قرن پیش صنعت نفت را ملی کرد امروز نیز باید به توسعه فناوری هسته‌ای خود ادامه داده و با حفظ حاکمیت، استقلال و عزت ملی خود و با عدالتخواهی، سیاست‌های استعمار فرانو را محکوم کند. ضمن اینکه رهبر معظم انقلاب نیز درباره اهمیت این موضوع که باید یکی از ویژگی‌های دولت اسلامی باشد، مسئله هسته‌ای را یکی از مظاهر دولت از عزت معرفی می‌کنند.(۱۳۸۷/۶/۲)

۹ـ قانونگرایی و قانونمداری

واقعیت این است که قانون موجب انتظام‌بخشی به امور می‌شود. برای همین است که رهبر معظم انقلاب با تأکید بر اهمیت دادن به قانون، قانونگرایی را از دیگر شاخصه‌های بسیار مهم دولت مطلوب دانسته و بر این باورند: «قانون، ریل حرکت دولت است و اگر به هر دلیلی از آن خارج شوید کشور و مردم صدمه می‌بینند.» (۱۳۹۲/۶/۶)

۱۰ـ حکمت و خردگرایی

حکمت و خردگرایی و دوری از شتابزدگی و تصمیم‌های نسنجیده و ناپخته یکی دیگر از شاخصه‌های دولت اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب است؛ به طوری که ایشان با توصیه مؤکد به دولت برای استفاده از ظرفیت خوب کارشناسان داخلی در همه زمینه‌ها و عرصه‌ها تأکید دارند: «باید قبل از هر اقدام و حتی هر اظهارنظر و موضع‌گیری، مطالعات کارشناسی لازم انجام شود؛ چرا که هزینه برطرف کردن تبعات منفی کارهای ناپخته و سخنان ناسنجیده بسیار زیاد است.» (۱۳۹۲/۶/۶)

یادداشت

چهلمین بهار آزادی و چند نکته

□ **امین پناهی/** نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مولِد انقلاب اسلامی در آستانه چهل سالگی خود قرار دارد. اکنون چهار دهه از عمر پربرکت نظام اسلامی می‌گذرد؛ تجربه‌ای که برای اولین بار با شکل کنونی به منصه ظهور گذاشته شد و در طول این سال‌ها امتحان خود را به خوبی پس داد. جمهوری اسلامی در حالی چهار دهه پر فراز و نشیب را پشت سر می‌گذارد که در این سال‌ها همواره مورد تهدید دشمنان قرار داشته است. این در حالی است که نظام اسلامی در کنار توفیقات فراوانی که در داخل داشته، روحیه خودباوری و اعتمادبه‌نفس را در میان ملت‌های جهان ایجاد کرده و مردم کشورهای مختلف را شیفته نظام و نوع حکومتی کرده که برخاسته از دل مردم است.

حالا که نظام مقدس جمهوری اسلامی در آستانه چهل سالگی است و به زودی وارد دهه پنجم عمر خود می‌شود، دشمنان نیز بیش از پیش برای نابودی مردمی‌ترین حکومت جهان تلاش خواهند کرد. اشتباه بزرگی است اگر فکر کنیم دشمن لحظه‌ای دست از دشمنی‌اش بر می‌دارد، یا دلش به حال مردم ایران سوخته است. دشمنان ملت ایران همواره تلاش کرده‌اند منافع از دست رفته‌شان در ایران را بازیابند. هر چند ممکن است در برهه‌هایی شکل دشمنی دشمنان با ملت ایران تغییر کند، اما این نمی‌تواند دال بر عدم دشمنی یا کم شدن از میزان دشمنی آنها باشد. خوب که نگاه می‌کنیم نمود دشمنی دشمنان را به ویژه در سال‌های اخیر به وضوح می‌بینیم که البته بیشترین نمود آن را در ناآرامی‌های اخیر در برخی شهرها دیدیم. در واقع، دشمن در صدد است دستاوردهای نظام اسلامی در طول چهار دهه گذشته و همچنین خیانت‌های حکومت طاغوتی پهلوی را وارونه نشان دهد که متأسفانه باید بگوییم در مواردی نیز موفق بوده است. به خصوص آنجا که جامعه هدف‌شان جوانان نسل سوم و چهارمی بوده که آن روزها را درک نکرده‌اند. اما ذکر این نکته مهم و ضروری است که دشمن در جایی می‌تواند موفقیت کسب کند که نهادهای فرهنگی درون نظام به خوبی نتوانسته‌اند نقش ایفا کنند. همین عامل هم سبب شد پیامدهای آن را در اغتشاشات اخیر در کشور از نزدیک شاهد باشیم در واقع، بسیاری از این اتفاقات نه به دلیل آن است که نظام اسلامی دستاوردی نداشته، بلکه به این دلیل است که نهادهای مزبور نتوانسته‌اند دستاوردهای عظیم نظام اسلامی را برای مردم تبیین کرده و اقتضائات امروز را در عرصه‌های مختلف برای مردم روشنگری کنند.

در چنین وضعیتی در کنار ضرورت پاسخگویی مسئولان در برابر مردم و اقدام برای حل مشکلات آنها لازم است نهادهای فرهنگی و تبلیغی و رسانه‌های کشور وضعیت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی را بر اساس مستندات به شکل واقعی و با پرهیز از اغراق و اضافه‌گویی و اتفاقات پس از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن را با ارائه مستندات و در قالبی که برای نسل‌های پس از انقلاب باورپذیر باشد، به مردم معرفی کرده و تلاش کنند تا جوانانی که حکومت طاغوت را بر کشور ندیده‌اند و تنها تعریف آن را از رسانه‌های بیگانه مغرض شنیده‌اند، متوجه شوند ما با انقلابی که کردیم چه ارزش‌هایی به دست آوردیم.

اگر با دلیل و منطق و با بهره‌گیری از روش‌های صحیح تبلیغی توانستیم نسل جوان را نسبت به آنچه رخ داده و آنچه که رخ خواهد داد آگاه کنیم، آن‌گاه می‌توانیم؛ اولاً، این قشر را نسبت به آینده انقلاب امیدوار کنیم و ثانیاً، اعتماد به نظام را در بین کسانی که پدر و مادرهای آینده کشور هستند و قرار است نسل جدید به دست آنها تربیت شود، بالا ببریم. این‌گونه می‌توانیم گامی مهم در تضمین آینده نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برداریم.

اخبار

انحراف دولت در بودجه در برخی بندها بیشتر از دولت‌های پیش بوده است

رئیس دیوان محاسبات کشور در گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۹۵ به مجلس با بیان اینکه دولت هم نفت را می‌فروشد و هم از اوراق اسلامی استفاده می‌کند؛ اما در جمع مصارف عمومی دولت خود را بدهکارتر کرده و این بدهی رشد ۲۲۹ درصدی یافته است، اظهار داشت: «حدود ۱۳ درصد انحراف از اسناد خزانه و استفاده از اوراق مالی اسلامی بیشتر شده است.»

عادل آذر تصریح کرد: «میزان تخلفات و انحراف دولت از قانون بودجه ۹۵ در مقایسه با سال ۹۴ بیشتر شده است. درحالی که احکام بودجه در سال ۹۴، ۳۳ درصد رعایت شده، این میزان در سال ۹۵ به ۲۰ درصد کاهش یافته است.

دولت در سال ۹۴، ۵۵ درصد احکام بودجه را رعایت نکرده و این مسئله در سال ۹۵ به ۶۵ درصد افزایش یافته و ۱۴ درصد اهداف در بودجه سال ۹۴ تحقق نیافته و در سال ۹۵ این رقم ۱۹ درصد افزایش داشته است.»

وی با ارائه آماری عجیب و تأمل‌برانگیز گفت: «در سال ۹۵ حدود ۲۴ هزار میلیارد تومان درآمد شرکت‌های زیرمجموعه نفت به خزانه واریز نشده است. علاوه بر این، یک میلیارد و ۱۷۷ میلیون دلار به صندوق توسعه ملی واریز نشده است.»

چطور از ایجاد آشوب در ایران حمایت کنیم!

ژنرال بازنشسته آمریکایی، جیمز لیونز در «واشنگتن تایمز» با متهم کردن ایران به دخالت در حملات ۱۱ سپتامبر، وضعیت فعلی ایران را فرصتی بی‌نظیر برای تغییر رژیم دانسته و پیشنهادهایی ارائه کرده که در ادامه آمده است:

۱ـ باید کمپین اطلاعاتی گسترده‌ای برای افشای فساد و پولشویی مسئولان ایران ایجاد شود. بر اساس قانون «شفاف‌سازی دارایی مسئولان ایران»، وزارت خزانه‌داری باید دارایی و فعالیت‌های پولشویی مسئولان تحریم شده ایران را آشکار کند.

۲ـ مواضع شبکه صدای آمریکا (فارسی، انگلیسی و عربی) باید مورد بازبینی قرار گیرد و رویکرد نزدیک به اوباما حذف شود.

۳ـ بر اساس قانون GMHRAA، آمریکا می‌تواند مسئولان ایران را به دلایل نقض حقوق بشر تحریم کند.

۴ـ باید کردها را مستقیماً تسلیح و از کردستان مستقل حمایت کنیم. این استقلال، کلید انسداد پل سرزمینی ایران به مدیترانه است.

۵ـ پروژه کاساندرا در جهت ممانعت از درآمدهای سالیانه حزب‌الله احیا شود.

۶ـ آمریکا از توافق برجام خارج شود. تحمل برجام تا تغییر آن هیچ معنایی ندارد.

تخلف در بودجه‌نویسی و ایجاد نارضایتی در میان مردم

در پایگاه‌ها و شبکه‌های خبری این خبر در حال پخش شدن است که دولت در لایحه بودجه قرار بود که ۱۵۰ میلیون دلار برای ریزگردهای خوزستان تخصیص بدهد؛ اما مجلس مانع شده است. در بند و تبصره ۴ لایحه بودجه، دولت از محل منابع «صندوق توسعه ملی» پیشنهاد داد که ۱۱ طرح مهم کشوری از جمله ریزگردهای خوزستان پیگیری شوند. این در حالی است که تعیین تکلیف بودجه‌ای برای منابع صندوق توسعه ملی خلاف بند ۱۰ سیاست‌های کلی برنامه ششم و قانون می‌باشد و دولت در این رابطه تخلف کرده است، مگر اینکه پیش از آن اذن رهبر معظم انقلاب را می‌گرفت که آن را هم نگرفته است. در واقع مجلس بحق این ردیف را حذف کرده و تخلف اصلی در اینجا نزد دولت است که از منابع عمومی برای ریزگردها تخصیص نداده است و دست روی منابعی گذاشته که عملاً منابع او محسوب نمی‌شود. رویه‌ای که دولت در پیش گرفته است، انتخاب مهم‌ترین طرح‌های کشور و تخصیص آنها از طریق صندوق توسعه ملی می‌باشد که کاری غیر قانونی است و با مخالفت مجلس همراه می‌شود و در نهایت به مجوز رهبری منوط می‌شود. در واقع نویسنده بودجه به جای نظارت بر هزینه‌های جاری در یک فریب آشکار، رهبری و مجلس را مقصر عدم تخصیص‌ها به طرح‌های مهم جلوه داده است.

عده‌ای خزعبلات نئولیبرالیسم را تکرار می کنند

حسین راغفر، اقتصاددان اصلاح‌طلب، جامعه ایران را آبستن بحران‌های خودساخته دانست و ریشه آن را سیاست‌های تعدیل ساختاری لیبرالیستی پس از جنگ تحمیلی تاکنون عنوان کرد و نتیجه این سیاست‌ها را تشکیل جامعه بازار محور که در آن شرط‌بندی امری ناگزیر است و زندگی افراد دستخوش بخت و اقبال بازار است و بر این اساس نابرابری‌هایی ایجاد می‌شود، برشمرد و افزود: «بازار باید در خدمت جامعه باشد نه اینکه بازار رها باشد که مانند امروز شاهدیم که دولت در تسخیر اصحاب ثروت است.» وی نابرابری‌هایی که در بازار بر اثر بخت و اقبال ایجاد می‌شود را سبب انتقال فقر بین نسل‌ها دانست و هشدار داد: «باید منتظر بحران‌های بعدی باشیم. نشانه این بحران مصاحبه اخیر رئیس‌جمهور است و دیدیم که به هیچ چیز پاسخ ندادند و اظهارات‌شان تأیید حاکمیت سلطه جریان‌های تجاری است.» راغفر اضافه کرد: «رئیس‌جمهور گفتند؛ پول مردم را به این مؤسسات می‌دهیم و این یعنی، منابع مردم را به کسانی می‌دهیم که با پدرسوختگی سر مردم کلاه گذاشتند.»

وی با بیان اینکه تا دیدگاه‌های حاکم بر سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر مردم تغییر نکند با مشکلات بسیاری مواجه خواهیم بود، تصریح کرد: «اصحاب و احزاب اصلاح‌طلب به شدت وامدار صاحبان سرمایه شده‌اند و به همین دلیل جهت‌گیری‌شان به سمت بازار است.» این اقتصاددان اصلاح‌طلب با بیان اینکه بسیاری از بزرگان اصلاحات حرفی برای گفتن ندارند و خزعبلات نئولیبرالیسم را تکرار می‌کنند، اظهار داشت: «ایران ما خیلی قدرتمند است و ما ظرفیت عبور از مشکلات را داریم.»

می‌توان فقر را برطرف کرد

پرویز فتاح، رئیس کمیته امداد امام خمینی(ره) گفت: استان آذربایجان‌شرقی در کنار شهر بدون گدا و بدون معتاد متجاهر، در آستانه ورود به یک اتفاق بزرگ است و به دنبال آن است که شهر بدون نیازمند تحت پوشش کمیته امداد را به کارنامه خود اضافه کند. می‌توان در نظام اسلامی فقر را برطرف کرد و مطمئنم در تبریز و آذربایجان این ظرفیت وجود دارد؛ زیرا خیّر و حامی در قشرهای مختلف مردمی، به ویژه بازاری زیاد است.

بخش کشاورزی، محور اصلی اقتصاد

□ **محمد نوری/** با نگاهی به تاریخ شکل‌گیری اجتماعات بشری، همواره محصولات کشاورزی اصلی‌ترین منبع تأمین نیاز اولیه بشر، یعنی غذا معرفی شده است؛ به همین دلیل این عرصه پس از پیدایش و گسترش جوامع انسانی، نقش مهم و اساسی را در رفع نیاز افراد جامعه و تولید محصولات و ملزومات مورد نیاز و نیز تبادلات تجاری بین جوامع برعهده داشته است.

پس از افزایش قیمت نفت بعد از سال ۱۳۵۲ و بالا رفتن درآمد ایران، موضوع واردات، به ویژه واردات محصولات کشاورزی به طور سرسام‌آوری رو به افزایش گذاشت و دولت‌های وقت با تکیه بر درآمد نفت، هر روز به بخش کشاورزی بی‌توجه‌تر شده و در نتیجه واردات محصولات کشاورزی، به بهانه تقویت عرصه صنعت در داخل کشور، افزایش چشمگیری یافت که متأسفانه این بی‌توجهی به بخش کشاورزی نه تنها سبب از بین رفتن کشاورزی در ایران شد؛ بلکه کشور نیز در مسیر صنعتی شدن قرار نگرفت و جز صنایع مونتاژ، صنعت دیگری در کشور ایجاد نشد. این در حالی است که کشاورزی به قدری حائز اهمیت است که بسیاری از صاحبنظران بخش اقتصادی و دفاعی، کشاورزی را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ایجاد و حفظ استقلال و امنیت پایدار و با ثبات برای کشورها تلقی کرده و عاملی مهم و تأثیرگذار در معادلات بین‌المللی به شمار می‌آورند. با توجه به این مهم، جایگاه بخش کشاورزی در روند رشد و توسعه اقتصادی بررسی می‌شود.

جایگاه کشاورزی در اسناد بالادستی

سند چشم‌انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی به منزله سند بالادستی برای تحقق برنامه‌ها و فعالیت‌های مورد انتظار است که در آن جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز بیست ساله، کشور برتر منطقه بوده و دارای ویژگی‌هایی، از جمله برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مندی از محیط زیست مطلوب و پایدار خواهد بود که در این سند کشاورزی ایران در مقایسه با رقبای منطقه‌ای خود، توانایی رساندن کشور به اهداف چشم‌انداز را دارد.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله و با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا تهیه و برای اجرا ابلاغ شده است. در راستای تحقق اهداف بلند این سیاست‌ها، کشاورزی از جایگاه مهم و استراتژیکی برخوردار است و می‌تواند در مسیر تحقق اهداف بلند سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نقش تأثیرگذاری ایفا کند.

قابلیت بخش کشاورزی در رشد اقتصادی

بخش کشاورزی با داشتن زیر بخش‌های چهارگانه زراعت، دامپروری، شیلات و جنگل‌داری یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد کشور به شمار می‌آید. این بخش با وجود اهمیت اقتصادی، اجتماعی و امنیتی فراوانی که دارد، ولی به اندازه کافی و لازم مورد توجه مسئولان، برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران عرصه اقتصادی کشور قرار نگرفته است. کشاورزی در ایران با داشتن ویژگی‌های بسیار، از جمله چهار فصل بودن، توانایی زیادی برای تبدیل شدن به موتور محرکه اقتصاد در چارچوب اقتصاد مقاومتی و جایگزینی نفت را دارد. با گسترش فعالیت‌های کشاورزی در بخش‌های گوناگون، از جمله زراعی، باغی، مرتع‌داری، جنگل‌کاری، دامداری و دامپروری، زنبورداری، پرورش طیور و آبزیان و دیگر جانداران موردنیاز صنعت کشاورزی و ایجاد تنوع در محصولات این بخش، می‌توان موجبات رشد اقتصادی کشور را فراهم کرد.

با تشدید تحریم‌های ظالمانه دشمن علیه نظام اسلامی در سال ۹۱، بیشتر بخش‌های اقتصاد کشور رشد منفی را تجربه کردند و این در حالی بود که بخش کشاورزی رشدی معادل ۶/۳ را نشان می‌داد. این موضوع نشان‌دهنده ظرفیت مناسب این بخش برای مقاوم‌سازی اقتصاد داخلی و کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت است که تحریم آن محور تحریم‌های ظالمانه دشمنان این نظام و انقلاب است.

بخش کشاورزی موتور محرک صنعت

بخش کشاورزی در صورتی که مورد توجه قرار گیرد و از ظرفیت‌های موجود در آن استفاده شود، می‌تواند با ایجاد صنایع بالادستی، صنایع پایین‌دستی و صنایع تبدیلی وابسته به خود، صنعت کشور را به حرکت درآورد. بخش کشاورزی با ایجاد صنایع بالادستی، مانند صنایع تولید ماشین‌آلات کشاورزی، صنایع تولید تجهیزات آبیاری نوین، صنایع تولید تجهیزات دامداری و دامپروری، صنایع تولید کود شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی و... می‌تواند موجب پویایی و تحرک صنعت در کشور شود یا با ایجاد صنایع پایین‌دستی، مانند صنعت تولید پارچه و پوشاک، صنعت تولید کاغذ، بخش تولید خوراک دام و طیور و دیگر موارد مشابه و همچنین صنایع تبدیلی، مانند صنایع تولید کنسانتره، کنسرو و کمپوت و نیز صنایع واسطه‌ای، مانند صنعت بسته‌بندی، انبارداری و سردخانه‌ای، حمل‌ونقل و توزیع و نگهداری، سهم مهمی در ایجاد اشتغال و نیز تولید ثروت ملی ایفا کند.

روند رو به رشد بخش کشاورزی

با رواج و گسترش استفاده از فناوری‌های نوین در حوزه کشاورزی، حضور سرمایه‌گزاران در این بخش افزایش یافته و گرایش جوانان به فعالیت در حوزه کشاورزی بیشتر شده است. رویکرد مناسبی در این حوزه برای استفاده بهینه از منابع و امکانات در حال شکل‌گیری است؛ به گونه‌آی که یک میلیون هکتار طرح توسعه آبیاری نوین در سطح کشور برنامه‌ریزی و اجرا شده و سرمایه‌گذاری‌های موجود در بخش کشاورزی صورت گرفته است که آینده خوبی را در بخش کشاورزی نوید می‌دهد. مسئولان و دست‌اندرکاران به این مهم رسیده‌اند که بخش کشاورزی نجات‌دهنده اقتصاد کشور است و باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

افزایش سهم صادرات محصولات کشاورزی در سال‌های گذشته می‌تواند مؤید این نکته باشد. ارزش صادرات محصولات کشاورزی و صنایع غذایی از ۵/۶ میلیارد دلار در سال ۹۴ به ۵/۷ میلیارد دلار در سال ۹۵ رسید و به این ترتیب سهم این گروه از کل صادرات غیر نفتی کشور در سال گذشته به حدود ۱۳ درصد رسیده است که روند رو به رشدی را نشان می‌دهد؛ هر چند که به تقویت نیاز دارد.

توسعه صادرات محور کشت‌وکار

به اعتقاد برخی کارشناسان بخش کشاورزی، راهکارهای توسعه و رونق صادرات محصولات کشاورزی و غذایی اجرایی شدن ماده ۳۳ قانون برنامه ششم و تخصیص حداقل ۲۰ درصد منابع صندوق‌های حمایت از بخش کشاورزی به منظور تسهیلات برای صادرات این بخش، اختصاص بودجه مناسب برای توسعه صادرات این بخش، کاهش محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها در صادرات، واگذاری امور اجرایی حوزه صادرات غیر نفتی به تشکل‌های تولیدی و صادراتی، به ویژه در بخش کشاورزی و نیز تشکیل شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی است که موجبات پویایی این بخش و دیگر بخش‌های اقتصادی کشور را فراهم می‌کند.

آن‌روی سکه

اقدام انقلابی در برخورد با تخلف اقتصادی

□ **محمدابراهیم میانجی/** رعایت حقوق عمومی مردم یکی از وظایف و اقتضائات حکومت است. برای تحقق این مهم هر کسی در هر پست و مقامی باید دغدغه لازم را داشته باشد و اقدام کافی را در این زمینه انجام دهد. در این بین دادستانی در جایگاه مدعی‌العموم از موقعیت ویژه و مهمی برای احقاق حقوق مردم برخوردار است.

به عقیده برخی، دادستان یا مدعی‌العموم، سرپرست و رئیس «دادسرا» است. دادسرا همان «دیوان حسبه» و دادستان همان «محتسب» است که از دیرباز در حقوق اسلامی وجود داشته و پس از فتح «آندلس» از جانب مسلمانان و از طریق این کشور به حقوق کشورهای اروپایی راه یافت. طبق ماده ۴۹ قانون اصول تشکیلات دادگستری در نظام جمهوری اسلامی ایران؛ «مدعیان عمومی صاحب‌منصبانی هستند که برای حفظ حقوق عامه و نظارت بر اجرای قوانین موافق مقررات انجام وظیفه می‌کنند. مدعیان عمومی نسبت به جریان امور محاکمی که در نزد آن محاکم مأموریت دارند، نظارت داشته و مراقب هستند که تجاوز از حدود قانونی نشود و در صورت تجاوز و سوء جریان به وزارت عدلیه گزارش خواهند داد.»

نقش دادستان عمومی و دادستان کل در نظام قضایی کشور اینگونه است که در هر موضوعی که جنبه جزایی در آن احساس شود- بدون اینکه از جزایی بودن آن مطمئن باشیم- و هر مطلبی که حقی و تکلیفی در آن مطرح باشد- بدون اینکه متولی حفظ یا استیفا یا ایفای آن را بشناسیم- می‌توانیم به دادستان مراجعه و موضوع را اعلام و چاره‌جویی کنیم. با این توصیف، وظایف و مأموریت اصلی دادستانی در جایگاه مدعی‌العموم این است که پرچمدار احقاق حقوق عمومی در جامعه باشد و در هر زمینه‌ای که لازم شد از حقوق مردم با قدرت دفاع و با متخلفان و قانون‌شکنان مقابله کند.

در همین زمینه چندی پیش حجت‌الاسلام اسماعیل صادقی‌نیارکی، دادستان عمومی و انقلاب استان قزوین اعلام کرد با توجه به ارائه نشدن خدمات ضروری، دریافت عوارض خودرو از محور قزوین- زنجان ممنوع است.

شرکت‌های خدماتی آزادراه‌ها اعم از دولتی و خصوصی موظفند در قبال مبالغی که در قالب عوارض از مردم دریافت می‌کنند، خدمات ضروری و رفاهی، از جمله آسفالت مناسب و ترمیم نقاط آسیب‌دیده، روشنایی در طول مسیر، تعبیه گاردریل مناسب به منظور کاهش آسیب‌های تصادفات، نصب علائم مربوط به مقررات راهنمایی و رانندگی، تدارک محل‌های توقف مجاز و تابلوهای هشدار، اطلاع از نقاط حادثه‌خیز و خدمات دیگر را به مردم ارائه دهند. در این آزادراه‌ها مشکلاتی وجود دارد که رفع نشدن آنها موجب بروز تصادفات و ایجاد اخلال در روند عبور و مرور که حق عمومی مردم است، می‌شود. با توجه به این دلایل و تا مرتفع شدن کلیه عیوب و مشکلات این محور، دریافت عوارض از سوی شرکت مربوطه به دستور دادستانی ممنوع اعلام شد که این اقدام در راستای احقاق حقوق عمومی مردم تلقی می‌شود؛ اقدامی که می‌تواند فتح بابی برای برخورد با دیگر تخلفات عمومی باشد که اجحاف در حق مردم است و متولی خاصی ندارد.

رهبر معظم انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که احیا و استیفای حقوق عامه و حمایت از آزادی‌های مشروع مردم از وظایف مهم قوه قضائیه است و این قوه باید پرچمدار این موضوعات باشد و با مخالفان و معارضان حقوق عمومی در هر جایگاهی، مقابله کند. از این رو اقدام انقلابی این دادستان تحسین‌برانگیز و قابل قدردانی است.

کلید واژه

یوزانس

یوزانس (Usance)؛ در لغت به معنای «فرجه»، «مهلت» و «وعده پرداخت» است و در اصطلاح سرمایه‌گذاری به معنای توافق بر پرداخت قیمت فناوری و تجهیزات دریافت شده در قبال ارائه برات مدت‌دار است. به عبارت دیگر، یوزانس به برات اسنادی گفته می‌شود که به دلایل گوناگون از سوی فروشنده کالا به صورت مدت‌دار قبول می‌شود تا خریدار از تاریخ رؤیت برات یا حمل کالا در مدتی که معمولاً از یک ماه تا شش سال طول می‌کشد، نسبت به پرداخت وجه آن اقدام کند. براتی را که از سوی بانک بازکننده «اعتبار قبولی» داده شود، «قبولی بانکی» گویند. در این حالت چنانچه ذی‌نفع اعتبار به وجه نقد نیاز داشته باشد، می‌تواند قبولی بانکی را در بازار تنزیل و به وجه نقد تبدیل کند.

یوزانس نوعی از اعتبارات اسنادی است که در آن فروشنده کالا به خریدار مهلتی می‌دهد تا بتواند در این فاصله وجه اعتبار را بپردازد. در مواردی که فروشنده حاضر به قبول معامله یوزانس نمی‌شود، غالباً یک مؤسسه مالی یا بانک‌های تجاری ثالثی وارد جریان داد و ستد شده و وجه اعتبار را به فروشنده می‌پردازند تا در سررسید بهره و اصل یوزانس را از خریدار اخذ کنند.

معمولاً یوزانس به صورت اعتبار اسنادی غیر قابل برگشت تأیید شده، صادر می‌شود تا تضمینی برای فروشنده کالا وجود داشته باشد. آنچه سبب می‌شود فروشندگان به گشایش اعتبارات یوزانس رغبت یابند، تعهد پرداخت وجهی است که بانک گشاینده اعتبار در سررسید اعتبار بر عهده می‌گیرد. در این میان، تأیید یک بانک دیگر هم ممکن است به تأیید بانک گشاینده افزوده شود.

طبق آخرین دستورالعمل بانک مرکزی، در حال حاضر اعتبارات اسنادی یوزانس حداکثر ظرف مدت ۱۸۰ روز تا یک سال قابل گشایش هستند.

پایش

حالا بدون خورشید

□ **سید فخرالدین موسوی/** آقای رئیس‌جمهور پس از مدت‌ها، در حالی که نارضایتی‌ها از عملکرد دولت دوازدهم افزایش یافته است و آنچه موج «پشیمانیم» نام گرفت به راه افتاد، حتی رسانه و چهره‌های اصلاح‌طلب به شکل معناداری فاصله‌گذاری با رئیس دولت اعتدال را کلید زدند، در گفت‌وگوی زنده که تلاش شده بود فضای متفاوت داشته باشد در برابر مجری برنامه «حالا خورشید» نشست؛ اما آن‌طور که آقای روحانی و تیم رسانه‌ای ریاست‌جمهوری انتظار داشتند از آب در نیامد تا آنجا که حتی رسانه‌های حامی دولت نیز فردای گفت‌وگوی تلویزیونی رئیس‌جمهور ریسک نشاندن تیترهایی در تأیید و حمایت از دولت را بر صفحه اول خود نپذیرفتند؛ روزنامه اصلاح‌طلب «اعتماد» تیتر درشت «شب قول» را بر صفحه اول خود نشاند و در سرمقاله به قلم «محمدعلی ابطحی» نوشت: «متأسفانه سؤالات آقای رشیدپور متفاوت نبود؛ حتی طعم سخنرانی‌های آزاد خود روحانی را نداشت. از سیاست داخلی و خارجی و حتی اقتصاد حرف مهمی پرسیده نشد. اصلاً به مشکلات اخیر اشاره نشد، حتی سؤالات از برنامه‌های عادی رشیدپور هم خیلی محافظه‌کارانه‌تر بود. کشور به مصاحبه دیگری احتیاج داشت.» روزنامه «آرمان»؛ عنوان انتقادی «گفت‌وگوی دیرهنگام» را انتخاب کرد اما در کنار آن تلاش کرد کمی هم از اصل این اتفاق حمایت کند و در سرمقاله خود با عنوان «پاسخ‌های منطقی در برابر پرسش‌های چالشی» به تمجید از گفت‌وگوی رئیس‌جمهور با «رضا رشیدپور» پرداخت؛ روزنامه «شرق» نیز تیتر «آنچه نگفت و باید می‌گفت» بر صفحه اول خود قرار داد؛ اما در این میان روزنامه «آفتاب یزد» کمی بی‌پرواتر از دیگر رسانه‌های اصلاح‌طلب به موضع پرداخت و با انتخاب عنوان؛ «جسارتاً به عقب برگردید» نوشت؛ «حوادث اخیر، فشارهای اقتصادی، مشکل بیکاری و... همه موجب شده بود انتظارها از سخنان روحانی زیاد باشد؛ اما به نظر می‌رسد تنها تفاوت این سخنرانی در مجری آن بود. از گفت‌وگویی خاص حرف زده شد؛ اما حاشیه‌ها در این مصاحبه بر متن غلبه کرد، موضوعات اصلی جا ماند. همین‌ها موجب شد تا نظرسنجی‌هایی که در گوشه و کنار فضای مجازی شکل گرفت، نشان از عدم رضایت حداکثری باشد.

حسام‌الدین آشنا در توئیتر خود با این پرسش که «ارزیابی شما از پاسخ‌های مصاحبه شونده (روحانی)؟» از کاربران نظرخواهی کرد که تا لحظه نگارش این گزارش شش هزار و ۴۱۴ نفر در این نظرسنجی شرکت کردند که ۸۳ درصد اعلام کردند؛ پاسخ‌ها ضعیف بوده... هنوز شش ماه بیشتر از دولت دوازدهم نگذشته، روحانی می‌تواند شرایط را تغییر دهد؛ اما برای این روحانی باید همان روحانی انتخابات باشد پس «جسارتاً» به عقب برگردید»؛ صفحه اول روزنامه‌های اصولگرا نیز چیزی مشابه همان بود که اصلاح‌طلبان بر صفحه نگاشته بودند؛ روزنامه «صبح نو» تیتر کنایه‌وار «دولت به فکر مردم است» را با تصویری از گفت‌وگوی حسن روحانی و مجری برنامه صبحگاهی شبکه سه به چاپ رسانده بود و نوشت: «رئیس‌جمهور چنانکه رئیس دفترش گفته بود؛ در جهت ایجاد تحول، نشاط و امیدآفرینی با مردم سخن گفت.»؛ روزنامه «وطن امروز» هم تیتر «همه ناراضی» را بر صفحه خود درج کرد؛ «کیهان» دیگر روزنامه منتقد دولت نیز تیتر یک «جای خالی اشتغال، رکود و تورم در گفت‌وگوی تلویزیونی رئیس‌جمهور» برگزید و ذیل آن نوشت؛ «وقتی مجری برنامه در همان آغاز با جملاتی خاص به رئیس‌جمهور گفت: «می‌دانم با تسلطی که به دانش و سخنوری دارید خود را برای گفت‌وگویی خاص آماده کرده‌اید» روحانی در مقام پاسخ چنین برآمد که «خاص و غیر خاص را نمی‌دانم. مردم باید ابهاماتشان رفع شود و اگر این‌گونه باشد به سؤالات آنها پاسخ داده شود بسیار مفید خواهد بود» و این سخنی کاملاً درست است؛ اما باید دید که در عمل هم این اتفاق افتاده است یا نه؟ روزنامه «جوان» نیز تیتر جالب «خیال مردم از نرخ ارز راحت باشد» را بر صفحه اول قرار داد؛ تیتری که با توجه به اخبار بازار ارز و افزایش نرخ ارز در حقیقت به معنای به چالش کشیدن سخنان رئیس‌جمهور و آمارهای رئیس دولت اعتدال است.

تا در یک اتفاق نادر مواضع رسانه‌های منتقد و حامی دولت به هم نزدیک شوند و همه بر این نکته متفق باشند که این گفت‌وگو دردی از مردم دوا نکرد و خورشید امید و حل مشکلات و ضعف‌ها با مصاحبه‌هایی از این دست و به ظاهر متفاوت طلوع نخواهد کرد.

نکته‌گرام

پژواک

جنگ سایبری-۱

□ **مهدی فرهادی/** جنگ سایبری یکی از برنامه‌های جدید آمریکاست؛ اما اینکه این جنگ چگونه برگزار می‌شود، خود محل تردید است. هنوز این باور وجود ندارد که جنگ سایبری از همه جنگ‌ها مهم‌تر است. در جنگ سایبر تلاش می‌شود تا همه چیز را درباره دشمن بدانیم و در عین حال نگذاریم او هیچ چیزی درباره ما بداند. به بیان دیگر، هدف اصلی در جنگ سایبر بر هم زدن «موازنه اطلاعات و دانش» به نفع نیروهای خودی است، به ویژه اگر «موازنه توان رزمی» وجود ندارد. بنابراین، در جنگ سایبر می‌توان با بهره‌گیری از دانش برتر، ضعف سرمایه و نفرات کمتر را جبران کرد و به پیروزی قاطع دست یافت.

هفت شکل جنگ اطلاعاتی به شرح زیر نام برده می‌شود:

۱- جنگ فرماندهی و کنترل که هدف آن قطع کردن سر دشمن، یعنی از بین بردن مغز متفکر دشمن است.

۲- جنگ بر پایه اطلاعات که متشکل از طراحی، حفاظت و ممانعت از دسترسی به سیستم‌هایی است که برای برتری بر فضای نبرد در جست‌وجوی دانش کافی هستند.

۳- جنگ الکترونیک که شامل تکنیک‌های رادیویی، الکترونیک یا رمزنگاری است.

۴- جنگ روانی که در آن از اطلاعات برای تغییر ذهنیت و طرز فکر دوستان، بی‌طرف‌ها و دشمنان استفاده می‌شود.

۵- جنگ هکرها که در آن به سیستم‌های رایانه‌ای حمله می‌شود.

۶- جنگ اطلاعاتی اقتصادی که به دنبال ایجاد مانع در برابر اطلاعات یا تسهیل جریان اطلاعات با هدف کسب برتری اقتصادی است.

۷- جنگ سایبر که ترکیبی از همه موارد شش‌گانه بالاست. (گرداب: ۸۸۷۷)

عکس خبر

هدف جنگ نرم دشمن؛ ناامیدی ملت ایران

رفتگری که به رسم مهربانی ناخن‌های پیرمرد دست‌فروش را می‌گیرد

یک میدان و دو هجوم!

مناجات رزمندگان انصارالله پیش از اعزام به نبرد با سعودی‌ها...

نقاشی زیبا بر کانکسی در شهر سرپل‌ذهاب به یاد شهدای سانچی

نصب بیرق‌های عزای فاطمیه در حرم حضرت سیدالشهداء(ع)

عارف هم با کفش وارد منازل مردم زلزله‌زده شد

زنگ تفریح دانش‌آموزان اهوازی در گرد و غبار شدید

درخواست ضد حزب‌اللهی آمریکا از بیروت

مارشال بیلینگزلی، معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور مبارزه با تأمین مالی تروریسم در سفر دو روزه به لبنان و دیدار با میشل عون، رئیس‌جمهور و سعد حریری، نخست‌وزیر، مقامات بانکی و دیگر مقامات سیاسی این کشور، از دولت لبنان خواست جنبش حزب‌الله را از نظام مالی این کشور دور کند. معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در دیدار با مقامات لبنان مدعی شد: دولت آمریکا به همکاری با لبنان برای حمایت از نظام مالی و پشتیبانی از یک لبنان قوی، با ثبات و شکوفا متعهد است.

پنجره

پشت دیوار هوچی‌گری

□ قاسم غفوری/ سال ۲۰۱۸ در حالی آغاز شد که سیر تحولات عرصه جهانی نکات قابل توجهی را در خود دارد که می‌تواند مؤلفه‌ای برای تحولات یک سال آینده باشد. پس از آنچه آمریکا طرح معرفی قدس به پایتختی رژیم صهیونیستی را اعلام کرد، سران آمریکا و رژیم صهیونیستی با محوریت ترامپ و نتانیاهو ادعای جایگاه برتر جهانی را مطرح و تلاش کردند چنان نشان دهند که محور اصلی تحولات جهانی هستند. آنها با ایجاد فضای هوچی‌گری بر آن بوده‌اند تا دست به قدرت‌نمایی جهانی زده و چنان نشان دهند که جهان جز تن دادن به خواسته‌های آنها گزینه‌ای ندارد. فضای هوچی‌گری آنها به‌گونه‌ای بوده است که ادعا کرده‌اند جهان گزینه‌ای جز اجرای خواست آنها ندارد و برای نمونه در مسئله‌ای مانند برجام، همه جهان از جمله کشورهای اروپایی باید به خواست آمریکا مبنی بر بازنگری در برجام عمل کرده؛ در غیر این صورت باید پذیرنده عواقب نافرمانی از ترامپ باشند.

این ادعاها در حالی مطرح شده است که روند تحولات در عرصه داخلی آمریکا و رژیم صهیونیستی و عرصه جهانی نکاتی دیگر را نشان می‌دهد. اول آنکه نتانیاهو، نخست‌وزیر صهیونیست‌ها در حالی راهی هند شد که مردم این کشور با تظاهرات ضد صهیونیستی خواستار قطع روابط کشورشان با این رژیم شدند. نکته مهم آنکه نتانیاهو در عرصه داخلی رژیم صهیونیستی نیز جایگاه چندانی ندارد و هفته‌هاست که تظاهرات علیه او برگزار می‌شود و خواستار سرنگونی کابینه او هستند. به عبارتی دیگر، نتانیاهو نه در داخل و نه در خارج جایگاهی نداشته و صرفاً با بحران‌سازی و انحراف افکار عمومی به حاشیه‌ها سعی در ماندن در قدرت دارد.

دوم آنکه ترامپ نیز وضعیت قابل توجهی دارد. وی در حالی اولین سال ریاست‌جمهوری خود را به پایان می‌رساند که در عرصه داخلی از یک سو استعفای نزدیکانش از وزرا و مشاوران گرفته تا سناتورها و کارمندان دولتی همچنان ادامه دارد؛ در حالی که هر روز ابعاد جدیدی از فساد اخلاقی وی نیز برملا می‌شود. از سوی دیگر مردم آمریکا نیز همچنان به تظاهرات در شهرهای گوناگون ادامه می‌دهند. روند تحولات چنان است که برخی ناظران سیاسی احتمال به پایان نرسیدن دوران ریاست‌جمهوری وی را مطرح می‌کنند.

در عرصه جهانی نیز ترامپ وضعیت مطلوبی ندارد و همچنان مخالفت‌ها با طرح‌های وی ادامه دارد که نمونه آن مخالفت اروپا با خواسته‌های آمریکا در قبال برجام و نیز همراهی جهانی با کره‌شمالی در برابر تهدیدات آمریکاست. نکته مهم دیگر در این عرصه آن است که سفرهای ترامپ نیز با اعتراض‌های بسیاری همراه شده است. همزمان با اعلام احتمال سفر ترامپ به انگلیس، مردم این کشور با تظاهرات سراسری خواستار لغو این سفر شدند. در همین حال، همزمان با اعلام سفر وی به سوئیس برای حضور در اجلاس داووس نیز مردم تظاهرات گسترده‌ای برپا کردند. البته این روند را باید به تظاهرات ماه‌های اخیر علیه اقدام آمریکا در معرفی قدس به پایتختی رژیم صهیونیستی افزود. در این میان، مواضع ضد بشری و نژادپرستانه ترامپ در قبال آفریقایی‌ها که آنها را با زشت‌ترین عناوین خطاب قرار داده بود، ابعاد دیگری از ماهیت نژادپرستانه حاکم بر ساختار آمریکا را نشان داد که واکنش یکپارچه اتحادیه آفریقا و درخواست آنها برای عذرخواهی رسمی آمریکا را در پی داشت. وضعیت بحرانی ترامپ چنان است که پیش از برگزاری نشست داووس، «تیلرسون» وزیر خارجه آمریکا راهی فرانسه، انگلیس، لهستان و سوئیس شد. هر چند در ظاهر ادعا شده این سفر برای رایزنی در قبال ایران بوده است؛ اما در اصل این اقدامات از انزوا و ناکامی‌های جهانی آمریکا نشئت گرفته که سعی کرده است با لایه‌ای از ایران‌هراسی آن را پنهان کند.

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت آنچه در صحنه جهانی در حال روی دادن است نگاه منفی جهانیان به نتانیاهو و ترامپ به عنوان نمادهای ساختار آمریکا و رژیم صهیونیستی است که یک اصل را نشان می‌دهد و آن اینکه جامعه جهانی دیگر پذیرنده رفتارهای بحران‌ساز آنها نیست و خواسته آنها مقابله با آنها برای تحقق امنیت جهانی است.

فراسو

علاقه مکرون به تقلید از ژنرال دوگل

□ رضا اشرفی/ امانوئل مکرون وقتی در انتخابات پیروز شد، جوان‌ترین رئیس‌جمهور فرانسه لقب گرفت. وی سعی داشت زیرمجموعه فکری و عملی هیچ یک از احزاب پیشین فرانسه نباشد، اگرچه گرایش‌های سوسیالیستی در او هویدا بود. با وجود این نه از سیاست‌های محافظه‌کاران حمایت می‌کرد و نه از سوسیالیست‌ها پیروی داشت، اما خود حزبی را به نام «فرانسه به پیش» تأسیس کرد و در کمترین زمان ممکن بیشترین آرای مردمی را به دست آورد و در مرحله دوم انتخابات توانست ماری لوپن، نماینده رادیکال و ملی‌گرای فرانسه را پشت سر بگذارد.

مردم فرانسه به این دلیل به او رأی دادند که از سیاست‌های دولتمردان پیشین خود خسته و ناامید شده بودند، چون نمایندگان هیچ یک از احزاب فرانسه نتوانسته بودند خواسته‌های شهروندان را برآورده کنند، بخصوص که نظام سرمایه‌داری در دوران بحران اقتصادی به سر می‌برد و کار چندانی از دست دولتمردان برنیامد. در چنین وضعیتی مکرون به سمت اقتصاد آزاد پیش رفت، اما از آنجا که خود پیشتر علقه‌های سوسیالیستی داشت سعی کرد این بخش را نیز فراموش نکند و راه میانه را نادیده نگرفت. از سوی دیگر چون رقیب انتخاباتی وی یک تندروی ضد اتحادیه اروپا، ضد مهاجران، ضد اسلام و... بود، توانست با تندروی بر موج مخالفت کرسی ریاست را به دست بگیرد. مکرون در مدتی کوتاه کرسی‌های پارلمان را به دست آورد تا در رویکردی یکدست و با خیالی آسوده‌تر برنامه‌های خود را دنبال کند.

طی مدت اخیر که وی ریاست را به دست دارد چند نقش او بیشتر مورد توجه است. ابتدا اینکه با همه‌پرسی خروج انگلیس از اتحادیه اروپا که البته هنوز وضعیت نامشخصی دارد، سعی کرده به لحاظ رهبری در اتحادیه نقش پررنگ‌تری را ایفا کند. از دیر زمان بین فرانسه و آلمان در نقش‌آفرینی اتحادیه اروپا رقابت وجود داشته است. طی سال‌های گذشته آلمان از نظر اقتصاد برتر و برنامه‌های آنجلا مرکل، صدراعظم این کشور، که با مشکلات رؤسای فرانسه همراه نبود، باعث شد تا پاریس تا حدودی به حاشیه برود.

مکرون اگرچه در دوره مبارزات انتخاباتی و همچنین پس از پیروزی سعی داشته تا به میزان همکاری و همفکری خود با آلمان بیفزاید، اما نباید فراموش کرد که همواره سعی داشته نقش پررنگ‌تری نسبت به قبل ایفا کند و حتی آلمان را پشت سر بگذارد. که تاکنون موفق به

از آنجا که فرانسه در سوریه منافع پیشینی و تاریخی دارد، سعی می‌کند نقش و نفوذ خود را بازآفرینی کند

این کار نشده اما با وجود مشکل پیش آمده در تشکیل دولت آلمان و انتخاب نهایی صدراعظم، فرانسه امیدوار است که بتواند پررنگ‌تر ظاهر شود.

البته گرایش رهبری در اتحادیه اروپا یا دست‌کم رفتار سیاسی مستقلانه که بتواند اتحادیه اروپا و همچنین دیگر کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار بدهد، مختص مکرون نیست؛ زیرا پیش از این ژنرال دوگل توانسته بود چنین نقشی را بازی کند. حال مکرون با تقلید از دوگل سعی دارد تا غرور ملی فرانسوی‌ها را بازگرداند. این مسئله سبب می‌شود تا شهروندانی را که به ملی‌گرایی لوپنی گرایش پیدا کرده‌اند، به سمت خود جذب کند. مکرون در صورت موفقیت قادر خواهد بود تندروی ملی‌گرایانه لوپن را تا حدودی خنثی کند و بار دیگر آن را از دور رقابت‌های انتخاباتی فرانسه به عقب براند.

نمونه‌هایی از اینگونه نقش‌آفرینی مکرون تاکنون نمود بیرونی پیدا کرده است که مهم‌ترین آن نقش‌آفرینی در حل بحران لبنان و سعودی‌ها بود. زمانی که سعودی‌ها، نخست‌وزیر لبنان را گروگان گرفته بودند و وی را به اتخاذ مواضع خاص مجبور می‌کردند و تمامی راه‌های خروج از این بحران را بسته بودند، مکرون، حریری را به شکل علنی به فرانسه دعوت کرد تا معضل ممنوع‌الخروجی وی را از ریاض حل کند.

در جدیدترین اقدام مکرون در پی بحران شکل گرفته در منطقه عفرین سوریه وزیر امور خارجه خود را مأمور کرده تا با همتای ترکیه‌ای خود وارد مذاکرات دوسویه در خصوص این بحران شود. از آنجا که فرانسه در سوریه منافع تاریخی داشته، در حال حاضر سعی دارد میزان نقش و نفوذ خود را در آن بازآفرینی کند. البته، فرانسه در سیاست خارجی منطقه‌ای خود به سوریه و ترکیه بسنده نکرده، بلکه حوزه‌های مختلف را در این منطقه در نظر دارد که بعد از این بیشتر از آن شنیده خواهد شد. باید در نظر داشت که فرانسه نیم‌نگاهی نیز به برجام و نقش ایران در منطقه دارد و سعی دارد تا با رویکردی میانه و البته جانبدارانه در همراهی با آمریکا و برخی کشورهای عربی و صهیونیست‌ها در کنار امتیازگیری از ایران از این موضوع برای باج‌گیری از کشورهای عربی نیز بهره گیرد. ناگفته نماند که مکرون علاقه‌مند است تا با حضور پررنگ در بیرون از مرزهای خود و تقویت غرور ملی فرانسوی در صورت کاستی در داخل، توان دفاع از عملکرد خود را در دوره بعدی انتخابات داشته باشد.

رخنه

نفوذ آل‌سعود در جهان اسلام ـ ۲

رخنه شیوخ سعودی در تونس

امضای تفاهم‌نامه‌های اقتصادی

□ عبدالله عبادی/ هرچند در زمان حکومت بن علی حضور سازمان‌های وهابی در تونس آشکار بود، اما از آنجایی که دولت بن علی به شدت سکولار بود، از گسترش اصول اسلامی هرچند در قالب وهابیت جلوگیری می‌کرد. با سقوط دولت بن علی و از بدو بیداری اسلامی در تونس یکی از کشورهایی که سعی داشت با ارائه کمک‌های اقتصادی به نوعی دولت جدید تونس را وامدار خود کند، رژیم آل‌سعود بود. رژیم سعودی با ارائه وام‌ها و کمک‌های اقتصادی بلاعوض نقش مهمی در استحاله قیام مردم تونس علیه ظلم و ستم دولت بن علی داشت. وام‌های متعدد و کمک‌های سعودی در همان ماه‌های اولیه جواب داد و دولت تازه‌کار تونس با فشار آمریکا و عمال سعودی میزبان اجلاس دوستان تونس در این کشور شد.

کنفرانس «دوستان سوریه» با حضور نمایندگان نزدیک به ۷۰ کشور جهان در تونس به منظور یافتن راه‌حلی برای پایان دادن به بحران و ناآرامی‌های مرگبار سوریه در روز ۲۴ فوریه ۲۰۱۲ (پنجم اسفند ۱۳۹۰) در تونس برگزار شد.

همزمان با برگزاری این نشست، اصلی‌ترین گروه مخالف دولت سوریه از حاضران در این نشست خواسته است به پیکارجویان مخالف بشار اسد، اجازه واردات تسلیحات داده شود.

امضای تفاهم‌نامه‌های اقتصادی

با شعله‌ور شدن تنور جنگ سوریه و وجود هزاران بیکار در تونس این کشور به بزرگ‌ترین صادرکننده تروریست به سوریه تبدیل شد؛ به گونه‌ای که شیوخ سلفی که همگی تحصیل‌کرده عربستان بودند، با دادن وعده‌های توخالی جوانان تونسی را برای جهاد به سوریه اعزام کردند.

با آغاز حملات ددمنشانه عمال سعودی به یمن، الباجی قائد السبسی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی العربیه گفت که عربستان دوست و برادر تونس است و ما به اقدام این کشور در یمن احترام می‌گذاریم. به این ترتیب حاکمان تونس نشان دادند در قبال دریافت کمک‌های نقدی رژیم آل‌سعود حاضر به هرگونه حمایت از این رژیم هستند؛ البته عربستان نیز این حمایت را بی‌پاسخ نگذاشت و در آذر ماه ۱۳۹۵ اعلام کرد ۸۰۰ میلیون دلار وام برای اجرای طرح‌های توسعه به تونس اعطا خواهد کرد.

به گفتهٔ یوسف البسام، معاون رئیس صندوق توسعه عربستان، ۱۰۰ میلیون دلار از این مبلغ کمک بلاعوض است که صرف ساخت یک بیمارستان و یک دانشگاه می‌شود.

عربستان همچنین مسجد جامع عقبه‌بن‌نافع، یکی از مهم‌ترین مساجد تونس را که در شهر تاریخی قیروان واقع شده است، بازسازی و ترمیم کرد. اعطای وام کم‌بهره و کمک مالی عربستان به تونس در حالی بود که ریاض تلاش می‌کرد نفوذ خود را در این کشور آفریقایی، به ویژه در دورهٔ پس از انقلاب تونس حفظ کند.

نفوذ عربستان در بدنه دولت تونس به حدی است که در آبان ماه ۱۳۹۵ نخست‌وزیر تونس، عبدالجلیل‌بن‌سالم وزیر امور مذهبی را به دلیل انتقاد علنی از عربستان برکنار کرد.

بن سالم در مجلس این کشور گفته بود این «جرئت» را داشته که در گفت‌وگو با سفیر عربستان در تونس و همچنین برخی دیگر از مقامات سعودی، وهابیت عربستان را به عنوان عامل تروریسم زیر سؤال ببرد.

بن سالم همچنین مدارس مذهبی بنیادگرایانه عربستان را الهام‌بخش ایدئولوژی‌های افراطی در منطقه دانسته بود.

سازمان‌های وهابی حاضر در تونس

۱ـ صندوق توسعه سعودی

یکی از شرکت‌های اقماری عربستان که در راستای گسترش ایدئولوژی خاندان سعودی اقدامات زیادی در سراسر جهان دارد، صندوق توسعه سعودی است. صندوق توسعه سعودی در سال ۱۹۷۴ میلادی با فرمان پادشاه وقت عربستان تأسیس شد و فعالیت خود را به طور رسمی از ابتدای مارس ۱۹۷۵ آغاز کرد. این صندوق فعالیت خود را با سرمایه دولتی به میزان ۱۰ میلیارد ریال آغاز کرد و طی سه مرحله سرمایه آن افزایش یافت و به ۳۱ میلیارد ریال سعودی رسید.

بعضی از اقدامات صندوق توسعه سعودی در تونس به شرح زیر است:

در سال ۲۰۰۴، با هدف افزایش محصولات کشاورزی و تأمین نیازهای داخلی تونس، صندوق توسعه سعودی مبلغ ۴۰ میلیون ریال سعودی در بخش کشاورزی این کشور سرمایه‌گذاری کرد. در این سال با توجه به کمبود فضاهای آموزشی، به ویژه مدارس فنی و حرفه‌ای این صندوق مبلغ ۳۷/۵ میلیون ریال سعودی در این بخش نیز سرمایه‌گذاری کرد.

در سال ۲۰۰۹، صندوق توسعه سعودی با هدف بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی مردم ایالت سیدی بوزید و افزایش تولیدات کشاورزی، ۷۵ میلیون ریال سعودی در بخش کشاورزی و آبیاری این ایالت سرمایه‌گذاری کرد که با چنین سرمایه‌گذاری حدود ۲۴۰۰ هکتار از زمین‌های این ایالت زیر کشت انواع محصولات کشاورزی رفت.

برنامه این صندوق برای سال ۲۰۱۰، زهکشی سواحل رودخانه‌ها و تعریض آنها در مناطق شمالی تونس بود. بر اساس این، هزینه زهکشی و تعریض حدود ۱۴۰ میلیون ریال سعودی بود که صندوق ۷۰ میلیون ریال آن را برعهده گرفت.

در سال ۲۰۱۵، این صندوق با توجه به کمبود برق در تونس در ساخت یک نیروگاه برقی‌ـ گازی با دولت این کشور همکاری کرد. مبلغ مورد نیاز برای ساخت این نیروگاه ۱۳۴۶ میلیون ریال بود که صندوق سعودی ۴۸۳ میلیون ریال آن را تقبل کرد.

۲ـ سازمان امداد جهانی اسلامی

در سال ۲۰۱۵، این سازمان در راستای بهبود وضعیت آموزشی و پرورش در تونس کارگاه‌های آموزشی برای معلمان پایه‌های گوناگون این کشور برگزار کرد تا آنها با آخرین روش‌های آموزشی آشنا شوند. همچنین به منظور ارتقای وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان تعدادی از کلاس‌های مدارس را به ویدیو پروژکتور و دیگر تجهیزات جنبی مجهز کرد و به وزارت آموزش و پرورش تونس به منظور چاپ کتاب‌های درسی جدید بر اساس روش‌های آموزشی مدرن کمک کرد؛ این موارد از جمله اقدامات این سازمان در کشور است.

کندوکاو

در عزم ما برای مقابله با ایران خللی وارد نخواهد شد

خبرگزاری تسنیم: معاون رئیس‌جمهور آمریکا طی سخنانی در اردن گفت که هرگز در عزم این کشور برای مقابله با ایران خللی وارد نخواهد شد. «مایک پنس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا میان نظامیان آمریکایی در اردن سخنانی را علیه ایران مطرح کرد. وی در این سخنرانی مدعی شد: «هرگز در عزم ما برای مقابله با کشور پیشرو در حمایت از تروریسم‌ـ دیکتاتوری در ایران‌ـ خللی وارد نخواهد شد.» پنس افزود: «ما هرگز به ایران اجازه نخواهیم داد که یک سلاح قابل استفاده هسته‌ای به‌دست آورد و دولت ترامپ ایران را زیر نظر قرار داده است.» وی با ابراز اینکه خلافت داعش فروریخته و این گروه شکست خورده است، گفت: «کار ما با داعش به‌زودی به پایان می‌رسد.»

برجام در بازه تعیین شده ترامپ اصلاح نمی‌شود

خبرگزاری فارس: «رکس تیلرسون» وزیر خارجه آمریکا تصریح کرد که احتمالاً آمریکا نتواند به موقع تا ضرب‌الاجل تعیین شده کاخ سفید، نقص‌های برجام را اصلاح کند. «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا، چندی پیش زمانی که تعلیق تحریم‌های ایران را تمدید می‌کرد، تأکید کرد که این آخرین باری است که تعلیق تحریم‌های ایران را تمدید می‌کند، مگر آنکه اتحادیه اروپا درباره کمک به محدود کردن برنامه موشکی ایران و بازرسی از تأسیسات نظامی ایران موافقت کند. وزیر خارجه آمریکا گفت که قصد دارد به همراه مقامات آلمان، فرانسه، ایتالیا و اتحادیه اروپا به این مسئله رسیدگی کند.

اروپا باید بین آمریکا و ایران یکی را انتخاب کند

خبرگزاری مهر: معاون رئیس‌جمهور آمریکا، کشورهای اروپایی را تهدید کرد بین ماندن در «توافق هسته‌ای به شدت معیوب با ایران» یا همراهی با آمریکا یکی را انتخاب کنند. «مایک پنس»، معاون رئیس‌جمهور آمریکا که به فلسطین اشغالی سفر کرده بود، از کشورهای اروپایی خواست درخواست «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا برای اصلاح توافق هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ (برجام) را اجابت کنند. وی گفت: «در نهایت، زمانی فرا می‌رسد که کشورهای اروپایی باید تصمیم بگیرند می‌خواهند با ایالات‌متحده همراه شوند یا اینکه می‌خواهند در توافق به شدت معیوب با ایران بمانند.» «پنس» در پاسخ به این پرسش که آیا فکر می‌کند ایالات‌متحده در این زمینه با متحدان اروپایی‌اش به توافق خواهد رسید یا خیر، گفت: «ببینم چطور می‌شود.»

توان موشکی ایران اولویت‌های امنیت ملی ترامپ

خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان: هربرت مک مستر، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا در نشست خبری در کاخ سفید از موارد مورد بحث ترامپ در داووس خبر داد. هربرت مک مستر، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا در نشست خبری کاخ سفید گفت: «رئیس‌جمهور ترامپ در داووس به امنیت اقتصادی و نیز دیگر اولویت‌های امنیت ملی آمریکا از جمله تلاش‌های بین‌المللی برای خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی، ائتلاف مبارزه با داعش، مبارزه با اقدامات ایران، برنامه موشکی ایران و همچنین ایرادهای اساسی در توافق هسته‌ای با ایران می‌پردازد.»

ایران و اروپا تغییرات مورد نظر ترامپ را قبول نمی‌کنند

خبرگزاری مهر: سناتور سابق آمریکایی معتقد است که ایران و اروپا تغییرات مورد نظر «ترامپ» را درباره برجام نمی‌پذیرند و مذاکره مجدد درباره این توافق امکان دائمی شدن آن را فراهم می‌کند. جانسون که از اعضای حزب دموکرات است، تأکید دارد؛ تحت شرایط فعلی و بر اساس توافق فعلی اتحادیه اروپا یا ایران این موضوع را قبول کنند. آنها توافقی دارند که از سوی همه امضاکنندگان پذیرفته شده است و من فکر نمی‌کنم که ایران یا اتحادیه اروپا با تهدیدهای آمریکا برای خروج از برجام شرایط جدید را قبول کنند. با این وجود معتقدم که بر اساس شرایط صحیح این توافق (برجام) می‌تواند مورد مذاکره مجدد قرار بگیرد چون فکر می‌کنم این به نفع همه است که یک توافق دائمی داشته باشند.

هویت

ایتالیا: اخراج از دادگاه به علت داشتن حجاب

قاضی دادگاهی در شهر «بولونیا» ایتالیا به دلیل ضدیت با پوشش روسری یک وکیل کارآموز ۲۵ ساله مسلمان، او را از دادگاه اخراج کرد. در ادامه انتشار گاه و بیگاه اخبار اسلام‌هراسی در کشورهای غربی، خبرها از شهر «بولونیا» حاکی از آن است که قاضی دادگاهی در شهر بولونیا ایتالیا، به وکیل کارآموز مسلمان فرمان داد اگر خواهان حضور در جلسه دادگاه است، باید حجاب اسلامی و روسری را از سر بردارد. «عصما بلفکیر» ۲۵ ساله و مغربی‌تبار، اظهارنظر اسلام‌ستیزانه قاضی ایتالیایی را نپذیرفت و حفظ حجابش را به حضور در دادگاه ترجیح داد. ایتالیا از جمله کشورهایی است که مدعی آزادی بیان و عقیده است؛ اما در عمل رفتارهای نژادپرستانه علیه مسلمانان در این کشور در ابعاد گسترده‌ای صورت می‌گیرد.

آمریکا: وضعیت بحرانی کهنه‌سربازان

وضعیت بحرانی سربازان آمریکایی که در خارج از مرزهای این کشور به کار گرفته شده‌اند یا همان کهنه‌سربازان هر روز وارد مراحل جدیدی می‌شود؛ چنانکه در کنار بحران‌های اقتصادی و بیکاری برای آنان با چالش‌های روانی نیز مواجه شده‌اند. گفتنی است، در آمریکا بیش از ۸۰ زندان برای بازپروری کهنه‌سربازان این کشور وجود دارد که دچار آسیب‌های روحی و روانی‌اند یا به اعتیاد مبتلا شده‌اند. در همین چارچوب، «کِرِگ اَپل» کلانتر شهر آلبانی مرکز ایالت نیویورک آمریکا می‌گوید: «ما این زنان و مردان جوان را به آن سوی آب‌ها می‌فرستیم و آنها وقتی که به کشور بازمی‌گردند، مشکلات گوناگونی همانند خشونت در خانه، اختلال استرسی پس از ضایعه روانی (PTSD) و اعتیاد به مواد مخدر دارند. آمارها نشان می‌دهد، بسیاری از کهنه‌سربازان بازگشته از جنگ‌هایی همچون افغانستان و عراق در آمریکا به خیابان‌خواب‌هایی مبدل شده‌اند که در فقر مطلق به سر می‌برند.

هلند: حمله افراط‌گرایان به مساجد

هلند از جمله کشورهای اروپایی است که سیاست‌های ضد اسلامی دولتمردانش موجب شده است اسلام‌ستیزی در جامعه به شدت افزایش یابد که محورهای آن را حمله به مساجد و مراکز دینی مسلمانان تشکیل می‌دهد. برای نمونه، یک گروه وابسته به جنبش راستگرای افراطی در هلند در اقدامی اسلام‌ستیزانه به نصب آدمکی موهن بر درب یکی از مساجد واقع در شهر آمستردام مبادرت کرد. یک گروه وابسته به جنبش راستگرای افراطی در هلند، پلاکاردی با مضمون نژادپرستانه و اسلام‌ستیزانه و آدمکی با سر بُریده را بر درب مسجد امیر سلطان در شهر آمستردام واقع در این کشور آویزان کردند. گروه افراط‌گرای مذکور سپس تصویر پلاکارد را همراه با نوشته «سر بریدن» در شبکه اجتماعی نیز به اشتراک گذاشت. بسیاری از دولتمردان انگلیس به طور رسمی علیه اسلام موضع‌گیری کرده و خواستار حذف مسلمانان از کشور شده‌اند.

آمریکا: تمدید قانون جاسوسی

در اقدامی که بسیاری آن را ادامه روند سیاست‌های ضد بشری آمریکا می‌دانند و نقض‌کننده همه قوانین حقوق بشری است، مجلس سنای آمریکا به تمدید شش ساله قانون جاسوسی از ارتباطات مظنونان خارجی «تروریسم» رأی مثبت داد که به امضای ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا نیز رسید. در ماه‌های گذشته، میان فعالان حقوق شهروندی و گروه‌هایی که حفظ امنیت ملی را مقدم بر حفظ حریم خصوصی افراد می‌دانند، درگیری‌هایی صورت گرفته است. این مباحثات به دنبال افشاگری‌های «ادوارد اسنودن»، تحلیلگر سابق اطلاعاتی سیا درباره برنامه‌های گسترده جاسوسی آمریکا از شهروندان مطرح شد. بند جنجالی «۷۰۲» در این قانون به آژانس امنیت ملی آمریکا اختیار می‌دهد رایانامه‌ها و دیگر تماس‌های مظنونان ادعایی اقدامات تروریستی را از شرکت‌های آمریکایی، مانند «فیس‌بوک» یا «آلفابت» دریافت کنند. نهادهای حقوق بشری این قانون را زمینه‌ساز نابودی حریم خصوصی و آزادی ساختارهای اطلاعاتی برای جاسوسی از همه اقشار جامعه و حتی مردمان دیگر کشورها می‌دانند.

در افزایش نرخ حج دخالتی نداریم

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر نماینده ولی‌فقیه و سرپرست حجاج ایرانی با بیان اینکه، نرخ حج آینده، با توجه به هزینه ارزی و دیگر هزینه‌های تمام شده اعلام می‌شود، گفت: مردم باید بدانند سازمان حج و زیارت و بعثه مقام معظم رهبری به هیچ وجه در افزایش نرخ حج دخالتی ندارند و ملاک ما قیمت تمام شده است. نرخ حج آینده، با توجه به هزینه ارزی و دیگر هزینه‌های تمام شده اعلام می‌شود، اما در صورت افزایش بیش ازحد قیمت چه کسی پاسخگوی مردم خواهد بود؟

نگاه

خطابی به همه!

□ **مصطفی قربانی /** به گفته محمود صادقی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در دیدار رئیس دولت اصلاحات با اعضای انجمن «مدرسین دانشگاه‌ها»، فعالان اصلاح‌طلب از آقای خاتمی خواسته‌اند علیه دولت مواضعی را بیان کند. صادقی در این باره تصریح کرده است: «در دیدار با خاتمی تأکید داشتیم که اگرچه اصلاح‌طلبان هم‌اکنون در مصدر امور نیستند؛ اما به لحاظ پشتیبانی که آقای خاتمی از روحانی داشت، الآن انتظار از آقای خاتمی این است که با بیان نقدهایی که به آقای روحانی وجود دارد، به نوعی به دولت تذکر دهند. جریان اصلاح‌طلبی در مجموع باید نقش فعال‌تری در مواجهه با تحولات جاری داشته باشد، به ویژه نسبت به دولت. من معتقد هستم ضمن حمایت نباید هزینه رفتارها و ضعف‌های دولت را جریان اصلاحات پرداخت کند.» در همین راستا، به تازگی بهزاد نبوی از چهره‌های مشهور اصلاح‌طلب در اظهاراتی مغایر با برخی اصلاح‌طلبان، با اشاره به اینکه فشارهایی که بر دولت فعلی وارد می‌شود، به مراتب بسیار بیشتر از فشار بر دولت هفتم و هشتم است، خواستار حمایت از دولت شده است.

هرچند تلاش اصلاح‌طلبان برای حفظ فاصله انتقادی از دولت، برای اینکه ضعف‌های دولت به پای آنها نوشته نشود، یک تاکتیک سیاسی متداول در دنیای سیاست است؛ اما در این باره توجه به چند نکته ضروری است:

۱ـ عقلانیت و توجه به مصالح کلان کشور و نظام ایجاب می‌کند که در هر برهه‌ای، همه نیروهای سیاسی کشور به دولت کمک کنند و از هیچ تلاشی برای موفقیت آن دریغ نورزند. حال در شرایط موجود، این وظیفه از چند جنبه بیشتر متوجه اصلاح‌طلبان است؛ اولاً، حمایت این جریان در روی کارآمدن دوباره دولت اعتدال مؤثر بوده است؛ بنابراین، خواسته یا ناخواسته، موفقیت یا ضعف دولت به پای آنها نیز نوشته می‌شود. در نتیجه عاقلانه‌تر آن است که آنها در راستای افزایش کارآمدی دولت و در جهت حل و رفع مشکلات به دولت کمک کنند. ثانیاً، شرایط عمومی کشور، به ویژه در حوزه اقتصاد و معیشت به گونه‌ای است که ایجاب می‌کند همه نیروهای سیاسی، حتی مخالفان و منتقدان دولت، از نگاه‌های سیاسی و جریانی به طور جدی اجتناب کنند و به جای اینکه دولت را در چنبره نگاه‌ها و رقابت‌های سیاسی گرفتار کنند، با آن همراهی و همکاری کنند تا مشکلات کشور به سرعت حل شود. توجه به اصل «هم‌سرنوشتی» و ضرورت تقدم منافع و مصالح کلان و ملی بر منافع فردی و جریانی ایجاب‌کننده این اقدام است.

۲ـ اگرچه توجه به انتخابات به منزله مهم‌ترین عرصه برای جابه‌جایی و چرخش نخبگان همواره مورد توجه جریان‌های سیاسی است و منطقی هم هست؛ اما در شرایط موجود به نظر می‌رسد، جریان‌های سیاسی کشور باید مقداری از تمرکز خود بر انتخابات و نگاه انتخاباتی داشتن به مسائل کشور فاصله بگیرند؛ زیرا همان‌گونه که به طور تلویحی گفته شد، اکنون مسئله اصلی کشور، ارتقای کارآمدی است و تا انتخابات مجلس شورای اسلامی دو سال و تا انتخابات ریاست‌جمهوری بیش از سه سال دیگر زمان باقی مانده است و عقلانیت و مصلحت کشور ایجاب می‌کند، نخبگان سیاسی از نگاه‌های انتخاباتی فاصله بگیرند و برای ارتقای کارآمدی و حل مشکلات کشور تلاش کنند. واقعیت آن است که دو یا سه سال فرصت کمی نیست؛ در این زمان می‌توان اقدامات مهمی برای حل مشکلات و بهبود اوضاع انجام داد؛ بنابراین ضروری است با توجه به مسئله کارآمدی، از میزان و شدت توجه به مسائل سیاسی و انتخاباتی کاسته شود تا این فرصت گرانقدر، قربانی رقابت‌های سیاسی نشود.

۳ـ بنا به همه دلایل پیش‌گفته، دولت باید در یک فضای نسبتاً آرام سیاسی قرار داشته باشد تا بتواند بیش از پیش برای حل مشکلات دست به اقدامات عملی بزند؛ اما در شرایطی که حتی برخی مقامات دولت با اظهارنظرهای نسنجیده، مسئله‌آفرینی می‌کنند و از توجه به مسائل اصلی کشور به نوعی طفره می‌روند، نخبگان سیاسی موافق، همراه یا منتقد و مخالف دولت نباید با افزایش فشارها به دولت، سبب شوند که نسبت به مسائل اساسی از سوی دولت کم‌توجهی شود.

پرتو

تشدید رقابت عربستان و امارات در جنوب یمن

□ **محمدرضا بلوردی /** ائتلاف به سرکردگی عربستان سعودی که به نمایندگی از ایالات متحده آمریکا تجاوز خود به یمن را ادامه می‌دهد، روی دیگری هم دارد که عبارت است از رقابت پنهان و آشکاری که بین عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای گسترش دامنه نفوذ خود در مناطق جنوبی یمن درگرفته و به تازگی شدت هم یافته است. در واقع، عربستان و امارات تلاش می‌کنند که نشان دهند در پرونده یمن و مقابله با گروه انصارالله و بازگرداندن به اصطلاح دولت قانونی یمن به قدرت با هم اتفاق نظر دارند، ضمن اینکه امارات به هنگام صحبت کردن از عربستان سعودی، این کشور را برادر بزرگ‌تر خود معرفی می‌کند؛ اما نگاهی به آنچه دو طرف در جنوب یمن دنبال می‌کنند، حاکی از تضادها و اختلافات شدیدی است که بین دو طرف وجود دارد. عربستان سعودی به دنبال تقویت نفوذ خود در جنوب یمن بوده و از نیروهایی که طرفدار این کشور هستند، حمایت می‌کند. این در حالی است که امارات متحده عربی هم از آغاز تجاوز به یمن روی مناطق جنوبی این کشور متمرکز شده و برای استحکام جای پای خود در این مناطق تلاش می‌کند.

تشدید رقابت بین عربستان و امارات در جنوب یمن سبب شده است عربستان سعودی به تازگی سفیر خود در یمن را به مناطق جنوبی این کشور و به طور مشخص به عدن بفرستد تا در آنجا با تعدادی از مسئولان دولت عبد ربه منصور هادی، رئیس‌جمهور مستعفی یمن دیدار داشته باشند؛ دیداری که درباره اهداف پشت پرده آن نظرات متفاوتی مطرح شده است و در حالی که برخی معتقدند این دیدار در راستای حمایت عربستان از هادی است، برخی دیگر آن را تلاش سعودی‌ها برای مقابله با گسترش نفوذ امارات در جنوب یمن ارزیابی می‌کنند.

تحرکات اخیر عربستان سعودی در جنوب یمن در حالی صورت می‌گیرد که براساس اطلاعات میدانی مربوط به این منطقه اقدامات ضد اماراتی در حال شدت گرفتن است و درخواست‌هایی مطرح شده است مبنی بر اینکه باید به اشغالگری امارات متحده عربی در جنوب یمن پایان داده شود. این‌گونه درخواست‌ها پس از آن شدت یافته که امارات جزیره «سقطری» را به اشغال کامل خود درآورده و ورود شهروندان یمنی به آن را به دریافت روادید ورود منوط کرده است؛ همچنین همزمان محدودیت‌هایی را نسبت به شخصیت‌های طرفدار علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور اسبق یمن اعمال کرده است که پس از کشته شدن او از صنعا به عدن گریخته‌اند.

در همین راستا، علی ناصر محمد، رئیس‌جمهور اسبق یمن جنوبی، از عبد ربه منصور هادی، رئیس‌جمهور مستعفی یمن درخواست کرد موضع خود را نسبت به اقدامات امارات و نقض حاکمیت یمن بر جزیره سقطری مشخص کند. وی در توئیتی نیروهای اماراتی را متجاوز توصیف کرده و اظهار داشته است بر ملت یمن که همیشه با متجاوزان برخورد کرده، واجب است اکنون هم با اشغالگری امارات مقابله کند.

بخش دیگری از رقابت بین عربستان سعودی و امارات در استان «المهره» در مرز با عمان دنبال می‌شود؛ جایی که عربستان سعودی تلاش‌های گسترده‌ای را برای سازمان‌دهی گروه‌های تروریستی دنبال می‌کند و به تازگی چندین مرکز سلفی را تأسیس کرده و صدها نفر از سلفی‌های یمنی و غیریمنی را در این منطقه اسکان داده است. هرچند این اقدام سعودی‌ها با اعتراض‌های مردمی گسترده‌ای در شهر «قشن» مواجه شد و معترضان تأکید کردند با اسکان بیگانگان در مناطقی که متعلق به آنها است، مخالف هستند.

در مقابل این اقدامات سعودی‌ها، «خالد بحاح» نخست‌وزیر سابق دولت هادی عربستان سعودی را متهم کرده است که با ایجاد مراکز دینی افراطی مرتبط با سلفی‌ها درپی این است که سبب شکل‌گیری بلندمدت منازعات در یمن شود. بحاح که خود از نیروهای طرفدار امارات متحده عربی است، در فضای مجازی نیز مطالبی را منتشر کرده و در توئیتی اظهار داشته است تحولات استان المهره را دنبال می‌کند و اجازه نخواهد داد سعودی‌ها گروه‌های دینی را به بهانه‌هایی واهی در این منطقه بازتولید کرده و بذرهای منازعات جدیدی را در آن بپاشند.

صبح صادق در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی، دستاوردها، آسیب‌ها و چشم‌انداز روشن آن را تبیین می‌کند

راه‌های رفته، امیدهای آینده

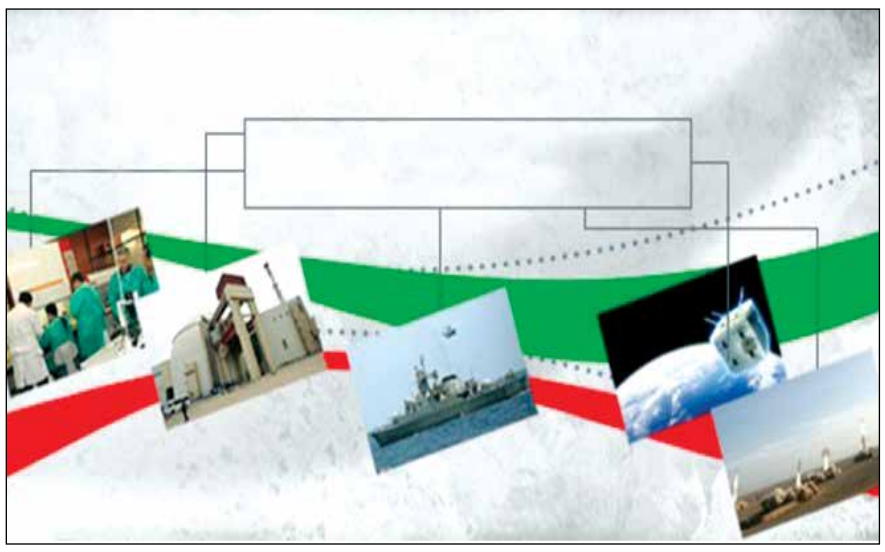

□ **عزیز غضنفری /** در آستانه آغاز چهل سالگی انقلاب اسلامی قرار گرفته‌ایم و مناسب است به این بهانه از راه‌های پرفرازونشیبی که در این سال‌ها رفته‌ایم و از آنچه به آرزوی دست یافتنش نشسته‌ایم سخن بگوییم. انقلاب اسلامی هر چند خود بزرگ‌ترین حادثه زمانه بود؛ اما با این وجود نقطه شروع تحولات خیره‌کننده‌ای در محیط سیاسی ایران، منطقه و نظام بین‌الملل شد که تا هم اینک نیز از انقلاب اسلامی و آثار و پیامدهای آن سخن گفته می‌شود. انقلاب اسلامی ایران در این چهل سال عملکردها و دستاوردهایی نیز به همراه داشته است.

انقلاب مردم ایران از روزی که حادث شد تا امروز، در بستری از چالش‌ها و موانع به پیش رفته است، اما در عین حال کارنامه‌ای نیز برای ارائه و ارزیابی در اختیار می‌گذارد. انقلاب اسلامی راه‌های فراوانی را طی کرده و عملکردهایی نیز داشته، اما هنوز راه‌های طی نشده فراوانی نیز پیش رو دارد. در نوشتار پیش رو ابتدا از دستاوردها و کارکردهای انقلاب به اختصار نام می‌بریم و در ادامه به مسیر و قله‌ای که در پیش داریم و به الزاماتی که برای حرکت و رسیدن به مقصد نیازمندیم، نگاهی هر چند مجمل خواهیم انداخت تا در پرتو آن به راه‌های نرفته نیز بیندیشیم.

الف‌ـ راه‌های رفته

۱ـ ایجاد نظم معنوی و اخلاقی در جهان

شاید یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب اسلامی پی‌ریزی سازوکارهای دینی و هویتی جدید در ساخت نظام بین‌الملل بود. به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی حاصل یک تغییر پارادایم از مدرنیته به نظم مبتنی بر اخلاق و عقلانیت بود. مؤلفه‌هایی نظیر اسلام، معنویت، تشیع، روحانیت، مبارزه با فساد، استبداد و استکبار و... توانسته است مجموعه‌ای از اخلاقیات را در محیط سیاسی ایران و در سطحی دیگر در منطقه و نظام بین‌الملل به وجود آورد. انقلاب اسلامی درست زمانی رخ داد که بشر از بازگشت معنویت به پیکره سیاست و اجتماعیات ناامید شده بود.

شاید نگاهی کوتاه به برخی نظریات در این زمینه برای درک بهتر موضوع راه‌گشا باشد. میشل فوکو، فیلسوف مشهور فرانسوی و نظریه‌پرداز پسامدرنیسم که در جریان انقلاب اسلامی ایران به تهران و قم سفر کرد و از نزدیک تحولات مربوط به انقلاب اسلامی را دید، معتقد بود؛ زبان، شکل و محتوای انقلاب اسلامی ایران امری عارضی، اتفاقی و تصادفی نیست؛ بلکه در حقیقت این رهبری مذهبی بود که با تکیه بر موضع مقاومت و «انتقاد از استبداد» که خاستگاهی اساسی در تفکر شیعه دارد، توانست در دل ایرانیان نفوذ کند. به بیان وی، ملت ایران قصد تجربه معنویت‌گرایانه در سیاست داشتند؛ همان موضوعی که فوکو از آن به «روح انقلاب ایران» یاد می‌کند.

مبتنی بر این قبیل تحلیل‌ها گزاف نیست اگر گفته شود، اساسی‌ترین نمود و نماد انقلاب اسلامی در گستراندن روح اخلاق و معنویت بود، آن هم در شرایط و زمانی که اساساً جایگاه دین و معنویت در سپهر سیاست به کلی انکار می‌شد.

۲ـ نظام‌سازی معطوف به مردم‌سالاری دینی

دادن حق انتخاب به مردم برای تعیین سرنوشت خود و جامعه از امتیازات و نقاط قوت انقلاب اسلامی محسوب می‌شود؛ چرا که در طول تاریخ ایران که همواره قدرت‌های استبدادی مستقر بوده‌اند، اساساً رأی و نظر مردم کمترین جایگاه واقعی را نداشت، اما اینک بر اساس ترتیبات قانونی پیش‌بینی شده در نظام جمهوری اسلامی همه مسئولان کشور با نقش مستقیم و غیر مستقیم مردم تعیین می‌شوند و رهبری نظام که خود با همین سازوکار دموکراتیک به این جایگاه رفیع دست‌یافته، اذعان دارد که من صادقانه مردم‌سالاری دینی را پذیرفته‌ام. جمهوری اسلامی با همه سختی‌ها و هزینه‌هایی که قواعد و لوازم مردم‌سالاری برایش داشته، اما در عین حال ذره‌ای و لحظه‌ای از این «اساس مطلوب» خود را بی‌نیاز ندانسته است. اما نکته مهم این است که از یک سو باید مؤلفه‌های مردم‌سالاری روز به روز تقویت شوند و از دیگر سو با اتخاذ روش‌ها و سازوکارهای مناسب نهادی و ساختاری نقایص این موضوع برطرف شده و اصلاحات لازم در آن اعمال شود.

۳ـ استقلال و عزت ملی

استقلال سیاسی یکی از مهم‌ترین موضوعات مربوط به حاکمیت و سیاست خارجی هر کشوری است. در استقلال سیاسی آنچه مهم است، وابسته نبودن به قدرت‌های بیرونی و تصمیمگیری مبتنی بر مصالح و منافع مردم است. بر این اساس، استقلال سیاسی به معنای مستقل بودن هیئت حاکمه یک کشور از نفوذ بیگانگان و اتخاذ تصمیمات سیاسی بر اساس منافع ملی کشور است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور ایران در طول تاریخ خود، کمتر طعم استقلال سیاسی را چشیده بود و عمدتاً به قدرت‌های استکباری خارجی به ویژه انگلیس و بعد هم آمریکا وابسته بود. بررسی و رصد شاخصه استقلال در روندهای تاریخی کشور ایران در دوره‌های مختلف سلسله شاهان گذشته قصه پر غصه و اسفباری است که تمایل به مرور تاریخ ایران بزرگ در برخی مقاطع خاص را به تنفر تبدیل میکند. در ذیل تنها به گوشه‌ای از پایمال شدن استقلال و عزت ملت ایران در آن دوران اشاره می‌شود:

ـ انعقاد معاهده گلستان و ترکمنچای پس از جنگ ایران و روسیه و جدا شدن بخشی از ایران؛

ـ انعقاد معاهده پاریس و جدایی افغانستان از ایران؛

ـ امضای قرارداد ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ و تقسیم ایران به دو حوزه نفوذ روسیه و انگلیس بدون اجازه دولت مرکزی ایران؛

ـ امضای قرارداد رژی؛ انحصار خرید توتون و تنباکو برای انگلیسی‌ها؛

ـ امضای قرارداد رویترز و واگذاری منابع روزمینی و زیرزمینی به مدت ۲۵ سال به انگلیسی‌ها؛

نداشتن استقلال سیاسی و وابستگی به قدرت‌های غربی صرفاً پیامدهای هویتی و ایدئولوژیک برای ملت ایران در بر نداشت؛ بلکه بی‌کفایتی و خودباختگی حکام مقهور قدرت غرب، پیامدهای ناخوشایند امنیتی و اقتصادی را برای کشور به بار آورد. از دوره احمدشاه قاجار و آغاز جنگ اول جهانی که به ایران تهاجم نظامی شد و به روایت مستندات قطعی تاریخی بیش از ۹ میلیون نفر از جمعیت ایران جان خود را از دست دادند تا دوره محمدرضاشاه پهلوی، ایران همواره عرصه تاخت‌وتاز قدرت‌های خارجی بوده است و این در حالی بود که سران رژیم‌های شاهنشاهی انگیزه، اجازه و توان مقابله با ظالمانی که علیه ملت ایران ظلم می‌کردند را نداشتند.

اما اینکه امروز جمهوری اسلامی ایران از حیث استقلال سیاسی و امنیت در چه جایگاهی قرار دارد، به توضیح و تحلیل نیاز ندارد. مردم به چشم خود مشاهده می‌کنند که همه تصمیمات کشور در داخل کشور گرفته می‌شود. این را نیز باید اضافه کرد که استقلال آنگونه که امروزه عده‌ای مطرح می‌کنند، به معنای قطع روابط با جهان و عدم نقش‌آفرینی در مناسبات سیاسی و اقتصادی جهان نیست؛ بلکه مقصود اصلی در استقلال؛ یعنی اینکه فرآیند تصمیم‌سازی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اعمال اقدامات بر اساس شرایط و اقتضائات داخلی صورت گیرد و نه اجبار و تحمیل و خواست قدرت‌های خارجی. موارد و نشانگانی نظیر؛ استقلال در تعیین سرنوشت سیاسی مردم، استقلال در حفظ تمامیت ارضی کشور، ترسیم خطوط کلی نظام از سوی رهبر معظم انقلاب پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، توانمندی منطقه‌ای و ارتقای ایران در جایگاه یک قدرت معتبر جهانی، رویکرد توامان در وابسته نبودن به بیگانه و ارتباط با دول جهان با حفظ سه اصل عزت، حکمت و مصلحت و توانمندی در رشد علمی و استقلال در بومی‌سازی فناوری‌های نوین مورد نیاز انقلاب برخی از مظاهر و تجلیات استقلال واقعی ملت ایران پس از انقلاب اسلامی است.

۴ـ امنیت پایدار در منطقه‌ای پرتنش

حوزه امنیت که با توانمندی دفاعی و اقتدار نظامی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران گره خورده است، موضوع مطلوب دیگری در

اوضاع اقتصادی جامعه و بررسی شاخص‌ها نشان می‌دهد که در عرصه‌های گوناگون نظیر صنعت و معدن، نفت و گاز، سدسازی، راه و حمل‌ونقل و برخی از امور زیربنایی و زیرساختی اقدامات اساسی صورت گرفته است؛ اما با این حال تا رسیدن به وضعیت مطلوب و پایدار در اقتصاد، راه‌های طی نشده فراوانی وجود دارد

ساختار نظام اسلامی است که در رویکردی مقایسه‌ای با رژیم طاغوت اساساً قابل قیاس نیست و باید آن را با کشورهای توسعه‌یافته و در رقابت نزدیک با مدعیان امنیت و اطلاعات در جهان مقایسه کرد.

پیشرفت‌های نظامی در کشور به ویژه در صنایع دفاعی، به گونه‌ای است که علاوه بر تأمین تمامی نیازمندی‌های نیروهای مسلح در حوزه‌های گوناگون، ایران به یکی از صادرکنندگان تجهیزات نظامی تبدیل شده است. اقتدار منطقه‌ای انقلاب اسلامی همه تهدیدات نظامی علیه ایران را از اعتبار ساقط کرده و همگان می‌دانند که انقلاب اسلامی دیگر آن ایرانی نیست که هر وقت اراده کردند اشغالش کنند و یا علیه دولت قانونی‌اش کودتا ترتیب دهند؛ در هر حال امنیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه پرآشوب و پر تنش غرب آسیا در سایه رویکرد انقلابی تأمین شده است و برای استمرار امنیت راهی جز اتخاذ رویکردهای انقلابی‌گری باقی نمانده است.

۵ـ دستاوردهای خیره‌کننده علمی در سال‌های سخت تهدید و تحریم

عقب‌ماندگی ایران در بخش علمی و فناوری در دوران پیش از انقلاب، برای ایرانیانی که از سابقه فرهنگی و تمدنی دیرینه خود مطلع بودند، بسیار آزاردهنده بود؛ اما انقلاب اسلامی توانست، از دام نمی‌توانیم و نداشتن اعتمادبه‌نفس برهد. غلبه بر این عقب‌ماندگی، عبور از مرزهای دانش و دستیابی به پیشرفته‌ترین فناوری‌ها با هدف ایجاد تمدن نوین اسلامی، از افتخارات انقلاب اسلامی است. در سال‌های اخیر رهبر معظم انقلاب با تمرکز بر تولید علم در ایران و مطرح کردن موضوعاتی چون جنبش نرم‌افزاری و جهاد علمی و حمایت همه‌جانبه از این موضوع مهم زمینه‌های خوبی را برای پیشرفت در عرصه علوم و فنون نوین نظیر سلول‌های بنیادین، نانو، هسته‌ای، هوافضا، موشکی و... در سطح کشور مهیا کردند و زمینه‌های کسب رتبه‌های برتر جهان و متوسط سرعت رشد علمی یازده برابر جهان را فراهم آوردند. یکی از علل تشدید فشارهای غربی‌ها بر ایران در توافقاتی مانند برجام همین رشد تحیربرانگیز علمی و مهار پیشرفت‌های انقلاب اسلامی است.

۶ـ تفسیر مترقیانه از آزادی

یکی از مزیت‌های مهم در جمهوری اسلامی ایران، در زمینه آزادی، توجه به ابعاد متعالی‌تر این موضوع است که همانا آزادگی انسان به معنای کلی و توجه دادن فرد به رهایی از قیود مادّی است. این خوانش از آزادی هنر و کارویژه انقلاب اسلامی بود. این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است و اندیشمندان غربی منتقد مدرنیته، در سالهای پس از جنگهای جهانی، فقدان این بُعد از آزادی را در وقوع بحرانهای دوره مدرن مؤثر دانستند. آنان با تشکیل مکاتب فکری انتقادی سعی کردند از ارزشهای انسانی در مقابل سیطره تکنیک دفاع کنند و البته هنوز نتوانستهاند پاسخ مناسبی به فراموش شدن ابعاد روحی و معنوی انسان در سایه سیطره فناوری ارائه دهند و شکلگیری انواع عرفانهای غیرالهی، ماسونی و شیطانپرستی در غرب، نتیجه همین خلأ است. در حالی که جمهوری اسلامی ایران، زمینه توجه به ابعاد متعالی آزادی و رهایی انسان از سیطره تکنیک و عقل مادی را فراهم کرد.

بـ امیدهای آینده

۱ـ پیشرفت در اقتصاد

اوضاع اقتصادی جامعه و بررسی شاخص‌ها نشان می‌دهد که در عرصه‌های گوناگون نظیر صنعت و معدن، نفت و گاز، سدسازی، راه و حمل‌ونقل و برخی از امور زیربنایی و زیرساختی اقدامات اساسی صورت گرفته است؛ اما با این حال تا رسیدن به وضعیت مطلوب و پایدار در اقتصاد، راه‌های طی نشده فراوانی وجود دارد. باید اذعان کرد که کاستی‌ها و نارضایتی‌های کنونی در بخش اقتصادی و معیشتی این خطر را به همراه دارد که عملکرد و کارکرد ناموفق و نارضایت بخش نظام در حوزه اقتصادی، به پشتوانه تئوریک و دینی نظام خدشه وارد کند و در حقانیت ارزش‌های بنیادین شبهه و تردید به وجود آورد.

اهمیت مسائل اقتصادی از این نظر است که اولاً، با نیازهای اولیه افراد جامعه برای زنده ماندن و زندگی کردن ارتباط دارد. ثانیاً، فراگیرترین نیازها و مطالبات اجتماعی است. ثالثاً، اکنون کانون نارضایتی جامعه است؛ (وقایع اخیر کشور خاستگاه اقتصادی داشت و این یک زنگ خطر است)؛ رابعاً، این ناکارآمدی اقتصادی اثر فرساینده روی دیگر هنجارها و ارزش‌های مطلوب جمهوری اسلامی ایران در حوزه فکری و فرهنگی و سبک زندگی دارد. خامساً، تمرکز فشارها و تهدیدهای دشمن در مقابله با جمهوری اسلامی ایران نیز در اقتصاد متمرکز شده است؛ لذا محوریت اقتصاد و حل مسائل معیشتی مردم باید در اولویت همه سطوح جامعه قرار بگیرد.

۲ـ فرهنگ اسلامی‌ـ ایرانی مبنای هویت ملی

از خدمات انقلاب اسلامی در گسترش اخلاق و فضیلت‌های معنوی در داخل ایران و حتی در سطح منطقه نباید بی‌تفاوت گذشت؛ اما در عین حال هنوز با جامعه و نظام فرهنگی ایده‌آل فاصله داریم و اینجا یکی از جاهایی است که امید داریم در آن سامان پیدا کند. از آنجا که فرهنگ و هویت اسلامی‌ـ ایرانی روح جامعه انقلابی است و در حقیقت نقش موتور محرکه را در جامعه ما بر عهده دارد، لازم است در حفظ و تقویت آن در جامعه کوشید و از دیگر سو اجازه نداد افکار و اندیشه‌هایی که روح انقلاب را از انقلاب جدا می‌کنند، بر مقدرات فرهنگی کشور تسلط یابند. واقعیت آن است که مؤلفه‌های ملی و دینی هویت ایرانی، در طول تاریخ این مرز و بوم، به میزان چشمگیری در یک راستا نقش‌آفرین بوده‌اند؛ اما امروز بر اثر برخی اقدامات نادرست داخلی و تبلیغات سهمگین بخش خارجی تصور مغایرت بین اسلامیت و ایرانیت در رفتار برخی از نسل‌های جدید جامعه به وجود آمده است؛ بنابراین از آفاتی که به شدت جامعه را تهدید می‌کند، تهاجم فرهنگی است؛ چرا که تا زمانی که فرهنگ ملی در جامعه حاکم است، نظام سلطه جهانی در پیشبرد اهداف خود در عرصه استحاله فرهنگی توفیقی به دست نمی‌آورد. اشاعه اسلام غیر سیاسی، اسلام التقاطی و اسلام لیبرالیستی، از جمله آفاتی است که در کمین انقلاب اسلامی است و باید با هوشیاری و تدبیر با این فکر به مقابله برخاست. پیشنهاد می‌شود به طور مشخص و با قید فوریت، نظام در بخش فرهنگی نحوه مواجهه با اقتضائات جهانی شدن و روش‌های نوین اطلاع‌رسانی را در دستور کار قرار دهد.

۳ـ ترویج روحیه جهادی در مدیریت کشور

درباره اقتصاد مسائل گوناگونی را می‌توان بیان کرد؛ اما یک نقطه کانونی در اقتصاد، مسئله مدیریت عالی و ارشد اقتصاد است. در حوزه اقتصاد همواره از وجود ظرفیت‌های مثبت روزمینی و زیرزمینی صحبت شده است، اما این ظرفیت‌ها کمتر فعلیت یافته‌اند. بر اساس تجارب جمهوری اسلامی ایران طی این ۴۰ سال این سؤال مطرح است که چه کسی یا کسانی تاب تحمل بار سنگین حل مسائل اقتصادی و به حرکت درآوردن لوکوموتیو اقتصاد کشور را دارند؟چه جریان یا کسانی می‌توانند همه ظرفیت‌ها و استعدادها را برای شکوفایی اقتصاد فعال کنند؟

ادامه در صفحه۱۲

ژرفا

توطئه‌های آمریکا ـ ۲

□ **محمد قلی‌یان /**

تلاش برای اغتشاش و براندازی

۸ـ بی‌ثبات کردن ایران: نشریه آمریکایی «هافینگتون‌پست» در گزارشی نوشته است: «به نظر می‌رسد دولت «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در هفته جاری گامی بالقوه و نزدیک‌تر را برای حمایت از تلاش‌های توطئه‌آمیز عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای بی‌ثبات کردن ایران برداشته است.» بر اساس این گزارش، این تلاش‌های توطئه‌آمیز شامل سرنگون کردن احتمالی نظام اسلامی ایران و مجبور کردن قطر به همراهی با سیاست‌های کشورهای حاشیه خلیج‌فارس برای هدف‌گیری ایران و انتصاب یک افسر مجرب عملیات مخفیانه به سمت رئیس عملیات ایران در آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) است.

۹ـ نفوذ در داخل ایران: رایانامه‌های افشا شده از حساب کاربری «یوسف العتیبه» سفیر امارات متحده عربی در واشنگتن نیز نشان می‌دهد امارات متحده عربی به دنبال راه‌هایی برای نفوذ در داخل ایران است. بر اساس این اطلاعات، امارات تلاش کرده شرکت‌های آمریکایی را متقاعد کند که به دنبال فرصت در ایران نباشد. افزون بر این، دستور کار پیشنهادی برای جلسه بین مقامات امارات متحده عربی شامل بحث درباره سیاست‌های احتمالی امارات و آمریکا برای تأثیرگذاری مثبت بر اوضاع داخلی ایران با کمک ابزارهای اقتصادی، سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و سایبری بوده است.

۱۰ـ کاهش نفوذ ایران: نشریه رسمی کنگره آمریکا اذعان کرد انتظار آمریکا از اغتشاش و بی‌ثباتی کاهش نفوذ فزاینده ایران در منطقه و ترساندن متحدان جمهوری اسلامی ایران است. نشریه هیل در نوشته‌ای آمیخته به آرزو نوشت: اعتراض‌ها (اغتشاش) در ایران رو به افول گذاشت، اما فرصتی برای تقویت منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه ایجاد کرد. اگر آمریکا و شرکایش به درستی اقدام کنند، موقعیت و نفوذ ایران در منطقه تضعیف خواهد شد. آمریکا اکنون باید به اجرای سیاست هوشمندانه «مهار» جمهوری اسلامی با مجبور کردنش، ترویج روندی که ادامه عملیات آزادانه در منطقه را برای تهران سخت کند و بی‌اعتبار کردن ایران در نزد مردمی که با نیروها و گروه‌های نیابتی‌اش با آنها در آن سوی مرزها ارتباط برقرار می‌کند، سرعت بخشد. ایالات متحده به ویژه باید با این روایت که آمریکا می‌آید و می‌رود، اما ایران همواره در آنجا (منطقه) حضور دارد، برخورد کند. متأسفانه، منافع آمریکا در خاورمیانه نوسان دارد و مردم ایران همواره در قلب این منطقه خواهند بود. این نشریه راهکارهایی را برای مقابله با نفوذ ایران بیان می‌کند که عبارتند از:

۱ـ۱۰ـ آمریکا باید این مسئله را برای گروه‌های نیابتی ایران روشن کند که تهران شاید همواره در منطقه حضور داشته باشد، اما ممکن است همیشه برای آنها و به نفع آنها در منطقه نباشد.

۲ـ۱۰ـ ایران باید اندکی به داخل چرخش پیدا کند تا شبه‌نظامیان شیعه عراق، حزب‌الله لبنان و حکومت بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه احساس مضیقه و تنگنا کنند.

۳ـ۱۰ـ واشنگتن باید به طور خاص روی کسانی کار کند که به ایران تمایل دارند. آمریکا باید به این مسئله اشاره کند که گرایش به سوی ایران از بیم خروج آمریکا از منطقه، سیاستی کوتاه‌مدت است که بلندمدت به نظر می‌رسد.

۴ـ۱۰ـ آمریکا باید فرصت را برای برقراری ارتباط مستقیم با سنی‌ها در دو کشور نه فقط علیه داعش، بلکه علیه مقربان ایران، مغتنم بشمارد.

۵ـ۱۰ـ واشنگتن باید مخالفت خود با رژیم اسد را دوچندان و حمایت مستمر روسیه از نیروهای ایرانی و عوامل آن را محکوم کند.

حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی

رمضانعلی سبحانی‌فر، رئیس کمیته ارتباطات مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه وزارت ارتباطات به دنبال طرح‌هایی است که هموطنان از پیام‌رسان‌های داخلی استفاده کنند، گفت: به تازگی تصمیم گرفته شده که پهنای باند اینترنت برای اپراتورهای داخلی ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش پیدا کند که این ۵۰ درصد افزایش پهنای باند برای اپراتورهای داخلی به منظور استفاده کاربران از پیام‌رسان‌های داخلی است.

انعکاس

ذخایر طلا

□ منصوره خداوردی/

ثبات مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که می‌تواند در تشویق سرمایه‌گذاران خارجی برای حضور در یک کشور نقشی اساسی و تعیین‌کننده ایفا کند؛ امری که می‌تواند برای سرمایه‌گذاران خارجی به منظور حضور در یک کشور انگیزه ایجاد کرده و زمینه پیشرفت و توسعه با جذب سرمایه‌های خارجی، اعم از بخش دولتی و خصوصی را برای کشورها ممکن کند؛ اما برای ایجاد این مهم نیاز است که عوامل متعددی در کنار هم قرار بگیرند؛ یکی از این شاخصه‌ها موضوع امنیت است که در سال‌های پس از دفاع مقدس و به مدد تلاش‌های بی‌وقفه پاسداران انقلاب اسلامی و اتکا به توان داخلی، با مدیریت جهادی و انقلابی در نیروهای دفاعی کشور اکنون جمهوری اسلامی امن‌ترین کشور در ناامن‌ترین منطقه جهان شناخته می‌شود؛ امنیتی که دشمنان جمهوری اسلامی ایران نیز به اهمیت آن پی برده و به دنبال تحمیل برجام‌های دیگر برای از بین بردن این مزیت بی‌نظیر جمهوری اسلامی ایران هستند.

در کنار این عامل و عوامل دیگر که پرداختن به تک‌تک آنها در این مقال نمی‌گنجد؛ یک موضوع بسیار مهم و حیاتی دیگر وجود دارد که می‌تواند در برقراری ثبات در هر کشوری نقش و سهم پررنگی داشته باشد که این عامل عبارت است از ذخایر طلا و ارز یک کشور؛ زیرا طلا به منزله یک فلز ارزشمند که در اوضاع گوناگون سیاسی و اقتصادی ارزش خود را حفظ کرده و به مثابه پشتوانه برای سرمایه اقتصاد یک کشور است، در جلوگیری از تکانه‌های اقتصادی نقش پررنگی را ایفا می‌کند. افزون بر این طلا به منزله پشتوانه پول ملی هر کشور ارزش و قدرت پول ملی را تقویت می‌کند و زمینه‌ساز ثبات بیشتر خواهد بود؛ بر همین اساس عزمی در کشور برای افزایش ذخایر طلا شکل گرفت.

در این راستا، یکی از اخبار خوب و امیدبخشی که هفته پیش منتشر شد، گزارشی بود که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا از میزان ذخایر ارز و طلای کشورهای جهان منتشر کرد؛ جدول آماری که نشان می‌داد جمهوری اسلامی ایران نسبت به گزارش‌های قبلی که رتبه ۴۹ را در اختیار داشته و با کاهش ذخایر طلا روبه‌رو بوده است، در سال‌های اخیر توانسته ذخایر طلای خود را به شکل چشمگیری افزایش دهد؛ افزایشی که نوید ثبات بیشتر و در نتیجه ترغیب بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی در اقتصاد ایران را می‌دهد؛ بر اساس این، میزان ذخایر ارز و طلای ایران در پایان سال ۲۰۱۷ میلادی به بیش از ۱۳۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسیده است که در این زمینه بین ۱۷۵ کشور جهان در رتبه ۱۹ قرار دارد.

نکته قابل توجه این گزارش که اهمیت فراوانی در این میان دارد و نشان می‌دهد سیاست افزایش ذخایر طلای کشور تا امروز بسیار موفق بوده است.

براساس این گزارش، ذخایر ارز و طلای ۱۵۶ کشور جهان از ایران کمتر است. در این بین، نام کشورهایی از جمله آمریکا، اندونزی، ترکیه، امارات، دانمارک، نروژ، سوئد، استرالیا، آفریقای جنوبی، هلند، قطر، کویت، اتریش و... به چشم می‌خورد و به معنای آن است که ایران اسلامی اکنون با این رویکرد پشتوانه پول ملی را افزایش داده و ظرفیت و امکان بسیار بالایی برای جذب سرمایه‌های خارجی ایجاد کرده است که این مهم می‌تواند آینده روشنی را در برابر اقتصاد کشور قرار دهد. امید است این موضوع سبب افزایش اعتبار ریال نیز بشود.

کنکاش

جاسوسی صنعتی (بخش هفتم)

ماشین تحریم خاموش نشده است

□ محمدحسین مصطفوی/

با وجود اجرای برجام و بیانیه‌های متعدد آژانس در تخلف نکردن ایران از برجام، آمریکا با گذشت یک‌سال همچنان ماشین تحریم خود را خاموش نکرده است و روز به روز تحریم‌ها را به بخش‌های گوناگون اقتصاد ایران گسترش می‌دهد. وزارت خزانه‌داری آمریکا در شهریور ۹۶ سه فرد و شش شرکت خارجی از جمله دو شرکت هواپیمایی اوکراینی را به دلیل همکاری با ایران در فهرست تحریم‌های جدید قرار داده است. «استیو منوچین»، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در بیانیه‌ای ضمن اعلام تحریم‌های جدید علیه افراد و شرکت‌های ایرانی و خارجی با تکرار ادعاهای واهی و نخ‌نمای مقامات آمریکایی علیه کشورمان، گفت: «وزارت خزانه‌داری به اقدامات قاطع برای مقابله با تحریکات ایران، شامل حمایت از نیروی قدس سپاه و افراط‌گرایان تروریست، خشونت‌ها در سوریه و حملات سایبری با هدف ثبات‌زدایی از نظام مالی آمریکا، ادامه خواهد داد.» این تحریم‌ها، یک شرکت ایرانی که از برنامه موشک‌های بالستیک سپاه پشتیبانی می‌کند، خطوط هوایی که از انتقال نیرو و سلاح به سوریه حمایت می‌کنند و هکرهایی را که به نهادهای مالی آمریکا حمله سایبری می‌کنند، هدف قرار داده است.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا در آبان ۹۶ برخی از مسئولان و شرکت‌ها را در فهرست تحریم قرار داد. بر اساس قانون کاتسا، دارایی‌های این شرکت‌ها در آمریکا بلوکه شده، شرکت‌ها و افراد آمریکایی امکان معامله با آنها را نداشته و این افراد امکان ورود به آمریکا را نخواهند داشت.

این شرکت‌ها به قرار زیر هستند: ۱ـ دانشگاه علوم پزشکی بقیةالله(عج)، ۲ـ نیروی مقاومت بسیج، ۳ـ بنیاد تعاون سپاه، ۴ـ شرکت فناوری آب‌های عمیق، ۵ـ مؤسسه مهندسی فاطر، ۶ـ قرارگاه سازندگی قائم، ۷ـ قرب کربلا، ۸ـ قرب نوح، ۹ـ شرکت حرا، ۱۰ـ دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۱ـ مؤسسه مهندسین مشاور ایمن‌سازان، ۱۲ـ شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا)، ۱۳ـ سازمان جهاد خودکفایی نیروی هوافضای سپاه، ۱۴ـ نیروی هوافضای سپاه، ۱۵ـ فرماندهی موشکی الغدیر سپاه، ۱۶ـ سازمان جهاد خودکفایی سپاه، ۱۷ـ قرارگاه سازندگی نوح، ۱۸ـ مؤسسه مکین، ۱۹ـ بانک مهر، ۲۰ـ شرکت سرمایه‌گذاری مهر اقتصادی ایرانیان، ۲۱ـ مؤسسه عمران ساحل، ۲۲ـ شرکت اورینتال اویل کیش، ۲۳ـ مؤسسه راه ساحل، ۲۴ـ مؤسسه رهاب، ۲۵ـ مؤسسه مهندسین مشاور ساحل، ۲۶ـ شرکت مهندسی نفت و گاز سپانیر، ۲۷ـ شرکت مهندسی سپاسد، ۲۸ـ شرکت تهران گسترش، ۲۹ـ شرکت تایدواتر خاورمیانه.

اتحادیه اروپا نیز فهرست بلند بالایی از شرکت‌های ایرانی تحریم شده را اعلام کرده است که عبارتند از: شرکت آریا نیکان (تهیه مواد تعیین‌شده در بخش رآکتور)، برق آذرخش (دخیل در برق‌رسانی به نیروگاه هسته‌ای)، بهینه بازرگانی، عیوض تکنیک (تولیدکننده تجهیزات خلأ)، Fatsa (پردازش اورانیوم و تولید سوخت هسته‌ای ایران)، شرکت غنی‌سازی اورانیوم، ایران پویا (اکسترودر آلومینیوم)، شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی فلات قاره ایران، کارانیر (خرید برای تجهیز صنعت)، خلأآفرین پارس، MACPAR Makina San Ve Tic (ثبت شده در استانبول، تأمین‌کننده مواد مورد نیاز برای یکی از صنایع زیرمجموعه وزارت دفاع)، مهندسی توسعه ساخت اتمی (کالای الکتریکی مورد نیاز در صنایع هسته‌ای)، سنجش مبین، متافاز (وابسته به دانشگاه مالک اشتر)، سامان نصب زاینده‌رود (پیمانکار ساخت‌وساز) سامان توسعه آسیا، صنایع ثامن، سوره (سوخت هسته‌ای شرکت راکتور)، STEP Standart Teknik Parca San ve TIC A. S (ثبت شده در استانبول)، سورنا (شرکت ساخت و راه‌اندازی هسته‌ای)، تابا (ساخت ابزار برش)، تست تفسیر (تولید و عرضه ظروف خاص UF۶، توسعه سیلوها، یار صنعت و توربو کمپرسور نفت که به دلیل مشارکت در برنامه هسته‌ای در فهرست تحریم قرار گرفته‌اند.

نکته جالب توجه اینجاست که بیشتر شرکت‌های هسته‌ای تحریم شده، شرکت‌های بازرگانی تجهیزات هستند، نه شرکت‌های مهندسی. بر اساس این فهرست ۳۰ شرکت هسته‌ای تحریم شده، شرکت‌هایی هستند که تجهیزات را برای نیروگاه‌های کشور معامله می‌کردند. آمریکا با این برنامه تحریمی تجهیزات، شرکت‌ها و حتی مهندسین درصدد است:

۱ـ هرگونه معامله با ایران را هزینه‌دار کرده و شرکت‌های داخلی و خارجی را با بخش‌های دولتی ایران دارای ریسک بالا اعلام کند.

۲ـ شرکت‌های خارجی را از هرگونه معامله در هر زمینه اقتصادی که بسیاری از این معاملات هیچ‌گونه ارتباطی با برنامه‌های هسته‌ای، موشکی و حتی انتقال نیرو و تجهیزات برای مقابله با داعش ندارد، بازدارد.

۳ـ آمریکا به دنبال آن است که با گسترش جاسوسی اقتصادی از شرکت‌های خارجی و داخلی بسیاری از رقبای خود را در عرصه تجارت و اقتصاد بین‌المللی با برچسب همکاری با ایران از میدان بیرون کند.

۴ـ آمریکا و هم‌پیمانان وی با روش‌های متعدد جاسوسی درصدد کسب اطلاعات صنعتی و اقتصادی شرکت‌های ایران و همکاران آنها هستند تا جرئت و جسارت فعالیت اقتصادی در درون کشور را از سرمایه‌گذاران بگیرند.

۵ـ این روش آمریکایی در تحریم علیه شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی نشان می‌دهد، برجام برای آمریکا صرفاً قرارداد کاغذی است و آمریکا به بهانه‌های متعدد و ادعاهای واهی با دور زدن آن این برنامه را ناکارآمد کرده است.

۶ـ تحریم‌های ذکر شده فوق علیه ایران و حتی شرکت‌های خارجی نشان‌دهنده این است که آمریکا یک شبکه مویرگی جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی از شرکت‌ها، مهندسان و حتی همکاران ایرانی را در سراسر جهان در یک مرکز متمرکز جمع‌آوری کرده و در این راستا از ابزارهای سازمان‌های بین‌المللی و سازمان سیا و دیگر مؤسساتی که صرفاً قرار بوده است فعالیت مالی و پولی داشته باشند، برای اهداف جاسوسی خود استفاده کرده است.

۷ـ شدت و حجم این تحریم‌ها نشان می‌دهد، دشمن در فعالیت خود در تلاش برای متوقف کردن و نگاه داشتن جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه جدیت دارد و در مقابل مسئولان و مهندسان کشورمان نیز برای آبادانی و پیشرفت ایران اسلامی باید بر این ناجوانمردی‌ها غلبه کرده و پیروزی‌های بزرگ‌تر را نصیب کشورمان کنند.

۸ـ برنامه آمریکا در تحریم این شرکت‌ها و قدرت رو به جلوی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد، جمهوری اسلامی با وجود همه این مشکلات و ناهمواری‌ها توانسته است به اهداف مهمی در همه عرصه‌ها به دست آورد.

تکاپو

نگاهی به اقدامات بسیج اصناف برای تحقق اقتصاد مقاومتی

سرخط کردن ۶۰۰ هزار فعال اقتصادی

□ اکبر کریمی/ اصناف و اتحادیه‌های تولیدی یکی از بزرگ‌ترین تشکل‌های اقتصادی هستند که هم خاستگاه اعتراضات و درخواست‌ها و هم محل رجوع تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی کشور می‌باشند. وجود این تشکل‌های متنوع و گوناگون، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بالقوه‌ای در حوزه‌های مختلف اقتصادی محسوب می‌شود که مهم‌ترین اقدام برای فراهم کردن زمینه به‌کارگیری و به جریان انداختن این ظرفیت‌ها، متشکل و مرتبط کردن آنها به همدیگر است. به عبارتی، برای بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های این گروه‌ها باید حلقه واسطی ایجاد کرد که کارگروهی متشکل از نمایندگان اصناف و اتحادیه‌ها بوده و تصمیمات آن مورد پذیرش اصناف و اتحادیه‌ها باشد. یکی از این کارگروه‌های هماهنگ‌ساز و تصمیم‌گیر که طی دو سال پیش شکل گرفته و دارای ظرفیت‌های اجرایی است، ستاد اقتصاد مقاومتی اصناف و بازار است.

با نام‌گذاری سال ۱۳۹۵ به سال اقتصاد مقاومتی، سازمان بسیج اصناف و بازاریان کشور از ابتدای سال ۹۵ اقدام به راه‌اندازی مجموعه‌ای تحت عنوان «ستاد اقتصاد مقاومتی» کرد تا با بهره‌گیری از توان و قابلیت‌های اصناف، بازاریان و دیگر انجمن‌های اقتصادی مرتبط با این سازمان، در راستای تحقق منویات رهبر معظم انقلاب در زمینه اقتصاد مقاومتی و رفع اشکالات پیش روی اصناف و تولیدکنندگان کشور فعالیت کند.

بخش‌های مختلف ستاد اقتصاد مقاومتی

اولین جلسه این ستاد در هفدهم فروردین ۱۳۹۵ و با حضور بسیجیانی از فعالان بازار، وزارتخانه‌های مرتبط با امور اقتصادی و نمایندگانی از بخش‌های خصوصی و اتحادیه‌های صنفی برگزار شد که به تشکیل ستاد مرکزی متشکل از ۹ نفر و ستاد اجرایی که زیرمجموعه ستاد مرکزی قرار می‌گیرد، منجر شد. برای ستاد اجرایی نیز زیرمجموعه‌هایی که شامل چندین کارگروه تخصصی می‌شدند، در نظر گرفته شد. کارگروه‌های طلا و جواهر، نساجی و پوشاک، لوازم خانگی، چوب و صنایع سلولزی، فرهنگ و رسانه، زنان و اقتصاد مقاومتی و... که هر یک با اتصال به بدنه اصناف و اتحادیه‌های صنفی، نظرات، مشکلات و پیشنهادهای انجمن‌های مختلف صنفی و تولیدکنندگان کشور را دریافت و تجزیه و تحلیل کرده و پیشنهادها و ایده‌های خود را برای اجرا و احیای اقتصادی در موضوعات مربوط تهیه کرده و در اختیار ستاد اجرایی قرار می‌دهند. ستاد اجرایی موظف است با تطبیق این پیشنهادها و راهکارها با توان و ظرفیت‌های موجود، موضوعات را دسته‌بندی کرده و در اختیار ستاد مرکزی قرار دهد تا در خصوص نحوه اجرای سیاست‌ها برای برطرف شدن مشکلات و اجرای ایده‌ها در سطح کشور تصمیم گرفته شود.

نماینده اتاق اصناف کشور، نماینده دانشگاهیان و اصحاب رسانه، فرمانده بسیج وزارت امور اقتصادی و دارایی و عده‌ای از فعالان و تجار بخش خصوصی از اعضای اصلی ستاد مرکزی هستند. جلسات ستاد به صورت هفتگی تشکیل می‌شود و گاهی به دلیل فشردگی موضوعات، چندین جلسه در هر هفته برگزار می‌شود.

نحوه اجرای مصوبات ستاد مرکزی

بخشی از مصوبات ستاد برای اجرا به بسیج اصناف کشور و از آنجا به اتاق‌های اصناف و اتحادیه‌های صنفی ارسال می‌شود تا در استان‌ها و شهرستان‌ها اجرایی شود. اجرایی‌سازی این بخش از مصوبات، از طریق این دو نهاد مردمی پیگیری می‌شود. بخش دیگری از مصوبات ستاد، به منظور پیگیری و مطالبه برخی امور، با بدنه دولت و وزارتخانه‌های کشور ارتباط پیدا می‌کند که این مصوبات به مراجع مشخص در دولت به منظور اجرا ارسال می‌شود و پیگیری برای رفع موانع و مشکلات از آن مراجع انجام می‌شود.

غلامرضا حسن‌پور، رئیس سازمان بسیج اصناف کشور و یکی از اعضای ثابت ستاد اقتصاد مقاومتی، درباره این ستاد می‌گوید: «شعار این ستاد حمایت، هدایت و نظارت است و دخالتی در مسائل اقتصادی و ورود در حوزه‌های اقتصادی ندارد. این ستاد، هدفش حمایت از تولید داخلی و هدایت تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی برای بهبود وضعیت کسب‌وکار در کشور است و برای تحقق مصوباتش نیز ابزارهای نظارتی دارد.»

حسن‌پور می‌گوید: «به منظور دریافت نظرات کارشناسی واحدهای تولیدی در رفع مشکلات و موانع پیش‌رو، از سال ۹۷ کارگروه‌های تخصصی بسیج در اتحادیه‌های صنفی و اتاق‌های بازرگانی نیز راه‌اندازی خواهد شد. وظیفه این کارگروه‌ها، شناسایی و احصای مشکلات اصناف، علت کاهش فعالیت برخی اصناف، تعطیلی برخی کارگاه‌ها، نیمه فعال بودن برخی شرکت‌های تولیدی و تلاش برای دستیابی به راهکارهای گره‌گشا و قابل اجرا برای حل آنها خواهد بود.»

رئیس بسیج اصناف و بازاریان کشور درباره وظایف این کارگروه‌ها اضافه می‌کند: «بسیاری از مشکلات کلان صنف‌های مختلف کشور را رصد کرده‌ایم و از آنها اطلاع داریم. اکنون ستاد مرکزی در حال شناسایی ایده‌ها و راهکارهای مرتفع کردن آنهاست و کارگروه‌های تخصصی با همین هدف شکل خواهند گرفت.»

با تحقق این هدف‌گذاری، ستاد مرکزی اقتصاد مقاومتی در زیرمجموعه خود به هزاران ستاد کوچک‌تر که در اتحادیه‌های صنفی فعال خواهند بود، متصل می‌شود و از این طریق، موضوعات و پیشنهادهای کارشناسی‌تر و پخته‌تری به ستاد مرکزی ارسال خواهد شد.

جذب افراد خلّاق تولیدکننده و صاحب فکر و نظر در کارگروه‌های تخصصی شهرستان‌ها و اتصال آن کارگروه‌ها به کارگروه‌های مرکزی خود در تهران موجب تجمیع هزاران ایده و فکر برای حل مشکلات اقتصادی کشور شده و قطعاً بازخورد آن در تصمیم‌گیری‌ها و ارائه ایده‌های نهایی در ستاد مرکزی مؤثر خواهد بود.

سازمان بسیج اصناف و بازار بیش از ۶۰۰ هزار بسیجی و فعال اقتصادی در سطح کشور دارد. افزون بر این ظرفیت، چندین مجموعه بسیج موجود در نهادها و وزارتخانه‌های اقتصادی کشور نیز از طریق ستاد مرکزی اقتصاد مقاومتی به سازمان اصناف مرتبط شده‌اند و می‌توانند با اقدامات هم‌افزا کارهای اقتصادی بزرگی را رقم بزنند و بسیاری از مشکلات و معضلات اقتصادی کشور را برطرف کنند. مرکز بسیج وزارت علوم، اقتصاد و دارایی، مراکز بسیج اتاق‌های اصناف و اتحادیه‌های کشور، اتاق‌های بازرگانی، مرکز بسیج بانک مرکزی، مرکز بسیج سازمان مناطق آزاد کشور، مرکز بسیج اتاق تعاون، مرکز بسیج معاونت بازرگانی وزارت صنعت و تجارت و... این حلقه‌های به هم پیوسته و هماهنگ در ستاد اقتصاد مقاومتی را تشکیل داده‌اند و تاکنون با مشارکت هم کارهای بزرگی را به انجام رسانده‌اند که بیان هر یک از آنها گزارش ویژه‌ای می‌طلبد.

امروز با انسجام تشکیلاتی به وجود آمده در این گروه‌ها و اضافه شدن بخش‌های اقتصادی دیگر به آن، می‌توان امید داشت که بخش زیادی از مشکلات اقتصادی با به جریان افتادن ظرفیت هم‌افزا در کشور برطرف شود.

برای تهیه گزارش از فعالیت‌های اقتصاد مقاومتی در استان خود با شماره تلفن ۰۹۱۹۳۴۷۲۹۸۱ تماس بگیرید.

نیم‌نگاه

تلاشهای یک صهیونیست مسیحی علیه ایران!

□ ابوذر احمدی/ «مایک پنس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا هفته گذشته طی سفر به منطقه راهبردی غرب آسیا با مقامات صهیونیستی و عربی دیدار کرد. سفر دوره‌ای این مقام بلندپایه آمریکایی به منطقه در حالی پایان یافت که منابع سیاسی مهمترین هدف آن را تقویت روابط با متحدان واشنگتن، آن هم بعد از اظهارات تند و جنجالی «دونالد ترامپ» در رابطه با وضعیت شهر قدس و بررسی مسائل ایران با مقامات متجاوز تل‌آویو ارزیابی کردند. اما برخی منابع خبری سفر «پنس» به منطقه غرب آسیا را در راستای اطمینان دادن به مصر و اردن، از اصلی‌ترین شرکای منطقه‌ای کاخ سفید برای استمرار راهکار تشکیل دو کشور مستقل فلسطین و صهیونیستی و پایبندی دولت ایالات متحده به آن تحلیل کردند.

نکته مهم و محوری سفر «مایک پنس» به منطقه، دیدار با نتانیاهو و دیگر مقامات نظامی و امنیتی رژیم متوحش صهیونیستی بود که مهمترین بعد آن در تأکید مجدد بر تصمیم جنجالی «دونالد ترامپ» در به رسمیت شناختن بیت‌المقدس به مرکزیت سیاسی رژیم اشغالگر قدس و انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به این شهر، تمرکز داشت. در این زمینه منابع خبری صهیونیستی اعلام کردند که «پنس» با صدور بیانیه‌ای ضمن اینکه این اقدام ترامپ را مایه افتخار دولت واشنگتن دانست، مدعی شد که اعلام انتقال سفارت آمریکا [از تل‌آویو] به قدس؛ «فرصتی برای پیشرفت و انجام مذاکراتی سرشار از حسن نیت میان اسرائیل و مقامات فلسطینی درباره موضوعاتی قابل بحث و گفت‌وگو فراهم می‌آورد؛ موضوعاتی که رئیس‌جمهور ترامپ به امکان حل‌وفصل آنها باور دارد!»

«مایک پنس» در ادامه بیانیه صهیونیستی خود می‌افزاید: «امیدوارم که در آغاز دوره‌ای جدید از گفت‌وگوهایی باشیم که با هدف دستیابی به یک راه‌حل صلح‌آمیز برای این مناقشه چند دهه‌ای احیا شده‌اند.» این در حالی بود که معاون رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی خود در پارلمان رژیم صهیونیستی تأکید داشت که آمریکا تا پایان سال ۲۰۱۹ سفارت خود را در رژیم صهیونیستی از تل‌آویو به قدس اشغالی منتقل خواهد کرد.

گفتنی است، دفتر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در واکنش به اظهارات دیکته شده «مایک پنس» در بیانیه‌ای به نقل از نتانیاهو اعلام کرد: «این نخستین بار است که در کنار مقام عالی رتبه‌ای ایستاده‌ام که این سه کلمه را بیان می‌کند: اورشلیم، پایتخت اسرائیل».

همان طور که پیش از این اشاره شد، افزایش اعمال فشارها بر ایران و صحبت از نقض آشکار «برجام» بخش دیگری از موضوعات محوری دیدار معاون رئیس‌جمهور آمریکا و سران جانی صهیونیستی بود که در سخنرانی پنس در کنست(پارلمان) رژیم غاصب صهیونیستی انعکاس یافت. «پنس» در سخنرانی خود در کنست توافق هسته‌ای با ایران را «فاجعه‌آمیز» توصیف کرد و اطمینان داد که در صورت اصلاح نشدن این توافقنامه در مفادی که موجب نگرانی واشنگتن است، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) لغو خواهد شد.

با ملاحظه این نکته که معاون رئیس‌جمهوری آمریکا در این سفر دورهای خود، دیدارهای جداگانه‌ای را با مقامات مصری و اردنی ترتیب داد، موضوع ایران در این دیدارها از اهمیت دو چندانی برخوردار بود. از آنجا که منابع آمریکایی هدف اصلی سفر «مایک پنس» به منطقه غرب آسیا را تقویت روابط راهبردی کاخ سفید با متحدان منطقه‌ای آمریکا عنوان داشتند، می‌توان به خوبی فهمید که دور جدید سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا در دوران پساداعش، بر مهار هر چه بیشتر قدرت منطقه‌ای ایران و نیز درگیر کردن محور مقاومت در جبهه‌های جدید تمرکز یافته و ایجاد ائتلاف منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران با محوریت رژیم صهیونیستی را دنبال می‌کند. همان طور که «میربن‌شبات» رئیس شورای امنیت ملی رژیم صهیونیستی در ماه دسامبر سال ۲۰۱۷ در سفر خود به ایالات متحده، اظهار داشت، دور جدیدی از مذاکرات میان مقامات غربی، صهیونیستی و عربی برای تشکیل کارگروهی ویژه برای تدوین راهبردهای مؤثر برای مقابله با ایران در منطقه غرب آسیا در دستور کار قرار گرفته است.

اما آنچه در ورای این مسئله نهفته است اینکه، سران صهیونیستی در تلاشند تا برای حفظ رژیم در سراشیبی سقوط خود و فرار از پیشروهای محور مقاومت، ایران را در کانون تهدیدات امنیتی منطقه معرفی کنند؛ از این رو، فرافکنی در خصوص مسئله توسعه برنامه موشکی ایران و لغو برجام بهترین دستاویز برای جریان صهیونیسم خواهد بود.

روزنه

دانسته‌ها و بایسته‌های حقوقی ـ ۷۲

چه افرادی قائم‌مقام محسوب می‌شوند؟

□ شهریار اقتصاد/ همان‌طور که در شماره پیش عنوان شد، قائم‌مقام شخصی است که بدون آنکه اراده او در تشکیل قرارداد دخالت داشته باشد، آثار آن نسبت به او نیز سرایت می‌کند. اشخاص زیر قائم‌مقام محسوب می‌شوند: ۱ـ وراث: وراث شخص قائم او به شمار می‌آیند. همان‌طور که پس از فوت مورث کلیه اموال و دارایی مورث به وارث او منتقل می‌شود و از اموال مورث بهره‌مند می‌شوند، موظف هستند کلیه تعهدات مورث را نیز انجام دهند. بنابراین، اگر متوفی خانه خود را برای مدت دو سال به دیگری اجاره بدهد و پیش از انقضای مدت اجاره فوت کند، ورثه او موظف هستند مستأجر را در استفاده مورد اجاره، نسبت به باقیمانده مدت اجاره آزاد بگذارند. بنابراین، آثار قراردادهای منعقد شده از سوی متوفی به ورثه او نیز سرایت می‌کند؛ اما نباید این نکته را فراموش کرد که هرگاه مورد معامله انجام عمل باشد که در آن مباشرت شخص طرف معامله قید شده باشد و این شخص فوت کند، در این‌صورت تعهد مزبور به ورثه او انتقال پیدا نمی‌کند؛ بلکه معامله به علت عدم امکان انجام مورد آن باطل خواهد بود؛ چرا که عملی که مباشرت شخص قید شده باشد، به وسیله شخص دیگری قابل انجام نخواهد بود. مانند اینکه متعهد نقاش معروفی بوده (کمال‌الملک) و مورد تعهد نقاشی یک تابلو بوده است؛ ولی پیش از شروع به کشیدن تابلو فوت کند.

منتقل‌الیه: به فردی گفته می‌شود که مالی از دیگری به او انتقال پیدا می‌کند.

منتقل‌الیه نیز نسبت به کلیه حقوق و وظایفی که به وسیله قرارداد ناقل نسبت به مال مورد انتقال به وجود آمده است، قائم‌مقام ناقل خواهد بود.

برای نمونه اگر مالک خانه‌ای، آن را اجاره دهد و پیش از انقضای مدت عقد، خانه را به ثالثی بفروشد، شخص اخیر موظف است به جانشین فروشنده، کلیه حقوق مستأجر را نسبت به خانه مزبور رعایت کند.

طلبکار: طلبکار در مواردی جانشین بدهکار خود قرار می‌گیرد. برای نمونه درباره تاجر ورشکسته که اموال او در اختیار بستانکاران قرار می‌گیرد، بستانکاران جانشین ورشکسته در کلیه حقوق وظایفی خواهند بود که مربوط به اموال ورشکسته است.

– تأثیری که عرف می‌تواند در نتایج عقد بگذارد، چیست؟

ماده ۲۲۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «عقود نه‌فقط متعاملین را به اجرای آن چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید، بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود، ملزم می‌باشد.» به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که عرف در تعیین برخی از نتایج عقد نیز دخالت می‌کند. برای نمونه زمانی که ساختن بنایی از قرار متری دو هزار تومان به مقاطعه گذارده می‌شود، به موجب حکم عرف مقاطعه‌کار نه فقط ملزم به انجام کارهای ساختمانی مورد معامله است؛ بلکه موظف به تهیه مصالح لازم ساختمانی نیز خواهد بود، چرا که قرارداد مقاطعه ساختمان با شرایط بالا عرفاً ظاهر براین امر است.

– تأثیر عرف در تفسیر معانی کلمات و الفاظ عقود چیست؟

ماده ۲۲۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه»

از این ماده چنین استنباط می‌شود که هرگاه طرفین معامله کلمات و الفاظی را برای بیان ماهیت معامله یا شرایط و وضعیت‌های دیگر عقد به‌کار از آن کلمات و الفاظ ببرند، معانی عرفی آنها را استنباط کرد. برای نمونه، شخصی که می‌خواهد فرش همسایه را برای برگزاری مجلس جشن خود عاریه بگیرد، می‌گوید فرش خود را به مدت یک روز به ما قرض بدهید. در حقیقت، مقصود طرفین عاریه فرش است؛ ولی به نادرست عنوان قرض را به کار می‌برند.

صبح صادق

جمهوری اسلامی و دو آموزه

دکتر پرویز امینی جامعه‌شناس سیاسی گفت: وجود فرسایش‌ها در نخبگان سیاسی دو نکته را به جمهوری اسلامی می‌آموزد؛ اول اینکه، هرچه ساختار سیاسی جمهوری اسلامی به سمت نخبه‌گرایی بیشتر گرایش پیدا کند و از بار مردم‌گرایانه‌اش کاسته شود و به معنای دقیق، وجه الیگارشیک آن بر وجه دموکراتیکش بچربد، به لحاظ محتوایی و نرم‌افزاری خصوصاً، آسیب‌پذیرتر خواهد شد. دوم اینکه، جمهوری اسلامی تا می‌تواند باید میدان نقد و نظارت بر نخبگان سیاسی را در قدرت و بیرون قدرت افزایش دهد تا بتواند تمایلات مخرب آنها به ترجیح خود بر نظام سیاسی و مردم را مهار کند.

سیاست‌نامه

اندیشه سیاسی مسلمانان ـ ۴۲۸
اختیارات حاکم اسلامی از منظر فاضل نراقی

□ **فتح‌الله پریشان /** در عرف سیاسی جهان، اعطای اختیارات متناسب با وظایف در هر منصب و پستی عقلانی و امر ستوده‌ای است. در آیین ناب اسلامی، این موضوع به تکامل دیده شده است؛ یعنی هم منافع و مصالح این امر و هم مبانی و محدودیت‌ها و سازوکار کنترلی قدرت سیاسی در دست حاکم جامعه اسلامی مطمح نظر شارع قرار گرفته است.

برای متفکران اسلامی، به ویژه آنهایی که بیشتر با مسائل سیاسی اسلام برخورد داشته‌اند، این پرسش مطرح بوده که شارع مقدس در چه محدوده‌ای به حاکم اختیار داده است؟ به دیگر سخن، قلمرو حکومت حاکم تا کجاست؟

قلمرو حکومت حاکم از مسائلی است که در حوزه شریعت، آثار بسیاری را برجای می‌نهد. قدمت این بحث در اندیشه دینی و فلسفه سیاسی مسلمانان، نشان‌دهنده آن است که از دیرباز رابطه مکتب و حکومت مسئله عینی جامعه اسلامی تلقّی می‌شده است. حوزه اختیارات حکومت می‌تواند ترسیم‌کننده انعطاف دینی در برابر نیازها و مصالح اجتماعی باشد.

با توجه به مطالب فوق، بیشتر فقیهان، دایره ولایت فقیه و اختیارهای او را گسترده می‌دانند و با طرح نیابت و وراثت فقیه از ائمه معصوم(ع) معتقدند در هر موردی آن بزرگواران ولایت داشته‌اند؛ ولیّ فقیه و حاکم اسلامی نیز در روزگار غیبت ولایت دارد. این دیدگاه میان فقهای شیعه مشهور است و بسیاری از فقها بر آن ادعا اجماع کرده و آن را از مسلّمات فقه شیعه دانسته‌اند.[۱]

البته در برابر این دیدگاه، برخی نیز گفته‌اند که فقیه تنها به تصرّف در امور حسبیه مجاز است؛ ولی ولایت بر انجام آن امور را ندارد.[۲] شمار محدودی از فقیهان ولایت فقیه را مواردی خاص، همچون ولایت بر مال‌هایی که مالک آن مشخص نیست، غیّب و قُصّر و همانند آن، که از آن تعبیر به امور حسبیه می‌شود، دانسته‌اند.

بر اساس نظریه نخست، اختیارات فقیه دارای شرایط مقید به جواز تصرّف در امور حسبیه یا ولایت بر آنها نیست؛ بلکه نسبت به آن دو اطلاق دارد و همه کارهایی را که یک زمامدار تام‌الاختیار انجام می‌دهد، می‌تواند انجام دهد؛ از این رو این نظریه را ولایت مطلقه فقیه نامیده‌اند.

گفتنی است، ما با شنیدن موضوع ولایت مطلقه فقیه به یاد امام خمینی(ره) می‌افتیم؛ اما بررسی اندیشه‌های گوناگون اسلامی نشان می‌دهد، دیدگاه‌های ملااحمد نراقی و امام خمینی(ره) نزدیک‌ترین دیدگاه‌ها در این موضوع به یکدیگر است.

نراقی در بحث ادله ولایت فقیه از اجماع و روایات آغاز می‌کند و سپس به دلیل عقل می‌رسد؛ ولی امام خمینی(ره) در برخی اظهار نظرهای خود از روایات در حدّ تأیید استفاده می‌کند، نه بیشتر. در برخی دیگر برای روایات اعتبار فقهی قائل شده و به منزله مدرک معتبر شرعی به آنها استدلال کرده است.[۳]

نراقی با پذیرش ولایت مطلقه فقیه و نقل اجماع بر آن درباره قلمرو ولایت فقیه می‌نویسد:«فقیه عادل بر دو امر ولایت دارد: ۱ـ هر آنچه پیامبر(ص) و امام(ع)ـ که فرمانروایان مردم و دژهای استوار اسلامندـ در آن ولایت دارند، فقیه نیز بر آنها ولایت دارد، مگر مواردی که با دلایلی، همچون اجماع یا نص یا غیر این دو استثنا شود. ۲ـ هر کاری که مربوط به امور دین یا دنیای مردم است و از انجام آن گریزی نیست، یا به حکم عقل یا عادت یا به سبب اینکه امور مادی و معنویِ فردی یا گروهی از مردم بر آن متوقف است، همچنین سامان‌پذیری امور دین یا دنیای مردم به آن بسته باشد یا به حکم شرع، از آن جهت که دستوری به انجام آن آمده یا اجماعی بر آن اقامه شده، یا از آن رو که متعلق ضرر، اضرار، عسر، حرج یا فساد بر مسلمانی است یا به هر دلیل دیگر واجب باشد.[۴]

«کارهایی که ضروری بودن آن روشن است، ولی مسئولیت آن برعهده فرد خاصی گذاشته نشده یا اموری که شارع اذن داده است، ولی مأمور به اجرا و مأذون در آن معلوم نیست، که انجام این امور بر عهده فقیه است و او می تواند در این امور تصرّف کند.»[۵]

از نگاه نراقی، همه جاهایی که به حکم عقل یا به مقتضای جریان عادی امور یا به حکم شرع، به اقدام و دخالت حاکم اسلامی نیاز است، به گونه‌ای که اگر دخالت نکند، سبب اختلال نظام و آسیب دیدن مردم یا سبب در تنگنا قرار گرفتن مردم در زندگی شان می‌شود، در اختیار حاکم اسلامی قرار دارد.

به دیگر سخن، امور دین و دنیای مردم، مسائل عمومی و اجتماعی و هر آنچه هر قومی به رئیس و رهبر خود مراجعه می‌کند، در قلمرو حکومت اسلامی قرار دارد؛ زیرا حذف بخشی از این امور به معنای نادیده گرفتن حکومت اسلامی یا در تنگنا قرار گرفتن حاکم اسلامی برای اداره جامعه است. در شماره بعد بیشتر با مبانی و اقسام اختیارات حاکم اسلامی از منظر نراقی دوم آشنا خواهیم شد.

منابع :

۱ـ مزینانی، محمدصادق؛ اندیشه‌های سیاسی محقّق نراقی؛ فصل چهارم، نشر مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
۲ـ التنقیح فی شرح عروة الوثقی، آیت‌الله خویی، ج ۱، ص ۴۲۴ ـ ۴۲۳.
۳ـ الرسائل محقق کرکی، رسالة الإجتهاد و التقلید، ج ۲، ص ۱۰۴؛ تحقیق محمد، چ کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌نجفی؛ کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۷.
۴ـ مزینانی محمدصادق، اندیشه‌های سیاسی محقّق نراقی، فصل چهارم، نشر مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
۵ـ نراقی، عوائدالایام، ص ۵۳۶.

کتابخوان

مقاومت شکننده

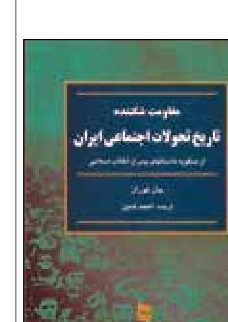

انقلاب، از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که به ندرت اتفاق می‌افتد. بررسی تاریخی نشان می‌دهد، هرقدر به زمان حاضر نزدیک شده‌ایم، از تعداد انقلاب‌های اجتماعی کاسته شده است. تا جایی که برخی سخن از پایان انقلاب گفته‌اند و عمر آن را به ویژه در قرن بیست‌ویکم به سر آمده تلقی کرده‌اند. با این حال تفکر و تأمل نظری درباره این پدیده نه تنها افول نکرده؛ بلکه هر روز شاهد افزایش حجم تحقیقات و پژوهش‌ها و رشد اطلاعات در این باره هستیم. بر همین اساس، آثار فراوانی را می‌بینیم که انقلاب‌های اجتماعی، به خصوص انقلاب‌های بزرگ به ویژه آخرین نسل انقلاب‌های بزرگ، یعنی انقلاب اسلامی ایران را مورد بازبینی و تحلیل قرار می‌دهند. یکی از این پژوهش‌های غربی، کتاب «مقاومت شکننده» با عنوان فرعی توضیحی «تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی» نوشته جان فوران، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا است که تحولات و وضعیت ساختار اجتماعی ایران را از زمان روی کار آمدن صفویه تا انقلاب اسلامی را ردیابی می‌نماید و تلاش می‌کند با توجه به مباحث جاری جامعه‌شناسی توسعه، به ارائه چارچوب تحلیلی و ارزیابی جدیدی از رویارویی ایران با غرب در پرتو طیفی از نظریات علوم اجتماعی و از جمله نظام‌های جهانی، وابستگی و فرهنگ سیاسی بپردازد. این کتاب که اولین بار از سوی مؤسسه خدمات فرهنگی رسا در سال ۱۳۷۷ با ترجمه «احمد تدین» به چاپ رسید تاکنون ۱۶ بار بازنشر شده است. خوانش این کتاب در اوضاع امروز کشور به ویژه دهه فجر که برخی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را نادیده گرفته و در آرزوی تکرار نظامی توتالیتری مانند رژیم وابسته پهلوی یا از جنس آن هستند، مناسب است؛ زیرا ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از تأثیر غرب در ساختار ایران را به اذعان نویسنده آمریکایی آن در دسترس مخاطب قرار می‌دهد و این پیام مهم را در وجدان تاریخی هر ایرانی ثبت می‌کند که «نگاه به بیرون حلال مشکلات درونی ما نمی‌تواند باشد؛ چرا که عامل خارجی پیش از اینکه به توسعه شما بیندیشد، به منافع خود می‌اندیشد». این پیام برای بخشی از مخاطبان امروز که با فضاسازی رسانه‌ای و سیاسی خود را در چالش اتکای به داشته‌های درونزا یا تعامل با بیرون و حل مشکلات از طریق ارتباط و تعامل با قدرت‌های خارجی احساس می‌کنند، حائز اهمیت است.

جریان‌شناسی فکری‌ـ‌فرهنگی انجمن حجتیه‌ـ۲
بنیادها و مبانی فکری انجمن حجتیه

□ **عبدالله نوری‌گلجایی /** در شماره نخست سلسله مقالات مرتبط با جریان‌شناسی انجمن حجتیه، به دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری آن اشاره کردیم؛ اما شناخت دقیق‌تر جریان‌های فکری و فرهنگی در گرو بازنمایی و بازشناسی بنیادها و مبانی فکری مؤسسان و حامیان آنهاست؛ از این رو در این شماره مبانی فکری انجمن حجتیه را بررسی می‌کنیم.

مکتب تفکیک

مسائل فراوان و گاهی پر دامنه‌ای در مبانی فکری انجمن اعم از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، خداشناسی، جهان‌شناسی و معادشناسی وجود دارد که به بررسی و مطالعه عمیق در اختلاف‌نظرها و اتفاق‌نظرها بین مکاتب اخباری‌گری، تفکیک و مکتب فلسفی و عقلی نیاز دارد؛ اما در این مجال، به طور مجمل به گوشه‌ای از مبانی معرفت‌شناسی این انجمن که متأثر از مکتب تفکیک و عقاید مرحوم حلبی است، بسنده می‌شود.

بسیاری از مواضع و عملکردهای انجمن حجتیه در مقاطع گوناگون، به ویژه پیش از انقلاب اسلامی، از پیش‌فرض‌ها و برداشت‌های خاص از متون دینی نشئت گرفته است. در تشریح مبانی فکری حجتیه باید به این نکته توجه داشت که شیخ محمود حلبی، مؤسس این انجمن، از ملازمان و مروجان بیانی و قلمی استاد خویش مرحوم آیت‌الله میرزامهدی اصفهانی بوده که از بنیان‌گذاران مکتب تفکیک است. بنابراین، آنچه باید مد نظر قرار گیرد، این است که شاکلهٔ فکری انجمن در مباحث عقلی و نقلی، به نوعی برگرفته از مکتب تفکیک است[۱] که در مشهد ایجاد شد.

بنیان‌گذاران این مکتب معتقدند، باید میان روش‌های گوناگون دسترسی به حقایق، جدایی انداخت. در حقیقت، قائل به تفکیک روش‌های گوناگون معرفت‌شناختی هستند. آنان به شدت به روش معرفتی ملاصدرای شیرازی اعتراض می‌کنند و روش او را موجب خلط روش‌شناختی می‌دانند. این مکتب در گذشته و بیشتر با عنوان «مکتب فکری خراسان» شهرت داشت. عنوان «مکتب تفکیک» را محمدرضا حکیمی پیشنهاد کرد که پذیرفته شد.[۲]

بر همین اساس، انجمن حجتیه معتقد است معرفت فطری در محدوده مبانی فقهی تعریف می‌شود و معرفت اکتسابی به آن راهی ندارد. شیخ محمود حلبی در این‌باره می‌نویسد: «اساس شریعت مبتنی بر معرفت فطری بوده و معرفت اکتسابی در آن راه ندارد. پس، کسی که بر لزوم معرفت اکتسابی برهان می‌آورد، در حقیقت دلیلی برای ابطال و انهدام اسلام آورده است.»[۳]

نفی روش عقلانی‌ـ‌فلسفی

افزون بر این، این انجمن شناخت معارف دین از مسیر مبانی فلسفی را نمی‌پذیرد. از نظر آقای حلبی، روش عقلانی به مثابه یکی از ابزارهای معرفتی پذیرفتنی نیست: «شناخت معارف دین از طریق مبانی فلسفی، اشتباه بوده و بین نظر دین و نظریات فلسفی در همه موارد، تباین و اختلاف وجود دارد.»[۴]

شیخ‌محمود حلبی کوشید از عقلِ اصطلاحی فاصله بگیرد و روش فلسفی را برای استفاده از عقل کنار بگذارد؛ ولی به دلیل لزوم توجه به عقل، راه دیگری برای خود ابداع کرد تا با تعقل‌گرایی عقاید خود را تضمین کند. این ابداع مبتنی بر اخباری‌گری بود؛ همچنین در مقام عمل، خواسته یا ناخواسته، ظاهرگرایی اشعری را روش عمل خود قرار دادند و درباره عقل، دچار نوعی مغالطه شدند. با آنکه حجتیان عقل را به معنای متداول آن نمی‌دانند؛ اما معتقدند شیوهٔ فکری‌شان از اخباری‌ها جداست و به ظاهرگرایی اشعری عمل نمی‌کنند.

در نهایت باید گفت، آنچه در همهٔ زمان‌ها میان دانشمندان گوناگون (متکلمان، فلاسفه، عرفا، اخباری و اصولی) متداول بوده، مخالف با معنایی است که این انجمن آن را تفسیر صحیح و منظور شریعت می‌داند.

چالش اشتراک لفظی عقل

شاید این سؤال مطرح شود که چطور گروه‌هایی مانند انجمن حجتیه، در قبال عقل چنین رویکردی دارند؟ آیا اختلاف در پذیرش عقل، در مبانی فکری آنان ریشه دارد؟ در پاسخ باید گفت که اساس این تفکر به دلیل اشتراک لفظی عقل در متون دینی است؛ به گونه‌ای که گاه به موجودات مجرد (فرشتگان) و گاه به نیرویی که انسان از آن برای درک موضوعات پیرامون خود بهره می‌برد، عقل گفته می‌شود. در واقع، آنان عقل را موجود خارجی می‌دانند که به خودی خود، اعتباری در کسب معارف الهی ندارد و در کنار روح، سبب ادراک انسان می‌شود. این معنایی که حجتیه از عقل در نظر گرفته و ملاکی برای اعتبار آن قرار داده است، هم با نظر دانشمندان و هم با مبانی دینی مغایر است.

از دیدگاه فیلسوفان، صحیح نیست عقل را فقط در درک کلیات منحصر بدانیم؛ زیرا از دیدگاه آنان «عقل» واژه‌ای است مشترک لفظی و بر معناهای متعددی اطلاق می‌شود. بنابراین، بیان دیدگاه دربارهٔ یک معنای خاص از عقل، بدون توجه به معانی دیگر آن، از نظر ادبی صحیح نیست و حجتیه چنین اعتقادی نداشتند و فقط یک وجه از معنای عقل را مد نظر قرار می‌دادند. در واقع، ویژگی‌هایی که این دیدگاه برای عقل در نظر گرفته است، برداشتی نادرست از متون دینی و تطابق‌نداشتن این مدعا، با محتوای دین است؛[۵] زیرا خداوند متعال در قرآن کریم، انسان را به عقل می‌خواند و تعقل نکردن را معیار بسیاری از انحراف‌های بشری معرفی می‌کند. خطاب‌هایی، مانند «اَفَلا تَعقِلون» (بقره: ۴۴) و «وَلا یحیطُونَ به عِلماً» (طه: ۱۱۰) گواه این ادعاست. افزون بر این، در روایاتی که از ائمه معصوم(ع) وجود دارد، همگی بر وجود قوهٔ عاقله در انسان دلالت دارد که وسیلهٔ تشخیص درست از نادرست شمرده می‌شود. بنابراین، انسان در مقام موجودی که عاقل است و فعل او نیز ناشی از عقل اوست، شخصی «عاقل» خطاب قرار می‌گیرد.

عقل و شرع دو بال هماهنگ در اسلام

با پیروی از مکتب اسلام درمی‌یابیم عقل و روش عقلی در فهم دین معتبر است و در واقع، عقل و شرع دو بال هماهنگ هستند که می‌توانند انسان را به هدف خود برسانند. قاعدهٔ ملازمهٔ بین حکم عقل و حکم شرع دلیلی بر جایگاه عقل و روش عقلی در دین اسلام است؛ یعنی عقل می‌تواند به تنهایی قانون کشف کند و از طرفی می‌تواند قانون وضع‌شده را مقید سازد. شهید مطهری دربارهٔ اعتبار عقل در اسلام می‌نویسد: «عقل در فقه اسلامی، هم می‌تواند خود اکتشاف‌کنندهٔ یک قانون باشد و هم می‌تواند قانونی را تقیید و تحدید کند یا آن را تعمیم دهد. همچنین می‌تواند در استنباط از سایر منابع و مدارک، مددکار خوبی باشد.»[۶]

جریان عقلانیت اسلامی که خود را تداوم اسلام اصیل می‌داند، معتقد است اصالتی که اسلام به عقل می‌دهد، هیچ دین و مکتبی نداده است. متفکران این جریان معتقدند، هرگز نمی‌توان نقش عقل در فهم دین را نادیده گرفت؛ زیرا گزاره‌های دینی با عقل فهمیدنی و درک‌پذیرند. شهید مطهری درباره اصالت عقل در اسلام می‌نویسد: «شما هیچ دین و هیچ کتاب آسمانی را پیدا نمی‌کنید که به اندازهٔ اسلام برای عقل ارزش و اصالت قائل شده باشد.»[۷]

آنچه بر اعتبار عقل و روش عقلی در فهم دین صحّه می‌گذارد، شناخت و باور اصول دین است. اصول دین حیطهٔ انحصاری عقل است و باید به وسیلهٔ عقل اثبات شود. البته ذکر این نکته ضروری است که در دامنهٔ این تفکر، عقل‌گرایی افراطی (مانند معتزلیان) مردود بوده و عقل‌گرایی معتدل به این معناست که به انگیزه اعتبار عقل، حریم دین را کاهش نمی‌دهد. همچنین، به منظور قداست حفظ دین، ارزش و اهمیت عقل را نادیده نمی‌گیرد؛ بلکه عقل و وحی را طریقی برای رسیدن به حقیقت می‌داند.[۸]

همچنین نباید این نکته را فراموش کرد که انجمن حجتیه از وجود بزرگان و علمایی که در وادی مسائل فکری و اعتقادی صاحب‌نظر باشند، بی‌بهره بود. بیشتر اعضای انجمن، اولاً در حوزهٔ علوم دینی فعالیت نداشتند و مشغول حرفه‌های دیگری بودند؛ ثانیاً روحانیون اندکی که جزء اعضای انجمن شناخته می‌شوند، در مبانی فکری و اعتقادی صاحب‌نظر نبودند، به گونه‌ای که همهٔ اعضای انجمن حجتیه مروجان عقاید و تفکرات حلبی بودند. بنابراین، در بررسی مبانی فکری انجمن حجتیه، چاره‌ای جز بررسی عقاید و مبانی فکری و فرهنگی شیخ‌محمود حلبی نیست که مطالعه در این باره را به خواننده واگذار می‌کنیم.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ محمدرضا ارشادی‌نیا؛ از مدرسهٔ معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۲۱.
۲ـ محمدرضا حکیمی؛ مکتب تفکیک؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۱۴.
۳ـ اساس الشریعه علی المعرفهٔ الفطریهٔ لا الاکتسابیه فاذن من یقیم البرهان علی لزوم معرفهٔ الاکتسابیه ففی الحقیقهٔ یبرهن علی ابطال الاسلام و هدمه (همان، ص ۴۸).
۴ـ مخالفهٔ نتایج هذه المباحث الفلسفیه بالصراحهٔ و الوضوح مع متواترات الکتاب و السنهٔ و مضادتها البینهٔ والظاهرهٔ مع مسلمیات الشریعهٔ السلامیهٔ فی مسائل عدیدهٔ (همان، ص ۳۳ ـ ۳۲).
۵ـ محمدرضا ارشادی‌نیا؛ همان، ص ۳۲.
۶ـ مرتضی مطهری؛ مجموعه‌آثار؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۸۹.
۷ـ همان، ج ۲۱، ص ۴۸۴.
۸ـ محمدرضا ارشادی‌نیا؛ همان، ص ۳۱.

آفاق

تحلیلی بر نسل نوین جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی‌ـ‌قسمت نودویکم
بی‌ثبات‌سازی اجتماعی با جنگ نرم اقتصادی

□ **دکتر سیامک باقری‌چوکامی /** عطف نظر به سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات آمریکا و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن در قبال جمهوری اسلامی ایران، دلالت متقن و مبرهنی بر وجود یک جنگ نرم تمام‌عیار هست که با الگوهای متعدد و از جوانب مختلفی دنبال می‌شود. جنگ نرم اقتصادی یکی از الگوهایی است که همانند دیگر الگوها هنوز جدّی گرفته نشده است. برخی خوش‌باورانه فکر می‌کردند که با توافق برجام رفتار آمریکا و متحدان اروپایی‌اش برای تغییر ایران تعدیل یا کنار گذاشته خواهد شد، این در حالی است که رهبر معظم انقلاب از همان زمان متذکر شدند که جنگ غرب با ایران اسلامی تمام‌شدنی نیست. ایشان قاطعانه معتقد بودند که آنها پس از برجام، مبتنی بر الگوی نفوذ و جنگ اقتصادی متناسب با وضعیت جدید، رویارویی نوینی را علیه ایران شکل خواهند داد. برای نمونه در سال ۹۵ فرمودند: «جنگ واقعی جنگ اقتصادی است، جنگ واقعی تحریم است، جنگ واقعی گرفتن عرصه‌های کار و فعالیت و فناوری در داخل کشور است.»(۱۳۹۵/۱۱/۲۷)

با تفطن و تفحص بر موضوع راه‌اندازی جنگ اقتصادی، سه هدف کلان راهبردی را می‌توان در این جنگ ملاحظه کرد: ۱ـ بی‌ثبات‌سازی داخلی و ایجاد آشوب و اغتشاش تا مرز بر هم زدن کل نظم حاکم؛ ۲ـ سایش توان اقتصادی و مآلاً تضعیف قدرت دفاعی و نهایتاً تغییر رفتار ایران؛ ۳ـ هضم در اقتصاد سرمایه‌داری و در نتیجه سکولاریزه کردن تدریجی و دستیابی به یک سیستم لیبرال‌دموکراسی در ایران.

در واقع، این سه هدف راهبردی از سه رهیافت استراتژیک و مبتنی بر پیش‌فرض‌های اساسی در غرب و آمریکا برخوردار است. آنچه در شماره گذشته به آن اشاره شده بود، تاحدودی بازخوانی اجمالی از هدف راهبردی اول بود که نیازمند توضیح بیشتر است.

پیش‌فرض جنگ نرم اقتصادی

پیش‌فرض جنگ نرم مبتنی بر فشارهای اقتصادی این است که دولت‌های در معرض این نوع جنگ، گرفتار شکاف دولت و ملت خواهند شد و تکیه‌گاه‌های قدرت خود را که مردم هستند

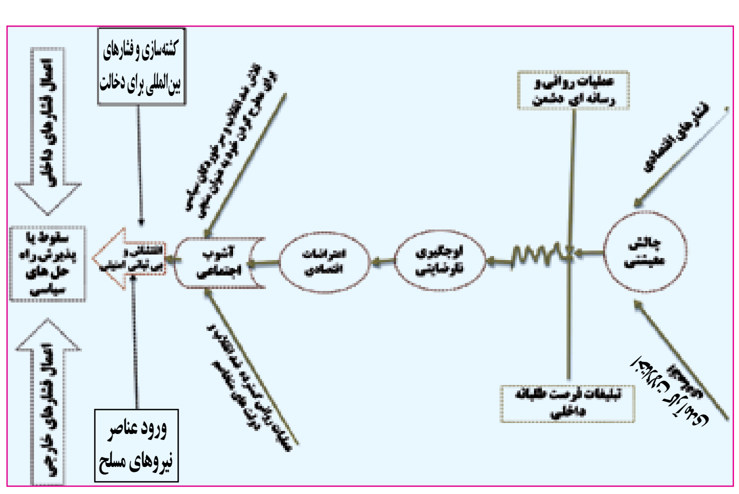

از دست خواهند داد. چنانکه جین شارپ طراح انقلاب‌های رنگی نوشت: «بی‌ثباتی اقتصادی نه تنها به تضعیف تکیه‌گاه‌های قدرت منجر می‌شود؛ بلکه محدود کردن قدرت با این شیوه، توان ضربه زدن به مخالفان سیاسی و سرکوب آنها را از حاکمیت می‌گیرد.»(جین شارپ، ۱۳۸۶ :۵۴) به زعم این نظریه‌پردازان غربی تأثیر مشکلات شدید اقتصادی بر رژیم‌های غیردموکراتیک و دموکراتیک متفاوت است. بحران اقتصادی شدید (مثل رشد منفی در پنج سال متوالی) برای هر دو رژیم تأثیر سوء دارد؛ اما اثر منفی آن بر رژیم‌های غیر دموکراتیک شدیدتر است. بنابراین اگر خللی در عملکرد و کارکرد آنها به وجود آید، امکان از پا درآمدن آنها بسیار زیاد است. (A,Stepan.۱۹۷۸) رهبر معظم انقلاب مدت‌ها قبل ضمن افشای پیش‌فرض استراتژیست‌های غربی درباره رابطه متغیر ضعف قدرت اقتصادی با تقابل ملت و دولت، تأکید کرده بودند: «در زمینه سیاست داخلی، هدف آنها از این تحریم‌ها این بود که ملت را در راه خودشان مردد کنند؛ بین ملت ایران و نظام اسلامی جدایی بیندازند؛ مردم را دلسرد کنند، ناامید کنند.» بنابراین، پیش‌فرض سناریوی دشمن در طرح‌ریزی جنگ نرم مبتنی بر فشارهای اقتصادی، سه نقطه عطف کانونی دارد:

۱ـ سیاست حفظ و تشدید تحریم‌ها

با توجه به پیش‌فرض موصوف و تلقی کارآمد بودن «نظریه فشارهای اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی‌ـ اجتماعی»، اغلب دولتمردان آمریکایی در جریان برجام و پس از آن معتقد بودند که در سیاست‌های تحریمی علیه ایران نباید توقفی ایجاد شود. در این زمینه باراک اوباما طی نامه‌ای به سناتورها قول داد که فشار اقتصادی علیه ایران را به‌عنوان یک استراتژی دائمی همچنان حفظ کند.»

بنابراین، سیاست‌های اقتصادی آمریکا پس از برجام در یک بازی پیچیده تعریف شد. در این بازی، ایران نباید هیچ‌گونه انتفاع و بهره اقتصادی از برجام ببرد و اقتصاد ایران باید تضعیف شود، به گونه‌ای که بی‌ثبات‌سازی منبعث از فشارهای معیشتی را دامن بزند. در واقع، دشمن با بازی پیچیده در موضوع برجام رفتارهای تقابلی را پیش گرفت که چالش‌های حل‌نشدنی اقتصادی مانند تورم، بیکاری، رکود، کسری بودجه، کاهش درآمدهای ارزی، افزایش نرخ ارز، افت توان تولیدی کشور و... بر ایران تحمیل شود. رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا به صراحت به این موضوع چنین اشاره کرد: «تحریم‌های آمریکا رفتار بد ایران را هدف قرار داده و به مردم ایران کمک خواهد کرد تا کنترل حکومت را خود به دست بگیرند.»

در همین راستا، یک تحلیلگر نظامی آمریکایی در مصاحبه‌ای با المانیتور گفت که تغییر رژیم در ایران را رکود اقتصادی به همراه قیام‌های قومی و ملی میسر خواهد ساخت.» رئیس بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، این‌گونه اعلام کرد که برای مهار ایران، آمریکا و کنگره این کشور باید با هجوم اقتصادی، بهره‌برداری اقتصادی ایران را کند کنند.

به این ترتیب این مقامات در انتظار هستند که فشارهای وارده بر ایران، شرایط برای شورش نان که خود در سال‌های قبل نامگذاری کرده بودند، رخ دهد تا با موج‌سواری بر این رویداد، بی‌ثبات‌سازی مزمن را دامن زده و تا سقوط نظام پیش ببرند.

۲ـ راه‌اندازی پروپاگاندا و تبلیغات روانی

استراتژیست‌های غربی و آمریکایی براین نکته واقف بودند که فشارهای اقتصادی شرط لازم برای ایجاد ناامیدی و شکاف مردم و نظام است، ولی کافی نیست. شرط کافی، راه‌اندازی موجی از تبلیغات مرتبط با موضوع و مسائل اقتصادی در داخل است.

البته تبلیغات و شایعه‌پراکنی دستگاه‌های خبرپراکنی خارجی بدون عامل‌های پشتیبان نفوذپذیر نخواهد بود. بنابراین به میزان کاستی‌ها، کژکارکردی‌ها، وعده‌های توخالی، وجود سیاست‌زدگی، انباشت مسائل حل نشده، جدی نبودن مدیریت در حل مشکلات به همراه وجود فساد اقتصادی، تبلیغات و عملیات روانی دشمن و مخالفان نیز اثرگذارتر می‌شود. چنانکه رهبر معظم انقلاب در جریان اغتشاشات اخیر فرمودند: «دشمنان مانند مگس روی زخم ناشی از مشکلات و ضعف‌ها می‌نشینند. اگر مشکل داخلی نداشته باشیم، تبلیغات و فضاسازی بیگانه اثر نمی‌گذارد و آمریکایی‌ها هم نمی‌توانند هیچ غلطی بکنند.»

۳ـ فراخوان برای اعتراضات اجتماعی و موج‌سواری

به زعم بازیگران دگرگون‌طلب پس از موفقیت دو مرحله فوق، با وارد کردن یا پدید آمدن کاتالیزورها(جرقه‌ها) می‌توان تحرکات اعتراضی گسترده در خیابان‌ها را انتظار داشت. در این فرایند معتقد بودند که باید با موج‌سواری و مدیریت اعتراضات اقتصادی و معیشتی، آن را به حوزه‌های سیاسی و امنیتی منتقل کرد. آمریکایی‌ها پیش‌بینی کردند که در این مرحله با کمک متحدان منطقه‌ای خود و ضد انقلابیون می‌توانند سناریوی خود را که برهم زدن ثبات داخلی از طریق بی‌ثبات‌سازی اقتصادی و تبدیل آن به بی‌ثباتی سیاسی و سپس بی‌ثباتی امنیتی است، به منصه ظهور برسانند. این مراحل در ترسیم شماتیک جنگ نرم مبتنی بر سناریوی فشار اقتصادی نمایان است.

پردازش

تحلیل و تفسیر پدیده

□ **شهاب زمانی /** شناخت واژه‌ها و مفاهیم به صورت بنیانی و توجه به مرز مفهومی اصطلاحات مشابه یا نزدیک به هم در یک رشته علمی نقش بسزایی در فهم و ادراک یک پدیده دارد. بر اساس این، اگر تحلیلگر سیاسی به مرز مفهومی واژگانی، مانند تحلیل سیاسی، تفسیر سیاسی، علم سیاسی و فلسفه سیاسی توجه داشته باشد، از آفات آشفتگی و بد فهمی سیاسی دور خواهد شد. انسان‌ها به‌منظور درک تجربیات و پدیده‌ها، آنها را مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌دهند. هر فردی بنا به ذوق، استعداد و هدف خود با اتخاذ منبعی و تحت تأثیر ساختار و الگوهای ذهنی‌اش اقدام به تفسیر و تحلیل می‌کند.

هدف از تحلیل و تفسیر پدیده می‌تواند؛ کنترل و مدیریت، کسب و کشف اطلاعات، کسب معنا، پاسخ به پرسش‌ها و... باشد. آنچه معلوم است اتخاذ یک موضع صحیح و مناسب برای انجام تحلیل و تفسیر است تا مفسر بتواند آنچه را که از موضوع مورد تحلیل و تفسیر انتظار دارد کسب کند. برای نمونه نمی‌توان و شایسته نیست که با شیوه‌های تبیینی در علوم تجربی، مسائل فرهنگی یا نشانه‌شناسی را مورد بررسی قرار داد؛ چراکه روش‌های به کار گرفته‌شده در این علوم امکان اجرا و تحقیق در این زمینه را ندارد. بسیار بی‌ربط است که بخواهیم روش‌های تجربی را برای دریافت معنا در خصوص یک متن به کار ببریم! «تجربیات‌ـ پدیده‌ها» با «تفسیرـ تحلیل» همبسته هستند. هر پدیدهٔ تجربه‌شده و مورد التفات قرار گرفته از سوی انسان در دو موقعیت ساده در قدم اولیه برای دریافت قرار می‌گیرد. اینکه مفاهیم، قضاوت، اطلاعات برخاسته از هر منبعی نسبت و مرتبط با آن در ذهن فرد وجود دارد، یا فرد با یک تجربهٔ اولیه و خام از دریافت روبه‌رو می‌شود که در این وضعیت یا نسبت به اجزای متشکلهٔ تجربه شناخت دارد و فقط به شناخت ساختار می‌پردازد، اما گاهی نسبت به اجزای سازنده نیز شناختی ندارد. در تمامی حالات، فرد اقدام به یافتن پاسخ برای پرسش چیستی می‌کند. تفسیر را می‌توان راهی برای فهمیدن قوانین دانست که به واسطهٔ آن قوانین، سیستم به وجود آمده است. چگونه می‌توان یک متن را مورد شناخت قرار داد؟ توجه به زبان و در ادامه شناسایی دانسته‌ها و مفاهیم استفاده‌شده در آن متن. واقعیت درک شده از طریق ذهن مورد بازسازی قرار می‌گیرد؛ این عمل شبیه تفسیر کردن است. آیا تمامی آنچه ما دریافت می‌کنیم مورد تفسیر قرار گرفته است؟ آیا ذات خود چیزها و اندیشه‌های مطلق تفسیرپذیرند؟ بنا بر نظر شلایر ماخر، تجربهٔ مجدد امکان‌پذیر است، به این معنا که مخاطب می‌تواند با به وجود آوردن تجربه‌ای که آفرینندهٔ اثر داشته، آن متن را بفهمد.

برخلاف شلایر ماخر، پل ریکو معتقد است که دسترسی به مؤلف برای تجربه‌سازی یا کسب اطلاعات از وی یا پرسش از او درباره اثر بیهوده است، بهتر است به فهم و درک متن پرداخته شود. هرمنوتیک از نظر ریکور برای حل تضادهای تفسیر است تا به فهم خود دست یابیم.

نکته

فرسایش سیاسی!

نخبگان سیاسی بعد از مدتی سیاست‌ورزی اگر به الزامات درست آن مانند وفاداری به گفتمان و پیشینه سیاسی خود متعهد نمانند، دچار فرسایش سیاسی می‌شوند. این فرسایش هم منطق روانشناختی دارد و هم منطق سیاسی. به لحاظ روانشناختی، این فرسایش در کسانی رخ می‌دهد که بین خود و جمهوری اسلامی و یا هر نوع نظام ارزشی، خود را مقدم می‌دانند و حفظ خود را بر حفظ جمهوری اسلامی اولویت می‌دهند. اینها برخلاف واکنش تند به نقد خود، در برابر نقد و حتی حمله به نظام متساهل هستند. از حیث سیاسی نیز بر این نخبگان، منطق قدرت حاکم است. نزدیکی و دوری آنها به سپهر ارزش‌های سیاسی، تابعی از منطق قدرت است.

آیینه تجلی خورشید

دهه فجر، آن آیینه‌ای است که خورشید اسلام در آن درخشید و به ما منعکس شد. اگر این آیینه نبود، باز هم مثل همان دوره‌های تاریک و قرون خالیه، بایستی ما می‌نشستیم و اسمی از اسلام می‌آوردیم.

(امام خامنه‌ای ۱۳۶۹/۱۰/۱۱)

روایت یار

امام خامنه‌ای در گذر زمان ـ ۱۷۵
خنثی کردن طرح فتنه ۸۱

□ سید مهدی حسینی /ادامه مبحث امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) در گذر زمان به سال ۸۱ منتهی شد و به مسئله و به عبارتی فتنه جدیدی رسید و آن، جریان اهانت به پیامبر اسلام(ص) بود. ماجرا از این قرار بود که شخص تحصیل‌کرده‌ای در رشته تاریخ و استاد دانشگاه در همدان طی صحبت‌هایی اهانت‌آمیز «جمهوریت» نظام را براساس موضوع «دموکراسی» مطرح در غرب تفسیر کرده بود که به دنبال آن غائله‌ای در دانشگاه‌ها برپا شد و مدتی فضای عمومی کشور را ملتهب کرد. به طور طبیعی مسلم بود که طرح این‌گونه دیدگاه‌های انحرافی برای نسل جوان و سیر جریان انقلاب آسیب‌ها و آفت‌هایی را به دنبال دارد؛ البته این‌گونه مباحث در دوران زعامت حضرت امام خمینی(ره) هم بارها مطرح می‌شد که امام(ره) با صراحت و قاطعیت موضع می‌گرفتند و با این مسائل برخورد می‌کردند. امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) هم همان‌گونه در برابر اهانت‌ها و فتنه‌ها به صراحت و با شجاعت تمام مقابله کرده و افشاگری می‌کردند. معظم‌له در برابر این جریان هم به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) در تاریخ ۱۳۸۱/۳/۱۴ طی بیاناتی روشنگرانه در مرقد امام خمینی(ره) فرمودند: «این انقلاب بر پایه اصول مستحکمی بنا شده؛ هم اجرای عدالت را مورد نظر قرار داده و هم آزادی و استقلال را ـ که برای ملت‌ها از مهم‌ترین ارزش‌هاست ـ مورد توجه قرار داده، هم معنویت و اخلاق را. این انقلاب ترکیبی از عدالت‌خواهی و مردم‌سالاری و معنویت و اخلاق است.» امام خامنه‌ای روی مردم‌سالاری دینی بحث کردند و شاخصه‌هایی ارائه دادند که اشخاص دموکراتیک‌مسلک روی عنوان «مردم‌سالاری» شعار می‌دادند؛ دشمن هم سعی می‌کرد به کمک غیرخودی‌ها در داخل کشور به این کشمکش‌ها دامن بزند، با وجود اینکه به این موضوع در قانون اساسی اشاره شده، اما با استفاده از آن ترکیب «جمهوری» و «اسلامی» را یک امر عارض بر دین تبلیغ می‌کردند و با غیر طبیعی خواندن آن تلاش داشتند مردم‌سالاری دینی را که رهبر معظم انقلاب مطرح کرده بودند، به گونه‌ای دیگر تفسیر کنند و بگویند «مردم‌سالاری دینی در درون خود یک تناقض دارد.» که معمولاً از آن به «پارادوکسیکال» نام می‌بردند و همواره بر این شبهه‌افکنی‌ها دامن زده می‌شد تا آثار سوء آن موجب شد جدایی روحانیت از نظام، جدایی روحانیت از سیاست و غیره را تسرّی بدهند. در برابر این شبهه هم امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) طی رهنمودهایی فرمودند: «آیا نظام ما یک نظام دینی هست یا نه؟ کسی نمی‌تواند این را منکر شود. آیا نظام ما مردمی هست یا نه؟ این را هم کسی نمی‌تواند منکر شود، شما ببینید قدرت بسیج مردمی ما از همه کشورهایی که در ذهن من است. بیشتر است...»

در پایان می‌توان گفت، طرح فتنه ۸۱ با قدرت منطق امام خامنه‌ای خنثی شد.

درنگ

آیت‌الله مؤسس

آیت‌الله حائری یزدی از شاگردان میرزای شیرازی است که پس از رحلت میرزای شیرازی، به نجف و پس از مدت کوتاهی از آنجا به کربلا رفت و اینجا بود که او لقب حائری را برای خود برگزید. (حائر در لغت به معنای گودالی است که در آن آب جمع می‌شود. زمین کربلا را حائر می‌نامند.)

وی به دعوت مردم سلطان‌آباد(اراک) به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۰۱ خورشیدی که به قم رفت، در حوزه علمیه اراک بود. آیت‌الله حائری به مدّت هشت سال در این حوزه تدریس کرد و در کنار مرجعیت، از پرورش استعدادهای طلاب جوان نیز غافل نبود. وی سپس از اراک قصد زیارت مشهد می‌کند و سر راه از قم می‌گذرد، ولی در قم به او اصرار می‌کنند که در شهر بماند و حوزه قم را احیا کند، البته شیخ پیشنهاد را رد می‌کند، اما در بازگشت از مشهد، علمای قم بار دیگر این پیشنهاد را تکرار می‌کنند و روایات منسوب به امام زمان را به یاد حاج‌شیخ می‌آورند که در آخرالزمان علم از قم طلوع می‌کند و به شیخ وعده یاری می‌دهند و سرانجام شیخ‌عبدالکریم حائری در قم می‌ماند و حوزه را احیا می‌کند. همین امر سبب شد که پس از آن آیت‌الله حائری را «آیت‌الله مؤسس» لقب دهند.

ملی شدن صنعت شیلات

□ وحید شفیعی / شیلات شمال و حق صید ایران از دریای خزر در طول تاریخ سرنوشت عجیبی را پشت‌سر گذاشته است. بزرگ‌ترین دریاچه جهان که روزگاری با اسم دریای کاسپین ـ قزوین ـ مرز میان ایران و همسایگان شمالی بود، زیستگاه یکی از منحصربه‌فردترین ماهی‌های جهان، تاس ماهی خاویاری است که مرغوب‌ترین خاویار جهان را در شکم خود می‌پروراند. ماهیان خاویاری در نیمه جنوبی این دریاچه زیست می‌کنند و بیش از ۱۵۰ سال صیادان ایرانی از صید آن محروم بودند.

صید ماهی برای مردمانی که در حاشیه دریا زندگی می‌کردند اهمیت بسیاری داشت؛ اما آنچه ماهی‌های دریای خزر به ویژه بخش جنوبی آن را ارزشمند می‌کرد، زندگی یکی از نایاب‌ترین گونه‌های ماهی‌های خاویاری در این منطقه بود که هر گرم آن ارزشی برابر با طلا داشت. بازرگانان روسی در دوران صفویه با توجه به ارزشی که ماهی‌های بخش جنوبی دریای خزر داشت با پرداخت مالیاتی کم برای نخستین بار حق صید در این بخش را به دست آوردند. میخائیل رومانف، بنیانگذار سلسله تزارهای روسی با استفاده از آشفتگی حاصل از مرگ شاه عباس سعی کرد بیشترین سود را از بازرگانی در دریای خزر به دست بیاورد؛ اما مرگ امان او را نیز گرفت و آلکسی، جانشینش به جای همسایگی مسالمت‌آمیز سعی کرد از تهییج قزاق‌های ناآرام دره رود دن از کرانه‌های جنوبی دریای خزر بهره ببرد که تا لنگرود پیش بروند و وضعیت این منطقه تا به تخت نشستن پتر اول که در تاریخ به «پتر کبیر» مشهور است، ادامه یافت. پتر که در آرزوی دست یافتن به آب‌های گرم از طریق ایران بود به جای نزاع سعی کرد از طریق دیپلماتیک وارد شود و با دولت ایران روابط تجاری گسترده‌ای را آغاز کرد؛ روابطی که تا دوران آغاز جنگ‌های ایران و روس با افت‌وخیزهای بسیاری همراه بود.

از حق کشتیرانی تا پیمان عبدل

جنگ‌های ایران و روس علاوه بر خرابی‌ها و آسیب‌هایی که به منطقه مرزی ایران زد، زمینه‌ساز یکی از ننگین‌ترین قراردادهای تاریخ ایران، عهدنامه ترکمانچای بود که به استناد یکی از مفاد آن حق کشتیرانی بر دریای خزر که سپاه ایران به سرداری شاهزاده عباس میرزا از آن دفاع کردند را به روس‌ها می‌داد. این بند از قرارداد ضربه بدی به بازار گیلان و به ویژه شهر رشت زد و آن را با افتی شدید روبه‌رو کرد. با آغاز سلطنت محمدشاه و به قدرت رسیدن میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی، او تلاش کرد بتواند بخشی از حق صید در دریای خزر را به صیادان گیلانی بدهد؛ اما با کشته شدن قائم‌مقام، روس‌ها با آگاهی از ضعف حکومت مرکزی ایران به دنبال تصاحب بیشتر در دریا شدند. حاج میرزا آقاسی در ابتدای به قدرت رسیدن تلاش کرد با دادن دستوری به حاکمان گیلان و مازندران جلوی صید بی‌حد روس‌ها را بگیرد؛ ولی با کسری بودجه و فقر عمومی ایرانیان از یک طرف و فشار سفارت روسیه در تهران این مقاومت شکسته شد و حق صید و بهره‌برداری از دریای خزر در قبال دریافت اجاره بهایی ناچیز معادل ۶ هزار و ۵۰۰ تومان در سال، به یکی از اتباع روسیه تزاری به نام «عبدل» واگذار شد. به همین دلیل پیمان مربوط به اعطای این امتیاز «پیمان عبدل» خوانده شد.

موازنه عدمی امیری و موافقت سپهسالاری

پیمان عبدل تا سال ۱۲۶۴ هجری قمری که ناصرالدین شاه قاجار به سلطنت رسید و امور کشور را به دست امیرکبیر سپرد، ادامه داشت. امیرکبیر که سیاست موازنه عدمی را در رأس برنامه اداری کشور قرار داده بود با لغو اجاره عبدل در ربیع‌الاول سال ۱۲۶۵ آن را برای چهار سال به میرزا ابراهیم‌خان دریابیگی واگذار کرد. لغو اجاره عبدل با واکنش شدید وزیر مختار روسیه مواجه شد. بر اساس اجاره‌نامه ابراهیم‌خان حق بهره‌برداری از آبزیان دریای خزر و رودخانه‌های بین آستارا و اترک را برای مدت چهار سال به دست می‌گرفت؛ اما از آنجایی که دریابیگی با کارشکنی روس‌ها مواجه شد از پرداخت قسط‌ها وا ماند و امیرکبیر با لغو قرارداد او این حق را به میرزا اسماعیل و محمد ولی بیک در ازای ۲۵ هزار تومان واگذار کرد.

اما مرگ امیرکبیر یک بار دیگر وضعیت حق صید در دریای خزر را دچار بحران کرد و نزاع سختی میان روس‌ها و ایرانی‌ها بر سر تصاحب آن در گرفت. این جنگ تا روی کار آمدن میرزا حسین سپهسالار ادامه داشت. سپهسالار که زمانی کارپرداز ایران در تفلیس بود برای به دست آوردن امتیاز بهره‌برداری از شیلات خزر اقدام کرد.

او بعد از رسیدن به مقام وزارت خارجه تلاش کرد اجاره ماهیگیری در دریای خزر را به نام خود کند و با اجازه ناصرالدین شاه حق بهره‌برداری از دریای خزر به مدت ۱۰ سال به سپهسالار سپرده شد. سپهسالار برای چند سال خود به شخصه بر اداره شیلات نظارت کرد؛ اما بعد از آن با پیشنهادی که از یک تاجر روس به اسم «پل شامیرویچ ملک بیگلروف» گرفت شیلات خزر را از رود آستارا تا رود اترک به مدت پنج سال در ازای ۵۰ هزار تومان در سال اجاره داد؛ اما با برکناری سپهسالار وضعیت اجاره شیلات شمال بار دیگر دچار تنشی تازه شد. ناصرالدین شاه آن را از میرزا حسین‌خان گرفت و به کامران میرزا پسرش واگذار کرد.

تاجری از آستاراخان

با مرگ سپهسالار و پایان یافتن اجاره‌نامه بیگلروف، کامران میرزا تصمیم گرفت تا از میان کسانی که درخواست اجاره شیلات دارند، یکی را انتخاب کند و قرعه به اسم «استپان مارتینوویچ لیانازوف» افتاد که از تاجران ارمنی آستاراخان بود.

لیانازوف چند سالی درباره صنعت شیلات شمال ایران تحقیق کرده بود و به مدت شش سال به مبلغ ۵۶ هزار تومان اجاره کرد. براساس شرط دوم این اجاره‌نامه، لیانازوف متعهد می‌شد که وجه اجاره را از بابت شیلات و عمل صید ماهی که در شرط اول مذکور است مبلغ ۶۵ هزار تومان پول قرانی رایج ایران در هر یک‌سال در دو قسط مساوی که عبارت از پانزدهم ماه ژوئن و پانزدهم ماه اوت سنوات آتیه بوده باشد به وکلای دولت علیه ایران در دارالخلافه تهران کارسازی کند. براساس این قرارداد لیانازوف اگر وجه اجاره را در مهلت داده شده پرداخت نکند باید تنزیل پس افتاده را از قرار تومانی یکصد دینار برابر ماهی ۱۱۲ دینار در هر سال کارسازی کند.

این قرارداد به امضای میرزا سعیدخان، وزیر امور خارجه و کامران میرزا رسید. هنوز زمان اجاره لیانازوف پایان نیافته بود که شش سال دیگر آن را تمدید کردند و او پذیرفت سالیانه ۶ هزار تومان به بهای اجاره بپردازد. این قرارداد چندین بار تمدید شد تا مرگ لیانازوف در سال ۱۹۰۳ که هنوز سه سالی از قرارداد باقی مانده بود. در این سال امین‌السلطان و پسر و وارث لیانازوف گئورکی قرارداد پنج ساله تازه‌ای بست که به اضافه هر سال هزار و نیم امپریال روسی باید پرداخت می‌شد.

لیانازوف، پسر پهنه اجاره خود را به دو بخش استرآباد و آستاراخان تقسیم کرد و صید در بخش ماهی‌های خاویاری را در دست خود گرفت و به ماهیگیران بومی اعلام کرد که تنها اجازه دارند ماهی حلال و فلس‌دار را صید کنند و اگر در تور آنها ماهی‌های بدون فلس را بگیرند باید به کمپانی تحویل دهند. این قرارداد تقریباً همزمان با قرارداد دارسی که امتیاز استخراج و بهره‌برداری از نفت ایران را به شرکت انگلیسی رویترز می‌داد، امضا شد و حق صید خاویار که مانند نفت یکی از سرمایه‌های ملی ایران بود را به لیانازوف‌ها می‌داد. بر اساس قانون کمپانی لیانازوف هیچ صیاد ایرانی حق صید ماهی‌هایی چون اسبله، اردک ماهی، ماش ماهی، شگ ماهی، مارماهی و سوف را نداشت.

جنگ جهانی اول و درگیری روسیه همزمان با جنگ در انقلاب داخلی، شرکت لیانازوف را نیز با مشکلاتی روبه‌رو کرد؛ به طوری که این کمپانی پیشنهاد تشکیل شرکت سهامی را به احمدشاه داد. با پیروزی انقلابیون در روسیه این اجاره‌نامه به تومانیانس واگذار شد؛ اما این پایان داستان لیانازوف‌ها و شیلات نبود.

در سال ۱۳۰۶ قرارداد جدید عقد شد و طبق آن بهره‌برداری از آبزیان آب‌های ایران در دریای خزر، برای مدت ۲۵ سال به شرکت مختلط ماهی ایران و شوروی واگذار شد. بر اساس این قرارداد حق‌الامتیاز سالیانه امتیازی که واگذار و از طرف کمپانی به دولت ایران پرداخت می‌شد، عبارت از ۸۰ هزار تومان در سال از عایدات مطلق کمپانی و تقسیم منفعت خالص بالمناصفه صدی پنجاه بین شرکا بود. شرکت مختلط ماهی ایران و شوروی در ۲۵ سال فعالیت خود زیان‌های بسیاری به زنجیره حیاتی و اقتصادی آبزیان زد و سبب کاهش ذخایر ماهی شد. بهمن سال ۱۳۳۱ در سالی که دولت مصدق سیاست اقتصاد بدون نفت را پیش گرفته بود، این قرارداد به پایان رسید و دولت ایران با درخواست روس‌ها برای تجدید قرارداد مخالفت کرد و به مردم شمال ایران این نوید را داد که شیلات شمال را ملی می‌کند. نخست‌وزیر در گفت‌وگو با سادچیکف، سفیر شوروی در ایران، او را از این تصمیم آگاه کرد و گفت: «این اقدام نباید باعث دلخوری شوروی شود. ما دیگر قرار نداریم که منابع خود را در اختیار دیگران بگذاریم. فروش تولیدات مازاد بر مصرف داخلی نه تنها مانعی نخواهد داشت، بلکه بر پایه بهای عادلانه جهانی و حفظ منافع ملی تشویق هم خواهد شد...»

در ۱۲ بهمن سال ۱۳۳۱ مجلس شورای ملی با تأسیس سازمانی به اسم «شیلات ملی ایران» موافقت کرد و این شرکت زیر نظر وزارت دارایی فعالیت خود را آغاز کرد. به دنبال آن تمام تابلوهای شرکت در شهرهایی چون بندرانزلی و رشت و لاهیجان به پایین آمد و مدارس تهران و دیگر شهرها به شکرانه این اتفاق ملی تعطیل شد و صیادان ایرانی بعد از بیش از ۱۵۰ سال تورهای خود را به اسم ایران به آب انداختند و از نعمتی که طبیعت به آنها اعطا کرده است، بهره گرفتند تا شیلات ایران از صادرات ماهی‌های خاویاری، گوشتی، تزیینی و گیاهان دریایی سالیانه درآمدی نزدیک به درآمد نفت داشته باشد.

تاریخ ایران

ناپدید شدن امام(ره)

□ مرتضی دخیلی / یکی از خاطرات خیلی جالب من، آن شب اوّلی است که امام وارد تهران شدند؛ یعنی روز دوازدهم بهمن.

شاید اطلاع داشته باشید و لابد شنیده‌اید که امام وقتی آمدند، به بهشت زهرا رفتند و سخنرانی کردند، بعد با هلی‌کوپتر بلند شدند و رفتند.

تا چند ساعت کسی خبر نداشت که امام کجا هستند! علّت هم این بود که هلی‌کوپتر، امام را در جایی که خلوت باشد برده بود؛ چون اگر می‌خواست جایی بنشیند که جمعیت باشد، مردم می‌ریختند و اصلاً اجازه نمی‌دادند که امام، یک جا بروند و استراحت کنند. می‌خواستند دور امام را بگیرند.

هلی‌کوپتر در نقطه‌ای در غرب تهران رفت و نشست، بعد اتومبیلی امام را سوار کرد. همین آقای «ناطق نوری» اتومبیلی داشتند، امام را سوار می‌کنند ـ مرحوم حاج‌احمد آقا هم بود ـ امام می‌گویند: مرا به خیابان ولی‌عصر ببرید؛ آنجا منزل یکی از خویشاوندان است. درست هم بلد نبودند؛ می‌روند و سراغ به سراغ، آدرس می‌گیرند، بالاخره پیدا می‌کنند ـ منزل یکی از خویشاوندان امام ـ بی‌خبر، امام وارد منزل آنها می‌شوند!

امام هنوز نماز هم نخوانده بودند ـ عصر بود ـ از صبح که ایشان آمدند ـ ساعت حدود نه و خرده‌ای ـ و به بهشت زهرا رفتند تا عصر، نه ناهار خورده بودند، نه نماز خوانده بودند، نه اندکی استراحت کرده بودند! آنجا می‌روند که نمازی بخوانند و استراحتی بکنند. دیگر تماس با کسی نمی‌گیرند؛ یعنی آنجا که می‌روند، با کسی تماس نمی‌گیرند. حالا کسانی که در این ستادهای عملیاتی نشسته بودند ـ ماها بودیم که نشسته بودیم ـ چقدر نگران می‌شوند! این دیگر بماند. چند ساعت، هیچ کس از امام خبر نداشت؛ تا بعد بالاخره خبر دادند که بله، امام در منزل فلانی هستند و خودشان می‌آیند، کسی دنبال‌شان نرود!

من در مدرسه رفاه بودم که مرکز عملیاتِ مربوط به استقبال از امام بود ـ همین دبستان دخترانه رفاه که در خیابان ایرانِ است که شاید شما آشنا باشید و بدانید ـ آنجا در یک قسمت، کارهایی را که من عهده‌دار بودم، انجام می‌گرفت؛ دو، سه تا اتاق بود. ما یک روزنامه منتشر می‌کردیم. در همان روزهای انتظار امام، سه، چهار شماره روزنامه منتشر کردیم. عدّه‌ای آنجا بودیم که کارهای مربوط به خودمان را انجام می‌دادیم.

آخر شب ـ حدود ساعت نه‌ونیم، یا ده بود ـ همه خسته و کوفته، روز سختی را گذرانده بودند و متفّرق شدند. من در اتاقی که کار می‌کردم، نشسته بودم و مشغول کاری بودم؛ ناگهان دیدم مثل اینکه صدایی از داخل حیاط می‌آید ـ جلوِ ساختمان مدرسه رفاه، یک حیاط کوچک دارد که محلّ رفت‌وآمد نیست؛ البته آن هم به کوچه در دارد، لیکن محلّ رفت‌وآمد نیست ـ دیدم از آن حیاط، صدای گفت‌وگویی می‌آید؛ مثل اینکه کسی آمد، کسی رفت. پا شدم ببینم چه خبر است. یک وقت دیدم امام از کوچه، تک و تنها به طرف ساختمان می‌آیند! برای من خیلی جالب و هیجان‌انگیز بود که بعد از سال‌ها ایشان را می‌بینم ـ پانزده سال بود، از وقتی که ایشان را تبعید کرده بودند، ما دیگر ایشان را ندیده بودیم ـ فوراً در ساختمان ولوله افتاد؛ از اتاق‌های متعدد ـ شاید حدود بیست، سی نفر آدم، آنجا بودند ـ همه جمع شدند. ایشان وارد ساختمان شدند. افراد دور ایشان ریختند و دست ایشان را بوسیدند. بعضی‌ها گفتند که امام را اذیت نکنید، ایشان خسته‌اند.

برای ایشان در طبقه بالا اتاقی معین شده بود ـ که به نظرم تا همین سال‌ها هم مدرسه رفاه، هنوز آن اتاق را نگه داشته‌اند و ایام دوازده بهمن، گرامی می‌دارند ـ به نحوی طرف پله‌ها رفتند تا به اتاق بالا بروند. نزدیک پاگرد پله که رسیدند، برگشتند طرف ما که پای پله‌ها ایستاده بودیم و مشتاقانه به ایشان نگاه می‌کردیم. روی پله‌ها نشستند؛ معلوم شد که خود ایشان هم دل‌شان نمی‌آید که این بیست، سی نفر آدم را رها کنند و بروند استراحت کنند! روی پله‌ها به قدر شاید پنج دقیقه نشستند و صحبت کردند. حالا دقیقاً یادم نیست چه گفتند. به هر حال، «خسته نباشید» گفتند و امید به آینده دادند؛ بعد هم به اتاق خودشان رفتند و استراحت کردند. (گفت و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴)

تاریخ حماسه

آبادان در محاصره

□ حمیدرضا میری / ارتش عراق پس از ناکامی در تصرف سریع خوزستان و محاصره اهواز، همه تلاش خود را برای تسلط بر رودخانه اروند و تصرف خرمشهر و جزیره آبادان به کار گرفت.

نیروهای عراقی پس از اشغال خرمشهر در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۴، با پرهیز از عملیات دشوار عبور از رودخانه اروند و با بهره‌گیری از تجربه تلخ و سخت عبور از سد مدافعان خرمشهر، از حمله مستقیم به آبادان خودداری کردند و ترجیح دادند آبادان را ابتدا محاصره و سپس تصرف کنند؛ بنابراین مانور محاصره آبادان را از مرز شلمچه به سمت کارون و عبور از رودخانه و سپس پیشروی به سوی بهمنشیر طراحی کردند. بر اساس این مانور، می‌بایست واحدهایی از ارتش از منطقه مارد (در ۱۲ کیلومتری شمال آبادان) و شمال آن از رودخانه کارون عبور می‌کرد و با تصرف دو جاده آبادان ـ اهواز و آبادان ـ ماهشهر و استقرار در شمال رودخانه بهمنشیر، آبادان را به محاصره در می‌آوردند.

نیروهای عراقی با اجرای این مانور احاطه‌ای، در گام بعدی با هدف رخنه به جزیره آبادان در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۸ در مقابل کوی ذوالفقاری بر روی رودخانه بهمنشیر پل شناور نصب کردند. صبح روز بعد دو گردان از نیروهای عراقی با استفاده از غفلت مدافعان آبادان از منطقه ذوالفقاری و خاکستان وارد آبادان شدند، اما با مقاومت سرسختانه نیروهای مردمی، سپاه و ارتش روبه‌رو شده و با دادن تلفات ناگزیر به عقب‌نشینی به شمال رودخانه بهمنشیر شدند.

با استقرار نیروهای عراقی در این منطقه و محاصره آبادان، تنها راه دسترسی به شهر و جزیره آبادان به مسیرهای دریایی و سپس جاده منشعب از محور ماهشهر ـ آبادان (از طریق خور کویران چوبیدر به نام جاده وحدت) محدود شد.

با مسدود شدن راه‌های زمینی و آتشباری مداوم توپخانه دشمن بر روی شهر آبادان و محاصره این شهر، ساکنانی که هنوز در آبادان مانده بودند، زندگی سختی را می‌گذراندند، اما از روحیه خوبی برخوردار بودند و ادارات اصلی مانند فرمانداری، شهرداری، آب و برق و مخابرات به کار روزانه خود مشغول بودند. برگزاری هفتگی نماز جمعه شهر به امامت آیت‌الله جمی امام جمعه شهر و حضور دائمی ایشان در شهر و تلاش نامبرده در تشویق مردم و مدافعان شهر به ایستادگی و مقابله با دشمن از عوامل مهم تداوم اراده مقاومت در روحیه مردم و مدافعان آبادان بود.

هر چند در سایه مقاومت‌هایی که صورت گرفت، ارتش عراق از جزیره آبادان عقب رانده شد، اما حضور نیروهای عراقی در شمال جزیره همچنان تهدیدکننده بود؛ به همین دلیل نیروهای حاضر در منطقه برای جلوگیری از حرکت احتمالی ارتش عراق سه جبهه را شامل جبهه آبادان، جبهه دارخوین و جبهه ماهشهر در مقابل آن گشودند.

در دوره محاصره شهر آبادان، نیروهای ایران پنج عملیات را به شرح ذیل در منطقه شرق رود کارون انجام دادند:

۱ـ عملیات سه راهی آبادان، در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۹، ۲ـ عملیات توکل، در تاریخ ۱۳۶۰/۱۰/۲۰، ۳ـ عملیات تپه‌های مدن، در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۲۵، ۴ـ عملیات فرمانده کل قوا، در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۱، ۵ـ عملیات شهید چمران، در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۴.

این عملیات‌های ایذایی و محدود اگرچه به آزادسازی مناطق اشغالی منجر نشد، اما در سلب آرامش و فرسایش قوای دشمن، جلوگیری از تمرکز نیروهای ارتش عراق و جلوگیری از توسعه سرپل اشغالی آنها در شرق کارون تأثیر چشمگیری داشت.

تاریخ جهان

سبک زندگی گاندی

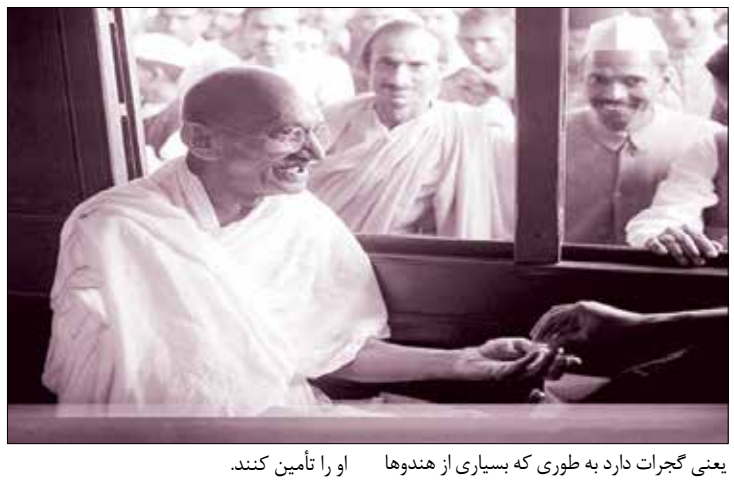

□ مهدی دنگچی / مهانداس کارامچاند گاندی، رهبر سیاسی و معنوی هندی‌ها که هند را در راه آزادی از استعمار امپراتوری بریتانیا رهبری کرد در طول زندگی‌اش استفاده از هر نوع ترور و خشونت برای رسیدن به مقاصد را رد کرد.

از زمانی که وی مسئولیت رهبری نبرد برای آزادی و کنگره ملی هند در سال ۱۹۱۸ (۱۲۹۶) را به عهده گرفت، نمادی ملی شناخته شد و میلیون‌ها نفر از مردم از او با لقب «ماهاتما» یا «روح بزرگ» یاد می‌کردند. هر چند که او از القاب افتخارآمیز بیزار بود؛ ولی امروز همه او را با نام ماهاتما گاندی می‌شناسند. سوای اینکه بسیاری او را یکی از بزرگ‌ترین رهبران تاریخ تلقی می‌کنند، مردم هند از او با عنوان «پدر ملت» یا باپو (در هندی به معنای پدر) یاد می‌کنند. زادروز وی در هند، تعطیل ملی است و گاندی جایانتی نام دارد.

گاندی توانست با استفاده از شیوه ضد خشونت، نافرمانی مدنی استقلال هند را از بریتانیا بگیرد و در نهایت دست امپراتوری بریتانیا را از هند کوتاه کند. شیوه مقاومت آرام وی به مستعمرات دیگر هم نفوذ کرده و آنها را در راه استقلال میهن خود تشویق می‌کرد. اصل ساتیاگراهای گاندی روی بسیاری از فعالان آزادیخواه مانند دکتر مارتین لوترکینگ، تنزین گیاتسو، لخ والسا، استفان بیکو، آنگ سان سو کی و نلسون ماندلا تأثیر گذاشت؛ البته همه این رهبران نتوانستند کاملاً به اصل سخت ضدخشونت و ضدمقاومت وی وفادار بمانند.

گاندی در دوران کودکی گوشت خوردن را تجربه کرد؛ چرا که اولاً، فردی کنجکاو بود و ثانیاً، دوست صمیمی وی «شیخ مهتاب» او را به خوردن گوشت ترغیب می‌کرد. ایده گیاه‌خواری و نخوردن گوشت ریشه‌های عمیقی در آداب و سنن هندوها و جائین‌ها در هند و سرزمین مادری هند، یعنی گجرات دارد به طوری که بسیاری از هندوها گوشت نمی‌خوردند و خام‌خوار بودند و خانواده گاندی هم مستثنی نبودند. گاندی پیش از رفتن به لندن برای ادامه تحصیل به مادرش، پوتلی بایی و عمویش، بچارجی سوامی، قول داد که در لندن لب به گوشت نزند، الکل مصرف نکند و درگیر بی‌بندوباری جنسی نشود. او به امساک خویش پایبند ماند و به جای تلاش برای تعیین نوع خوراک به ارائه فلسفه‌ای همت گماشت که در طول زندگی آن را مبنای امور خود قرار دهد. وقتی به میانسالی رسید یک خام‌خوار تمام عیار بود. وی مقاله‌ای در این باره نوشت که بخش‌هایی از آن در نشریه انجمن خام‌خواران لندن بنام گیاه‌خواری منتشر شد. در این ایام افراد صاحب‌نظر بسیاری به او الهام دادند و حتی با رئیس انجمن خام‌خواران لندن، دکتر ژوسیا اولد فیلد دوست شد.

او مدت‌های طولانی روزه می‌گرفت و از آن مانند یک ابزار مبارزه استفاده می‌کرد. با اعتصاب غذا آن‌قدر به مخالفان فشار می‌آورد تا خواسته‌های او را تأمین کنند.

گاندی مجدانه بر این باور پافشاری می‌کرد که فردی که به جامعه خدمت می‌کند باید زندگی ساده‌ای داشته باشد و این ساده‌زیستی را در آیین برهمایی جاری می‌انگاشت. او با رد زندگی به شیوه غربی روند ساده‌زیستی را در پیش گرفت و از آن به تلاش برای رسیدن به نقطه صفر یاد می‌کرد و به این ترتیب هم در هزینه‌های غیرضروری صرفه‌جویی می‌کرد و هم ساده‌زیستی را دنبال می‌نمود. او حتی لباس‌هایش را خودش می‌شست.

گاندی در هر هفته یک روز را روزه سکوت می‌گرفت. امتناع از حرف زدن را مایه آرامش درونی می‌انگاشت. این آموزه را هم از آیین برهما و اصل موناشافتی، یعنی سکوت و آرامش داشت. او در ایام سکوت با نوشتن برروی کاغذ، با دیگران ارتباط برقرار می‌کرد. گاندی از ۳۷ سالگی به مدت سه سال و نیم از خواندن روزنامه‌ها خودداری کرد و اظهار می‌داشت وضعیت نابهنجار جهان و امور جهانی آرامش درونی او را به هم می‌زند. او در بازگشت به هند و اشتغال به شغل حقوقی از پوشش غربی دست برداشت. او لباسی بر تن کرد که مورد قبول فقیرترین افراد در هند بود و از پارچه تولیدی داخل موسوم به خادی استفاده می‌کرد. گاندی و پیروانش پارچه لباس‌های‌شان را از نخی که خود می‌رشتند تهیه می‌کردند و دیگران را نیز به این کار تشویق می‌نمودند. در حالی که بیشتر کارگران هندی بیکار بودند، لباس‌های مورد نیازشان را از تولیدی‌های صنعتی تحت تملک انگلیسی‌ها خریداری می‌کردند.

گاندی معتقد بود؛ چنان که هندی‌ها لباس‌های خود را خودشان با چرخ نخ‌ریسی بدوزند، بهتر از این است که از پارچه فاستونی انگلیسی باشد و با این کار ضربه اقتصادی سنگینی بر پیکره استعمارگران انگلیسی در هند وارد خواهند آورد. به این ترتیب علامت چرخ نخ‌ریسی بر روی پرچم کنگره ملی هند نقش بست.

در سی‌ام ژانویه سال ۱۹۴۸ میلادی «ناتورام ویناپاک گودسه» ناسیونالیست‌های افراطی هندو که معتقد بود روابط گسترده با پاکستان به اقتدار هندوستان لطمه زده است، با شلیک سه گلوله مهاتما گاندی، رهبر سیاسی و معنوی مردم هندوستان را به قتل رساند. محاکمه گودسه در بیست‌وهفتم ماه می سال ۱۹۴۸ آغاز شد. آخرین دفاعیات او در پنجم فوریه انجام شد و متن آن بعدها با عنوان «چرا گاندی را کشتم؟» انتشار یافت. محاکمه ناتورام گودسه در دهم فوریه سال ۱۹۴۹ پایان یافت و او به اعدام محکوم شد.

جواهر لعل نهرو و دو پسر گاندی خواهان تبدیل حکم گودسه به حبس ابد بودند و اعدام او را بی‌احترامی به مخالفت گاندی با مجازات مرگ برمی‌شمردند؛ اما اعتراض معترضان نتیجه نداد و به حکم محکمه گودسه در پانزدهم نوامبر سال ۱۹۴۹ به دار آویخته شد.

چرایی زحمت دنیای محدود

آیت‌الله مصباح یزدی گفت: عده‌ای مادی‌گرا و عده‌ای دیگر الهی فکر و عمل می‌کنند، اینکه اخلاق ویژگی‌هایی در اسلام دارد به دلیل جهان‌بینی آن است. اصل اختلاف و ریشه اختلافات در ارزش‌ها در جهان‌بینی انسان‌ها است، انسان باید بداند که عالم آفریدگار دارد، زندگی انسان منحصر در دنیا نیست. زندگی نامحدود قیامت ساخته شده زندگی محدود دنیوی است. اگر انسان می‌خواهد در قیامت سعادتمند باشد، باید در این دنیا زحمت بکشد. کسب ایمان و تقویت جهان‌بینی دینی انسان را به سمت ارزش‌های اخلاقی الهی و اسلامی سوق می‌دهد.

بازنگاه صبح صادق به ریشه‌ها و تبعات طرح مسئله نقد معصوم از منظر فقهی و عقلی

آیا معصوم را می‌شود نقد کرد؟

□مهدی عامری/ طبق آیه شریفه «لقد کان لکم فی رسول‌الله أسوه حسنهٔ لمن کان یرجوا الله و الیوم الاخر و ذکر الله کثیراً» (احزاب/ ۲۱) حضرت رسول(ص) الگوی کامل بشر در تمام ابعاد انسانی است. زندگی فردی و اجتماعی، عبادت و معنویت، اخلاق و منش او و تمام بخش‌های زندگی ایشان سرمشق مؤمنان و انسان‌های آزاده است.

ریشه این اسوه بودن، به عصمت ایشان و ارتباط خاص ایشان با پروردگار برمی‌گردد. طبق اعتقاد قاطبه علمای شیعه، انبیا و امامان قبل و بعد نبوت و امامت، از هرگونه گناه و خطا و سهو و نسیان معصوم هستند و در رفتار و گفتار آنها نه تنها کذب و گناه راه ندارد؛ بلکه اشتباه و فراموشی نیز از ایشان به دور است. به همین دلیل است که می‌توان با طیب خاطر و آرامش روانی کامل، جان و زندگی خویش را برای رسیدن به خوشبختی و رستگاری به ایشان سپرد و مطمئن بود که مسیر درست موفقیت همین راه است. اصولاً اگر چنین نبود و انبیا عصمت نداشتند، فلسفه ارسال رسولان الهی محقق نمی‌شد و غرض و هدف از بعثت انبیا نقض می‌شد که نتیجه آن نقض حکمت الهی است که چون امری محال است، پس در واقع حکمت خداوند اقتضا می‌کند برای نیل به مقصود رسالت انبیا، ایشان معصوم هم باشند.

بر این مبنا قول و فعل پیامبر(ص) حجت بوده و یکی از مهم‌ترین منابع استنباط احکام است. جنبه‌های گوناگون زندگی حضرت رسول(ص) چون چراغ روشنی است که تمسک و توسل به آنها، انسان را تا اوج کمال سوق می‌دهد. از این رو، هم یک فرد عادی جامعه می‌تواند و باید به ایشان تأسی کند و هم یک حکمران و مسئول جامعه باید از این منبع فیض الهی توشه بردارد.

البته، روشن است در این راه کسی به گرد پای حضرت رسول(ص) هم نخواهد رسید، چه آنکه مقامات معنوی ایشان به حدی است که ملائک مقرب الهی نیز در آن عرصه بال و پرشان دود می‌شود؛ اما تلاش مؤمنان باید چنین باشد که تا حد امکان خود را به سیره ایشان نزدیک و نزدیک‌تر کنند.

پیامبر(ص) رسالت هدایت مردم را بر عهده دارد و در این مهم، با رأفت و سعه‌صدر می‌کوشد تا حتی به جاهلان و معاندانی که قلب‌شان سنگ شده نیز راه را نشان دهد.

در این باره ماجراهای متعددی از سیره ایشان نقل شده که حضرت در برابر بدی‌ها و نامهربانی‌ها با احسان و خوبی واکنش نشان می‌دادند. مشهور است که روزی خاتم رسولان از کوچه‌ای عبور می‌کرد، فردی از پنجره خانه طشتی از خاکستر بر سر مبارک آن حضرت ریخت؛ در این حال، دشمنان پیامبر خندیدند و فریاد زدند و اشعار بدی را خواندند و منتظر واکنش پیامبر شدند؛ ولی با شگفتی مشاهده کردند آن حضرت به آرامی خاکسترها را از خود دور کرد و ضمن پاک کردن جامه خویش با مهربانی به مردم نگریست!

روزهای بعد، این عمل تکرار شد و هر بار آنان با شکیبایی، بردباری و ملایمت پیامبر مواجه شدند. یک روز که پیامبر(ص) از کوچه عبور می‌کرد، مشاهده کرد چیزی بر سرش ریخته نشد، از جوانی پرسید: این فردی که بر سرم خاکستر می‌ریخت، کجاست و چه وضعی دارد؟ جواب پاسخ داد: او اکنون در بستر بیماری به سر می‌برد. رسول اکرم(ص) به عیادت وی رفت و از حالش جویا شد و برای شفایش دعا کرد. بار سنگین خجالت و شرمساری بیش از بیماری، او را اذیت می‌کرد؛ در حالی که به شدّت می‌گریست و ابوجهل را به عنوان محرّک رفتار بد خویش معرّفی می‌کرد، لحاف را از روی خود کنار زد و خطاب به پیامبر عرض کرد: می‌خواهم مسلمان شوم؛ آیا لیاقت آن را دارم؟ رحمت عالمیان با مهربانی فرمود: آری! در این حال، فردی که به بهترین انسان روی زمین آزار می‌رساند، اسلام آورد و عهد کرد تا آخر عمر در کنار پیامبر باشد و با دشمنان اسلام و قرآن مبارزه کند.

این‌گونه رفتارها در برابر ناسزا گفتن، اهانت کردن و گاه سنگ انداختن و آزار رساندن به ایشان، بارها مشاهده و در تاریخ ثبت شده است. همین‌گونه رفتارها از دیگر ائمه، از جمله امام حسن مجتبی(ع) نیز گزارش شده است. همان‌گونه که خود ایشان فرموده‌اند، یکی از اهداف بعثت ایشان تتمیم و تکمیل مکارم اخلاق بوده است و خود ایشان قبل از تبلیغ و ترویج آن، عامل به این مکارم اخلاقی بوده است.

در مواجهه با واکنش‌های ائمه آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، شرح صدر و صبوری و رحمت ایشان است و این نکته را نباید از نظر دور داشت که همین فضایل اخلاقی است که باید از رفتارِ ایشان الگوبرداری شود. این برداشت کاملاً نادرستی از این‌گونه روایات است که چون پیامبر در برابر رفتارهای نادرست جاهلان و افراد خاطی واکنش بزرگ‌منشانه نشان می‌داد، پس می‌شود به پیامبر و معصوم حتی اهانت کرد و ناسزا گفت!

شبیه همین برداشت را برخی درباره انتقاد به پیامبر و ائمه(ع) نیز مطرح کرده‌اند! که چون عده‌ای در برابر رسول خدا لب به اعتراض و انتقاد می‌گشودند، پس می‌شود در حضور معصوم هم نقادی کرد!

در این زمینه ضمن تکرار پاسخ فوق، باید معنای دقیق «می‌شود» را تبیین کرد. گاه «می‌شود» در معنای تکوینی به کار می‌رود، یعنی اگر کسی بخواهد به پیامبر انتقاد کند و حتی ناسزا بگوید، طبق طبیعتش می‌تواند سخن بگوید! از آنجا که دنیا بر اساس نظام سبب و مسببات خلق شده، معجزه و نفرین و در برابر طبیعت با ولایت تکوینی عمل کردن امری استثنا و در برخی مواقع است. با این معنا «می‌شود» یعنی طبق خلقت طبیعی توانایی سخن گفتن و ناسزا گفتن در افراد وجود دارد.

اما آیا کاربرد «می‌شود» به معنای تشریعی یا اخلاقی و یا کلامی هم در این باره صحیح است؟ یعنی طبق استدلالات کلامی می‌توان نقدی به معصوم وارد کرد؟

چنانکه در معنای عصمت گذشت، کسی که چنین عصمتی را بپذیرد، نقد معصوم اصلاً برایش بی‌معنا و غیرقابل تصور است! اگر قرار باشد معصومی مورد امر به معروف و نهی از منکر قرار گیرد به این معناست که آن فرد منتقد، عصمت را به معنای دیگری تنزل داده است!

در نقد، شخص منتقد این ادعا را دارد که از فردی که مورد انتقاد قرار می‌گیرد، یا در آن موضوع علم بیشتری دارد و یا حداقل همان اندازه علم دارد، چرا که اگر علم و تخصصی در این باره نداشت، یقینا لب به انتقاد نمی‌گشود و اگر چنین کند نشان از ضعف اوست! اگر از این مطلب چشم‌پوشی شود، شخص منتقد از آن نظر که در رفتار و گفتار فرد مقابل خود نقص یا خللی دیده به خود اجازه انتقاد داده است که معصوم از همه این امور بری است.

درباره حضرت رسول(ص)، قرآن می‌فرماید ایشان حرفی جز سخنِ خدا نمی‌گوید؛ «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الأَقَاوِيلِ لأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ»؛ اگر پیامبر بعضی گفتارهای ساختگی را به ما نسبت دهد، قطعاً او را با قدرت (و به قهر) می‌گرفتیم. سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم. (حاقه/ ۴۴ و ۴۵) یا در سوره نجم می‌فرماید که جز وحی از دهان پیامبر(ص) بیرون نمی‌آید. اگر کسی متفطن این مقام نبوی باشد، چگونه به خود اجازه نقد رسول خدا را می‌دهد که نقد ایشان در واقع نقد خداست!

از آنجا که معصوم علم کل است و از باب وجوب سؤال از اهل ذکر، گاه رفتار یا گفتار معصوم برای برخی قابل فهم نیست و برای رفع جهالت خویش یا حتی اطمینان قلبی، پرسشی از پیامبر یا امام معصوم(ع) مطرح می‌کند و از آنجا که پیامبر و امام وظیفه هدایت بشر را بر عهده دارند باید به آن پرسش پاسخ دهند.

نکته مهم دیگر آن است که طبق آنچه از روح کلی اسلام برمی‌آید، برای هدایت و به سعادت رساندن انسان‌ها نمی‌توان به زور و استبداد متوسل شد؛ بلکه باید با لحاظ اختیار انسان، راه و چاه را به او نشان داد. اصولاً این‌گونه که از روایات برمی‌آید چه بسا استبداد رأی از گناهان کبیره باشد و عصمت پیامبر و امام را مخدوش کند. لذا اگر پیامبر در برابر سخنان غلط و بی‌پایه برخی افراد مستبدانه برخورد نمی‌کند و به تخریب‌ها و اهانت‌ها و انتقادات افراد گوش می‌دهد، از باب جواز دادن به آنها نیست؛ بلکه این مسئله به خلق و خوی عظیم پیامبر برمی‌گردد. که اولاً، ایشان اسوه اخلاقی است و رحمت للعالمین است و شرح صدر ایشان زبانزد است؛ لذا این فضیلت‌های اخلاقی پیامبر، جواز هتاکی‌های طرف مقابل را صادر نمی‌کند.

ثانیاً، پیامبر باید بر بستر اختیار و فطرت بشری رسالت خویش را انجام دهد؛ لذا این به معنای به رسمیت شناختن آزادی و دوری پیامبر از استبداد است و لذا نمی‌توان باز از آن جواز هتاکی و انتقاد بیرون کشید که چه بسا با سوء اختیار صورت گرفته باشد.

نهایت اینکه آنچه مهم است الگوبرداری از رفتار پیامبر(ص) است که حاکمان جامعه اسلامی باید در برابر افراد جامعه شرح صدر و رأفت داشته باشند و با اخلاق خوش و رحیمانه با مردم برخورد کنند و تحمل نقد و حتی تخریب را داشته باشند. یقیناً این به معنای پذیرش رفتارهای مجرمانه و هتاکانه نیست، آنچه اهمیت دارد وظیفه حاکم جامعه اسلامی است که باید اسوه‌اش پیامبر مکرم باشد.

از سوی دیگر یکی از وظایف حاکم جامعه اسلامی هدایت افراد و نشان دادن راه سعادت و بهشت به آنان است، چنانکه پیامبر(ص) در این مسیر چنان به خود سختی می‌داد و بر هدایت مردم حریص بود که خداوند به ایشان فرمود: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»؛ شاید تو از غصه و غم و اندوه خود را تلف می‌کنی و می‌کشی، برای اینکه این کفار و مشرکان ایمان نمی‌آورند. (شعرا/ ۳)

گمراهی و ضلالت هر فردی برای حاکم جامعه اسلامی باید گران باشد، همان‌گونه که پیامبر اعظم این اسوه حسنه این چنین بود. حاکمی که با این تفکر حکومت کند که بهشت بردن مردم، وظیفه حکومت نیست، یقیناً با سیره پیامبر(ص) فاصله بسیاری دارد و به همین دلیل است که در روایاتی که مواجهه مردم با پیامبر را بازگو می‌کنند به جای آنکه سعه صدر نبوی را سرمشق خود قرار دهد، طرف منتقد و هتاک را الگو قرار می‌دهند و به گونه‌ای سخن می‌گوید که از سخنانش بوی جواز نقد معصوم به مشام می‌رسد!

در واقع، خواص و فرهنگ‌سازان جامعه اسلامی باید به گونه‌ای مردم را تعلیم دهند که نقد معصوم برای آنها، عملی مذموم و ناشایست تلقی شود، چرا که این عمل، یا از نقص ایمان ناشی می‌شود، یا از نقص معرفت نسبت به معصوم و یا از لجاجت و عناد که اینها همگی اموری ناپسند و شایسته درمان است. اگر از کلام شخصی هم چنین برداشت شود که انتقاد به معصوم را ترویج کرده یا حتی آن را امری ممدوح جلوه دهد، او نیز به این آفات گرفتار است و یا در بهترین حالت در ارائه مطلب موفق نبوده است و معلوم نکرده از چه منظری بیان داشته که در زمان معصوم نیز می‌شود نقد انجام داد!

اگر شخصی از پیامبر این‌گونه پرسش کند که آیا فرمایشی که می‌کنید از جانب خداست، یا نظر شخصی خود شماست؟ یا از روی لجاجت و عناد قصد دارد این گونه سخن بگوید که پیامبر حرف‌هایی نادرست هم می‌زند، یا آنکه قصدش دشمنی نیست، اما از جایگاه رسول خدا اطلاع ندارد و رفعت مقام او را درک نمی‌کند که در هر صورت کارش مذموم است. البته ممکن است چنانکه گذشت پیامبر(ص) به همین فرد هم روی خوش نشان دهد و با او مماشات کند، به طوری که با بدتر از آن نیز چنین کرد.

به هر ترتیب، سخنرانان هنگامی که سخن می‌گویند باید دقیق باشند و حیثیت بحث خود را مشخص کنند تا به خصوص در فضای سیاست‌زده سخنان‌شان حاشیه درست نکند!

نقطه‌نظر

نشانه‌های نفاق ـ ۲

غفلت از اراده خدا

□ آیت‌الله خسروشاهی/ آن‌وقت که حال مرگ پیدا می‌شود، اینجا دیگر سر و کارش با مردم نیست؛ بلکه آنچه را که در قلبش وارد شده، می‌گوید. این است که مرحوم امام(ره) خیلی به این مسئله اهمیت دادند و فرمودند: «ای مدعی ایمان و خضوع قلب در بارگاه ذوالجلال»؛ یعنی من خاک راه تو هستم. من را از خاک آفریدی و منم خاکی هستم و برای تو سجده می‌کنم. «اگر قلبت یکی‌پرست و یکی‌طلب است و الوهیت را جز برای ذات خدای تعالی ثابت ندانی، اگر قلبت موافق با ظاهرت است و باطنت موافق با دعویت است، چه شده که از برای اهل دنیا این‌قدر قلبت خاضع است؟»؛ اهل دنیا یعنی کسی که زری یا زیوری دارد، مثل اینکه قلب ما چقدر مایل به ماشین یا آپارتمانی که حسرتش را می‌کشیم، می‌باشد! «چرا پرستش آنها را می‌کنی؟ جز این است که آنها را مؤثر در این عالم می‌دانی؟» اگر صاحب قدرت یا تمکن و ثروتی یا صاحب وسایل و اسباب یا اشخاصی که در دل انسان جای دارند، آیا اینها برای انسان واقعاً کارا هستند، یا نه دست دیگری است که در آن قالب‌ها کار او را راه انداخته است؟ از دست سرمایه‌دار یا فلانی به او یک خدمتی شده، از آن ساختمان شهردار به او امنیتی داده شده، تمام اینها آیا نعمت او هستند یا نه؟ البته که نعمت او هستند. لذا نباید به آنها دل بست؛ بلکه باید یکتاپرست شد.

امام راحل می‌فرماید: «جز این است که آنها را مؤثر در این عالم می‌دانی، چیزی را که کارکن در این عالم نمی‌دانی اراده حق تعالی است.» (شرح چهل حدیث، ح ۹، ص ۱۶۱) شما و من بنده جاهلِ روسیاه یک هفته روی این عبارت فکر کنیم، ببینیم راست است یا نه؟ چون به آسانی آدم نمی‌فهمد که چه کاره است.

گفت‌وگوی هفته

کارگردان مستند «تنها میان طالبان» در گفت‌وگو با صبح صادق

نقد درون گفتمانی و ارائه راهکار، رسالت مستندسازان انقلابی است

□امین نوری/ «محسن اسلام‌زاده» مستندساز و تدوین‌گری است که توانسته در حوزه‌های مهمی که مورد نیاز انقلاب اسلامی است آثاری تولید کند. او که متولد سال ۱۳۵۹ در مشهد است، آثاری همچون؛ «تنها میان طالبان»، «اسرار زندان ابوسلیم»، «اهل سنت ایران»، «به دنبال صلح»، «روز ناتمام من»، «فرمانده» و... را در کارنامه فعالیت‌های هنری خود دارد؛ مستندهایی که توانسته افتخاراتی را هم برای او در جشنواره‌های بین‌المللی داشته باشد.

وی که بیشتر در حوزه جهان اسلام، نقد درون‌گفتمانی و انقلاب اسلامی و... به تولید آثار مستند پرداخته، در دیدار اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای با جوانان مستندساز انقلابی هم حضور داشته است. در ادامه با او همراه شدیم تا ضمن شناخت بیشتر از او و آثارش و صحبت درباره دیدار مستندسازان با رهبر معظم انقلاب، گذری هم بر مستندسازی انقلاب و نقد درون‌گفتمانی داشته باشیم. در ادامه توجه شما را به این گفت‌وگو جلب می‌کنیم.

***پیش از هر صحبتی کمی درباره آثارتان توضیح دهید.**

مستند «تنها میان طالبان» در ژانر مستند بحران یک اتفاق مهم و تقریباً منحصربه‌فرد بود. این مستند برای اولین بار در نهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت روی پرده رفت و در بخش مستند نیمه‌بلند، تندیس شهید آوینی را از آن خود کرد. همچنین برنده بهترین فیلم بخش مستند دوازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «ماربیا» شد. در فهرست فروش شرکت پخش فیلم اسپرسو در انگلستان قرار گرفت. در سال ۲۰۱۷ برابر اعلام نظر هیئت داوران، متشکل از مارگریت روریسون، شیلا ویلسون و دنی لونتال جایزه بهترین فیلم بلند مستند را در جشنواره بین‌المللی فیلم آتن دریافت کرد. همچنین در بخش مسابقه جشنواره‌های آسیاپاسیفیک ۲۰۱۶، حقوق بشر میلان ایتالیا ۲۰۱۷، اسماعیلیه مصر ۲۰۱۷ و تین لاین ایالت تگزاس آمریکا ۲۰۱۷ شرکت داشت.

مستند «اسرار زندان ابوسلیم» با موضوع زندانی به همین نام در دوران حکومت دیکتاتوری معمر قذافی ساخته شد.

مستند «اهل سنت ایران» هم بیش از دو میلیون بازدید در یوتیوب داشته است.

مستند «به دنبال صلح» را نیز در سوریه و لبنان تولید کردم که ۲۴ شهریور ۱۳۹۴ با حضور بهروز افخمی در حوزه هنری رونمایی شد.

«روز ناتمام من» و «فرمانده» هم آثار دیگر بنده بود که در جریان ساخت آنها در ۸ فروردین ۱۳۹۴ در نزدیکی تکریت در یکی از آخرین عملیات‌های پاکسازی داعش از این منطقه، بر اثر انفجار یک گلوله آرپی‌جی مجروح شدم. مستند «آقای دادستان» را هم درباره شهید لاجوردی ساختم و مستند دیگری هم با موضوع عملیات نیروی زمینی سپاه برای هلاکت یکی از اشرار با نام «قصر قند» تولید کردم و همچنین چند اثر دیگر...

***لطفاً درباره اثر مهم و تأثیرگذار «تنها میان طالبان» بیشتر توضیح دهید و بفرمایید چرا برای تولید چنین اثری اقدام کردید؟**

جرقه تولید «تنها میان طالبان» در عید سال ۱۳۹۰ که برای ساخت مستندی درباره شهدای کنسولگری به افغانستان سفری داشتیم، در ذهنم کلید خورد. در واقع، موضوع طالبان آنجا برای من جذاب شد. برای اینکه بتوانم از القاعده یا طالبان مستند تهیه کنم، تقریباً چهل ماه پیگیری کردم و چند سفر به افغانستان داشتم، تا اینکه در سال ۱۳۹۳ پس از ۴۰ ماه پیگیری توانستم به میان طالبان بروم و یک کار خوب را بسازم. حدود ۱۵ روز میان آنها بودم و این کار را در پاییز ۱۳۹۴ در جشنواره سینما حقیقت رونمایی کردیم.

***درباره طالبان و چیستی و چرایی ظهور و بروز این گروه بگویید و اینکه چرا به سمت این گروه رفتید؟**

ما مرز مشترک زیادی با افغانستان داریم و در منطقه ما هم گروه‌های جهادی بسیاری حضور دارند که تأثیرگذارند، مانند القاعده طالبان و دیگر گروه‌های تکفیری و غیر تکفیری یا جهادی که سلاح دست‌شان است و دارند می‌جنگند. این دو دلیل کافی است برای اینکه ما هر گروه را کامل بشناسیم و مسائل آن را کامل بدانیم تا بتوانیم درست در مقابل‌شان عمل کنیم. در واقع، عقاید و پایبندی‌های این گروه‌ها و علت جنگ را باید بشناسیم.

افغانستان در چهار دهه اخیر، هم در داخل جنگ داشته و هم در کشورهای همسایه و حتی کشورهای فرامنطقه‌ای تأثیر داشته است. یکی از صاحب‌نظران آمریکایی که آمده و فیلم را در جشنواره دیده بود، می‌گفت برای من مهم است که ما مالیات می‌دهیم و ارتش‌های‌مان در افغانستان هستند، ببینیم آنجا چه خبر است و حرف طالبان چیست. ما دنبال تعریف یا تکذیب و تکفیر کسی نبودیم، فقط به دنبال شناخت آنها بودیم، برخلاف رسانه‌های غربی که نگاه خاص خودشان را دارند که سلطه‌جویانه و امپریالیستی است و هر کسی را همان‌طوری که خودشان می‌خواهند با عدم صداقت تعریف می‌کنند. ما به شناخت نیاز داریم و این خیلی خوب است که یک مستندساز بتواند بین طالبان برود و از نزدیک حرف‌های آنها را بشنود و قرائنی که در تحقیقات به آن رسیده است را روایت کند. من به این نتیجه رسیدم که جنگ طالبان و آمریکا یک جنگ صوری نیست؛ بلکه یک جنگ تمام‌عیار و واقعی است. طالبان برعکس القاعده و داعش یک گروه تکفیری نیست، طالبان داعیه جهاد خارج از مرزهای افغانستان ندارد و به دنبال ائتلاف با کسی خارج از افغانستان نیست، تنها به دنبال حکومت افغانستان است و می‌جنگد و سیستم خیلی قدرتمندی هم دارند، به طوری که توانسته است در دو سال اخیر پس از خبر مرگ «ملامحمد عمر» و کشته شدن «ملاختر محمد» سیستم خود را حفظ کند. طالبان بزرگ‌ترین دشمن تکفیری‌های باقی‌مانده از داعش یا منتقل شده از داعش در افغانستان است. عقاید آنها به مکتب دیوبندی هند برمی‌گردد. تمامیت‌خواه هستند؛ هم تمامیت سیاسی و هم تمامیت ارضی.

***مستندی هم درباره اهل سنت ایران دارید، بفرمایید با چه نگاهی این مستند را ساختید؟**

نگاه من مبنی بر نزدیکی مذاهب و وحدت بود، با همین نگاه در جهان اسلام کار می‌کنم. در عراق از اهل سنت ضد داعش فیلم می‌سازم. این به عنوان یک سند است که داعش دشمنان بسیاری در اهل سنت دارد که قابل کتمان نیست. اولین دشمن و اولین قربانی‌های داعش در عراق اهل سنت بودند. در همه جا در ایران هم به دنبال وحدت هستیم. می‌خواهیم هم خود اهل سنت را نشان بدهیم که در رسانه‌های ما خیلی به آنها توجه نشده و هم شهدای این طیف را. در ایران خیلی‌ها اهل سنت را از نزدیک ندیده‌اند و تصور اشتباهی درباره آنها دارند، ما سعی کردیم هم عقاید آنها را نشان بدهیم و هم تعداد آنها را و هم شکوه عظمت نمازها و هم مفاخر و شهدای آنها را.

***درباره موضوع دیدار با مستندسازها و پیام امام خامنه‌ای پس از این دیدار توضیح دهید.**

بحث ما در مستندهای اجتماعی و انتقادی این است که ما در حال حاضر باید در زمینه مشکلات اجتماعی و اقتصادی کمتر به دنبال نگاه جنجالی و ژورنالیستی و یک مدل نگاه افشاگرایانه باشیم. به عبارتی، اگر مسئله و مشکلی را می‌بینیم، باید اطلاع‌رسانی کرده و تا رفع آن مشکل، آن را پیگیری کنیم؛ بعضاً باید ارائه راهکار هم داشته باشیم. در واقع، اینکه امام خامنه‌ای تاکید کردند و بچه‌ها را تشویق و ترغیب کردند که وارد حوزه نقد مسئولان و نقد عملکردها بشوند، خیلی اهمیت دارد. البته باید تقوا هم داشت و خدا را در نظر گرفت. نباید استفاده سیاسی و تندروی شود و در مردم ناامیدی ایجاد شود.

***نقش جریان مستندسازی در بیان مشکلات و ارائه راهکارها و تأثیر آن در ساخت تمدن اسلامی با توجه به مراحل انقلاب چقدر لازم و ضروری است؟**

کسی این موضوع را کتمان نمی‌کند که ما مشکلات بسیار زیادی، به ویژه در بحث‌های اجرایی کشور داریم. وقتی شخصیت اول کشور که خودشان جزء منتقدان وضع موجود هستند، آنهایی را که برای همین آب و خاک هستند، به انتقاد سازنده و ارائه راهکار و پیشنهادها در این حوزه تشویق و ترغیب می‌کنند، این بزرگ‌ترین و ارزشمندترین نگاهی است که می‌توان در انقلاب اسلامی داشت. انتقاد سازنده و ارائه راه حل را نمی‌توان در یک فضای بسته انجام داد. این یعنی دست جوان مؤمن انقلابی

مستندساز را باید باز گذاشت تا ببیند و نقد کند. الآن یک ظرفیت جوانی در کشور داریم که می‌تواند تأثیرگذار باشد و این مهم است. منِ مستندساز اگر حس کنم که می‌توانم تأثیر داشته باشم؛ جدی‌تر کار می‌کنم.

در حال حاضر، بنده پروژه‌ای با همکاری آقای دکتر عبدالملکی در دست تولید دارم که بحث تجربیات موفق کشورهایی است که در زمینه اقتصادی مشکلاتی مانند ما داشتند، ولی توانستند این مشکلات را رفع کنند. اینکه آنها چه کرده‌اند و ما باید به دور از فضای شعارزدگی و یک فضای جنجالی چه اقداماتی انجام دهیم، نیازمند بررسی است.

امروز در کشور ظرفیت چند صد مستندساز انقلابی را داریم که هر یک در حوزه‌های گوناگون اثری ساخته‌اند. الآن هم که حرف ما خریدار دارد، می‌توانیم بحث و صحبت کنیم و در جشنواره‌های گوناگون جهانی حضور یابیم و تأثیر بگذاریم. باید برویم و این فرصت را مغتنم بشماریم و جدی‌تر و محکم‌تر برای حل مشکلات به دور از سیاست‌زدگی و باندبازی و جناح‌بازی‌ها، یک نگاه اصلاح‌گرایانه و مستقل داشته باشیم.

***از حال و هوای دیدار بگویید.**

دیدار صمیمانه و خیلی خوب بود؛ ولی متأسفانه تعداد کمی از بچه‌ها توانستند خدمت امام خامنه‌ای شرف‌یاب شوند و خیلی‌ها این چند روز اظهار ناراحتی می‌کنند که نتوانستند بیایند. خیلی دوست داشتم در این جلسه سرشار از امید و شادی همه بچه‌های مستندساز انقلابی حضور داشتند. خیلی تجربه خاص و جلسه پر انرژی بود و انگیزه‌های خود من را بسیار زیاد کرد و یک‌سری سؤال‌ها و بحث‌ها هم بود که جواب گرفتم. اینکه چه مدلی کار کنیم و بحث انتقاد چطور باشد، گله‌هایی هم مطرح شد و انتقاد شد که در تلویزیون جمهوری اسلامی این آثار خوب پخش نمی‌شود. صحبت‌های مفصلی شد و بحث انقلابی ماندن هم خیلی مهم بود. اینکه خود من که درگیر جشنواره رفتن هستم، بدانم چطور باید عمل کنم و چه مدلی باشم.

مستندساز نباید خود را در قالب‌های سلبریتی ببرد؛ باید باصفا و صمیمت بین مردم بماند و خدا را مدنظر قرار دهد. دنبال شهرت هم نباشد. باید با تمام قوا پیش به جلو حرکت کند و دغدغه‌اش حل مشکلات و تروج انقلاب و روایت مشکلات و معضلات و ارائه راهکارها باشد.

***جمع‌بندی کلی و رهاورد شما از این دیدار چیست؟**

مهم‌ترین نکته برای من این است که ایشان پس از دیداری که با ما داشتند، پیامی صادر کردند و اجازه دادند فیلم این دیدار منتشر شود. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت ماجرا برای ایشان و کشور است. آقا برخی از این مستندها را یا از تلویزیون یا از جاهای دیگر دیده بودند و حساب ویژه‌ای روی مستندسازها باز کرده بودند که این‌گونه رفتار کرده‌اند.

*** از نگاه شما؛ مهم‌ترین موضوعی که باید به آن پرداخته شود، چیست؟**

نمی‌توان یک موضوع را بیان کرد. موضوعات مهم بسیاری داریم؛ ولی من در سه دسته آنها را بیان می‌کنم: اول، روایت تاریخ انقلاب اسلامی که دشمن و جریان‌های غیر انقلابی و لیبرال روی آن سرمایه‌گذاری کرده و از ساده‌دلی برخی مسئولان حزب‌اللهی سوءاستفاده می‌کنند. تحریف دهه ۶۰ در اینجا رخ می‌دهد.

دوم، عدالت اجتماعی و مشکلات اجتماعی است که دلسوزان انقلابی با نگاه انقلابی و غیر سیاه باید دنبال این باشند که درد اجتماع و حرف مردم منعکس شود و دنبال راهکار هم باشیم و فرهنگ‌سازی کنیم. جامعه ما باید از یأس و ناامیدی خارج شود. ما به امید نیاز داریم تا بتوانیم مشکلات‌مان را حل کنیم. این مشکلات را خیلی‌ها داشتند و توانستند حل کنند.

روایت اتفاقات پیرامونی هم سومین موضوع مهم است. آقا فرمودند: «داعش رفت و نابود شد؛ اما دشمن زمینه‌هایی در جاهای دیگر به وجود می‌آورد تا این غده سرطانی سر دربیاورد.» از این رو روایت اتفاقات پیرامونی برای کسی که ادعای تمدن‌سازی دارد نمی‌تواند مهم نباشد. نباید مصرف‌کننده رسانه‌های غربی باشیم باید خودمان از نزدیک ببینیم که چه خبر است و در جشنواره‌ها و رسانه‌های خارجی حاضر شویم و تحلیل کنیم و صحبت کنیم، دنیا دنبال «جور دیگر باید دید» است که جوان مؤمن و انقلابی مستندساز می‌تواند مصداق این امر باشد.

ائتلاف ایران با روسیه، پاکستان، عراق و سوریه

سرلشکر سیدیحیی صفوی گفت: ایران با هوشمندی می‌تواند با تشکیل ائتلاف منطقه‌ای که علاوه بر روسیه و سوریه شامل پاکستان و عراق نیز باشد، در مقابل ائتلاف آمریکایی‌ها بایستد. وقتی نیروهایی مانند حشدالشعبی در عراق تشکیل شده، ما نیز می‌توانیم با تشکیل چنین ائتلافی از ظرفیت ملت‌ها و نیروهای مردمی برای تقابل با آمریکا استفاده کنیم.

در همایش «آزادی مسجدالاقصی در سپهر پیروزی مقاومت» تأکید شد

توجه ویژه به راهبرد تسلیح کرانه باختری

□ حسن ابراهیمی/ **دانشگاه عالی دفاع ملی در هفته گذشته میزبان جمعی از فعالان سیاسی و نظامی در حوزه قدس شریف بود. سفیران کشورهای فلسطین، سوریه، عراق و نمایندگان حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی و جمعی از مسئولان سیاسی و نظامی کشورمان در همایشی تحت عنوان «آزادی مسجدالاقصی در سپهر پیروزی مقاومت» جمع آمدند تا زوال رژیم صهیونیستی در آینده نزدیک و روند آن را بررسی کنند. در ادامه بخش‌هایی از مباحث مطرح شده در این همایش را می‌آوریم.**

عکس: حامد گودرزی

عملکرد رژیم صهیونیستی در دو مقطع

سردار «اسماعیل قاآنی» جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه اظهار داشت: «تأسیس رژیم صهیونیستی در حوزه عملکرد و رفتار در هفتاد سال گذشته به دو مقطع قابل تقسیم است؛ یکی مقطع پیش از انقلاب اسلامی و دیگری مقطع پس از انقلاب اسلامی.»

وی با بیان اینکه اشغالگری و تجاوزهای گسترده رژیم صهیونیستی مربوط به پیش از پیروزی انقلاب اسلامی است، افزود: «پیشروی این رژیم نامشروع با پیروزی انقلاب و قوت گرفتن مقاومت، کُند و در جاهایی نیز به طور کامل متوقف شده است.» وی در ادامه بیان کرد: «مسیری که جمهوری اسلامی ایران پرچمدار آن بوده و همواره از آن پشتیبانی کرده است، مسیر مقاومت است و روز به روز بر طرفداران جبهه مقاومت افزوده می‌شود.»

تسلیح کرانه باختری برای فروپاشی رژیم صهیونیستی

سردار سرتیپ «احمد وحیدی» رئیس دانشگاه عالی دفاع ملی و فرمانده سابق نیروی قدس سپاه در این همایش با بیان اینکه ایران در مقام پرچمدار محور مقاومت امروز مورد توجه ملل انقلابی است، افزود: «برخی در منطقه عربستان را ناجی خوبی می‌پنداشتند؛ اما با روشن شدن ماهیت این کشور، شاهد به آتش کشیده شدن عکس برخی از رهبران منطقه در دست مردم بودیم.»

وی بیان داشت: «اگر ملت فلسطین امروز مسلح شود و به پا خیزد و ارتش آزادی‌بخش فلسطین شکل بگیرد، اراده این ملت است که سرنوشت فلسطین را تعیین خواهد کرد؛ چراکه ملت فلسطین انگیزه الهی و شجاعت دارد و برای آب و خاک خود می‌جنگد.» وی ادامه داد: «همه چیز آماده است تا همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند، برای تسلیح کرانه باختری تلاش کرد؛ تلاش در این راستا به طور حتم فروپاشی رژیم صهیونیستی را در پی خواهد داشت.»

اگر ایران نبود، سوریه از دست رفته بود

«علی‌اکبر ولایتی» مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین‌الملل در این همایش با اشاره به سؤال برخی افراد درباره چرایی حضور مستشاری ایران در سوریه و عراق گفت: «اگر کمک ایران نبود، سوریه ظرف چند هفته از بین می‌رفت. به یقین پیشگیری هزینه‌اش کمتر است و از طرفی اثرش نیز بیشتر است و اگر طرح «تجزیه شمال عراق» عملی می‌شد، امروز ما شاهد حضور سربازان صهیونیستی در کنار مرزهای خود بودیم، پس عقل می‌طلبد پیش از رسیدن دشمن به مرزها اقدام کنیم.»

وی تصریح کرد: «امروز آمریکایی‌ها در شرق فرات ۳۰ هزار نیرو آماده کرده‌اند، از این رو کار در منطقه غرب آسیا حساس و ظریف است. آمریکایی‌ها امروز رجز می‌خوانند؛ اما توان درگیری ندارند، می‌خواهند داعش را به افغانستان ببرند و از آنجا به سمت شرق حرکت دهند تا بتوانند جبهه جنوبی روسیه را تحت فشار قرار دهند، در حالی که داعش در افغانستان با طالبان مواجه شده است.»

نابودی رژیم صهیونیستی به نام ایران ثبت شده است

«سیدعبدالله صفی‌الدین» نماینده حزب‌الله لبنان در ایران در این همایش اظهار داشت: «ایده تشکیل مقاومت اسلامی متعلق به حضرت امام راحل بود؛ برخی از جریان‌ها در فلسطین بیشتر به فکر سازش بودند که امام خمینی(ره) فرمودند اسرائیل باید از بین برود.»

نماینده حزب‌الله لبنان در ایران در ادامه افزود: «طرح نابودی اسرائیل در تاریخ به اسم جمهوری اسلامی ایران ثبت شده است. اسرائیل پیش از پیروزی انقلاب اسلامی جنگ‌های زیادی علیه فلسطین و لبنان راه‌اندازی کرده بود و ارتش این رژیم به اسطوره شکست‌ناپذیر معروف بود که معادله با پیروزی این انقلاب فرق کرد.»

وی در پایان خاطرنشان کرد: «اعلام قدس به پایتختی رژیم صهیونیستی از سوی ترامپ روحیه دادن به مقامات صهیونیستی بود که نابودی اسرائیل بیشتر به دلیل همین اشتباه ترامپ است.»

آزادی قدس شریف نیازمند تلاش مسلمانان است

«صلاح الزواوی» سفیر فلسطین در ایران در این همایش اظهار داشت: «پروژه‌ای که صهیونیسم از ۳۰۰ سال قبل به دنبال اجرای آن است و تلاش می‌کند آن را به انجام برساند، پروژه اسرائیل بزرگ است.»

وی گفت: «ما در راه آزادی فلسطین شهید و مجروح زیادی دادیم، البته در این میان اشتباهات زیادی داشتیم که امیدواریم این اشتباهات تکرار نشود. مهم‌ترین اشتباه ما دودستگی و اختلافات داخلی است که دشمن صهیونیستی از این اختلافات سوءاستفاده می‌کند.»

الزواوی با اشاره به اینکه صهیونیست‌ها طرح اسرائیل بزرگ را ادامه می‌دهند، اظهار داشت: «حضرت امام خمینی(ره) در مقابل این طرح صهیونیست‌ها ایستادند و ما را راهنمایی کردند. در ادامه نیز رهبر معظم انقلاب راه ایشان را ادامه می‌دهند.»

ایران‌هراسی برای انحراف از مسئله قدس

کاظم جلالی، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در این همایش با اشاره به انتقال سفارت آمریکا به قدس شریف، اظهار داشت: «به نظر من این اقدام غیر مسئولانه آمریکا به هیچ وجه دور از انتظار نبود؛ تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌ها طی پنج سال اخیر از فعال شدن دیپلماسی پنهان آمریکا و رژیم صهیونیستی در قبال دولت‌های مرتجع عربی حکایت داشت. این دیپلماسی پنهان به نحوه خزنده‌ای چند محور عمده را در دستور کار قرار داده بود که مهم‌ترین آن ایران‌هراسی است.»

موج مبارزه با رژیم صهیونیستی در آمریکا پدیدار خواهد شد

«سعدالله زارعی» رئیس پژوهشکده اندیشه‌سازان نور در این همایش اظهار داشت: «اقدام ترامپ در زمینه قدس اقدامی کاملاً متهوّرانه بود؛ تا جایی که بنیامین نتانیاهو اعلام کرد ارزش اقدام ترامپ به اندازه ارزش اعلامیه بالفور است.»

زارعی با تأکید بر اینکه یکی از جنبه‌های ماندگاری رژیم صهیونیستی حمایت خارجی بود، بیان داشت: «حمایت خارجی از رژیم صهیونیستی دچار رخنه شده و مسئله اسرائیل به یک مسئله اختلافی تبدیل شده است. همچنین ادامه بقای رژیم صهیونیستی در بسترهای سیاسی و اجتماعی دستخوش سؤال شده و زیر پای این رژیم نیز خالی شده است که این موج به آمریکا نیز خواهد رسید.»

لزوم بازدارندگی دیپلماتیک جهان عرب در مقابل آمریکا

«خالد قدومی» نماینده جنبش حماس در ایران در این همایش اظهار داشت: «کل فلسطین به اشغال رژیم صهیونیستی درآمده است؛ مشکل فقط قدس، مسجدالاقصی و مقدسات نیست، فلسطین سرزمین اشغال شده است و نباید در این سرزمین جایی برای اشغالگران متصور شد.» وی در ادامه گفت: «از کدام قدس سخن می‌گویید؟ آیا می‌دانید مساحت قدس شرقی ۱۱ درصد بیشتر نیست، مساحت قدس غربی ۸۲ درصد و ۴ درصد نیز منطقه ممنوعه است؟ این همه شهید و تخریب خانه و کاشانه فقط برای ۱۱ درصد است!»

قدومی گفت: «حکومت فلسطین باید فوری از مذاکرات عقب‌نشینی کرده و وحدت و آشتی ملی را هر چه سریع‌تر تحقق بخشد. جهان عرب و اسلام نیز باید اقدامات بازدارنده دیپلماتیک را در قبال آمریکا افزایش دهند.»

۲۰۰ میلیارد دلار کمک آمریکا به رژیم صهیونیستی

«ناصر ابوشریف» نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در تهران در این همایش اظهار داشت: «حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی بر اساس آیات قرآنی طرح فساد و سلطه‌طلبی بر روی زمین است. وی گفت: «همان‌طور که گفته شد، حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۸ شروع شده است که از آن زمان تاکنون آمریکا ۲۰۰ میلیارد دلار به صورت مستقیم کمک مالی کرده است؛ یعنی برای هر اسرائیلی سالیانه ۵۰۰ دلار پرداخت کرده است. این حمایت مالی نشان‌دهنده عمق رابطه آمریکا و رژیم صهیونیستی است.»

یادداشت

تویی که هنوز نشناختیم

□ علیرضا جلالیان/ ۹ بهمن ماه سال ۱۳۶۱ صدمه بزرگی به سپاه و کشور وارد شد. حسن باقری، جانشین نیروی زمینی سپاه و مؤسس و طراح اطلاعات عملیات جنگ هنگام شناسایی منطقه عملیاتی فکه برای ارائه طرحی ممکن‌تر جهت اجرای عملیات والفجر همراه با جمعی از نیروهای اطلاعات عملیات به شهادت رسید. او که ورودش به دفاع مقدس از روزهای ابتدایی شروع جنگ بود تا لحظه آخر با تدابیر و نوع عملکردش توانست اثرات مثبتی در سپاه و نیروهای مسلح داشته باشد که تا همین امروز می‌توان او را در بسیاری از دستاوردهای ناشی از دفاع مقدس که در حال حاضر هم نوعی درس تلقی می‌شود، شریک دانست. نگاه راهبردی به موضوع جنگ، توجه به اطلاعات به مثابه پایه و ماده اصلی تصمیم‌گیری، تبیین راهبرد معنویت و نقش آن در دفاع، طراحی هدفمند در عملیات‌ها با چشم‌انداز بلندمدت و... همه و همه در کنار اموری همچون توجه ویژه به معنویت در جنگ، گزینش بر اساس شایستگی و کشف استعداد و کادرسازی، توجه به آینده انقلاب اسلامی در دفاع مقدس و... توانست او را مؤثرترین فرد در دوران دفاع مقدس کند که تنها ۲۸ ماه از عمرش را در این دوران گذراند؛ اما ثمراتی بلندمدت داشت.

در رابطه با شهید حسن باقری سخن بسیار است و باید او را از روی تولیدات و اسنادی شناخت که خودش در تولید آنها مؤثر بوده است. او که با کسوت دانشجو و خبرنگار، پا در عرصه اجتماعی نهاده بود در کنار این فعالیت‌ها به طور مخفیانه وارد امور اطلاعاتی در سپاه شد و با دفاع مقدس توانست از نبوغ، توکل و ایمان و تجربه کم خود در امور اطلاعاتی و خبرنگاری مهم‌ترین نیاز جنگ را تأمین کند و در این مسیر شاید حدود چند ماه طول کشید تا بتواند دیگر فرماندهان نظامی و سیاسی جنگ را در این باره توجیه کند.

اوج کار او زمانی بود که رئیس‌جمهور خائن کشور عزل شد و فضا برای بروز نیروهای انقلاب در دفاع مقدس فراهم شد و توانست در صحنه طراحی و اجرا، دوران موفقیت‌های بزرگ را در دفاع مقدس رقم بزند. در ۲۸ ماه حضور او در دفاع مقدس حجم انبوهی از اسناد و سیره و روش‌های کاری از او به سبب داشتن روحیه خبرنگاری باقی‌مانده که هنوز تا تنظیم و انتشار کامل این اسناد زمان بسیاری لازم است و جالب اینکه هر روز که از زمان شهادت او می‌گذرد، ابعاد مهمی از حضور و تأثیرش در دفاع مقدس به سبب بیان برخی خاطرات و تحلیل برخی اسناد به دست می‌آید.

شاید برخی توجه ویژه به شهید باقری در سطح نیروهای مسلح را به دلیل حضور برادر وی در سطح فرماندهان عالی نیروهای مسلح بدانند که این ناشی از بی‌انصافی است. حسن باقری یکی از مؤثرترین فرماندهان طول تاریخ انقلاب اسلامی است که با حضور فیزیکی کمتر از سه سال در سپاه، عمق تأثیر فعالیت‌ها و اندیشه او تا امروز، یعنی نزدیک به ۴۰ سال افزایش یافته و حتی می‌توان مدعی شد که حضور و ترقی برادر این شهید بزرگوار در عالی‌ترین سطوح فرماندهی هم می‌تواند حاصل تربیت و شاگردی سرلشکر باقری در کنار برادرش در دوران دفاع مقدس باشد؛ البته راه برای شناخت او و دستاوردهایش برای کشور همچنان باز و باقی است.

نقطه سرخط

ذهنش توی کدوم کانال بود؟

همه چیز از اون موقعی شروع شد که به خاطر فشار باجناق‌هاش که کاسب بودند، رفته بود و یک گوشی هوشمند خریده بود. محسن یه نیروی درجه‌دار و تحصیلاتش تا دوم راهنمایی بود، کارهای فنی و رانندگی ماشین‌های سنگین رو به عهده داشت. یک‌بار که داشتیم با بچه‌های معاونت سر مسائل سیاسی بحث می‌کردیم، خیلی با تعجب دیدم که داره حرف‌هایی می‌زنه که مال خودش نیست، حرفای دشمنه. فوری گفتم محسن مواظب باش، مطالبی که تو کانال‌ها می‌خونی راست و دروغش معلوم نیست. عقلت رو دست اینا نده، وقتی سر صحبت رو باز کرد و گفت که چه مطالبی توی این کانال‌ها خونده، دیدم که واویلا، راست و دروغ رو می‌کنن تو مخ مردم و خیلی‌هاش هم جواب داده نمی‌شه.

پاسداران خورشید

خواهر شهید مدافع حرم لشکر زینبیون عدیل حسینی

عدیل از ثمرات نهضت اسلامی امام خمینی(ره) است

□ احسان امیری/ آنچه در پی می‌آید، گذری بر زندگی یکی از شهدای لشکر زینبیون، شهید عدیل حسینی است که از زبان خواهرش فاطمه حسینی بیان شده است.«عدیل به معنای «عدالت‌خواه» نام جهادی برادرم است. پدر و مادرم پس از شهادت عدیل به ایران آمدند. عدیل متولد ۱۳۷۰ در لاهور پاکستان و فرزند ششم خانواده است. پس از ارتحال امام خمینی(ره) پدرم هر سال برای بزرگداشت مراسم سالگرد ایشان به ایران می‌آمد و بازمی‌گشت. پدرم استاد دانشگاه بود و در رشته الکترونیک تدریس می‌کرد. پس از ایام بازنشستگی به عنوان پروفسور مهندسی الکترونیک در دانشگاه بین‌المللی مشغول به تدریس شد. نکته دیگر که باید به آن اشاره کنم، وجود خانه فرهنگ در پاکستان است. این خانه فرهنگ متعلق به سفارت ایران است که پدر با اهالی خانه فرهنگ هم ارتباط داشت. ما در پاکستان با انقلاب اسلامی آشنا شدیم. خواهر و برادرهای بزرگ‌تر من در زمان انقلاب اسلامی فعالیت داشتند. آنها در آن زمان عضو حزب دانشجویان امامیه بودند. حزب امامیه متشکل از جوانان شیعه بود. شهید عارف حسینی و دکتر محمدعلی که از شخصیت‌های بزرگ آن زمان بودند، در صدور انقلاب به کشورمان مؤثر بودند. آقای دکتر محمدعلی، حزبی به نام «آی اس او» را تأسیس کرد و دانشجویان شیعه دانشگاه در این حزب نام‌نویسی می‌کردند و در حرکتی شبیه حرکت نیروهای بسیجی برای دانشجویان سال پایین‌تر تدریس رایگان انجام می‌دادند. برادرم عدیل از دوران دبستان عضو زیرشاخه‌های حزب «آی اس او» که شاخه محبین نام داشت، شد. شهادت عدیل حاصل بیداری اسلامی است که امام خمینی(ره) آن را رواج داد. خوب یادم هست که با توجه به مسائل روز جهان تشیع، تظاهراتی هم اتفاق می‌افتاد که اعضای خانواده من، از جمله عدیل در آن شرکت می‌کردند. تظاهراتی که بعضاً شهید هم می‌داد. عدیل فوق‌دیپلمش را تمام کرده و در حال تحصیل در مقطع لیسانس بود که به شهادت رسید. شش ماه پیش از اعزام به ایران آمد. قبل از اینکه به ایران بیاید، در یکی از مدارس حوزوی پاکستان درس می‌خواند. اطلاعات سیاسی و مذهبی عدیل و همراهی و دوستی با بچه‌های پاراچنار در مدرسه دینی به عدیل بسیار کمک کرد و در تصمیم او برای اعزام به سوریه تأثیر بسزایی داشت. در پاکستان از مادرم اجازه گرفت، وقتی پدر متوجه این موضوع شد، به عدیل گفت ابتدای امر تزکیه نفس کن، یعنی اول خودت را بساز و درس دینی‌ات را تمام کن، بعد برو. عدیل رفته بود و دفترچه دلنوشته مادر را برداشته و آورده بود. مادر در دفترچه‌اش نوشته بود: همه فرزندانم را نذر بی‌بی حضرت زهرا(س) کرده‌ام. عدیل گفت: شما این مطلب را همین طوری نوشتی؟! وقتی شما به من اجازه نمی‌دهید، پس عملی هم در کار نیست. مادر به عدیل گفت: اگر فکر می‌کنی الآن این وظیفه است و از همه جهات کامل هستی، برو؛ من اجازه می‌دهم. به این ترتیب ششم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۴ رفت. شب اعزام به خانه من آمد. ساعت حدود ۱۲شب بود، چهره‌اش خیلی بشاش و خوشحال بود. وقتی وارد خانه شد، گفت موافقت کرده‌اند و باید تا نیم ساعت دیگر آماده شوم. رفتم کوله‌پشتی آوردم و وسایلش را گذاشتم تو کوله‌پشتی. به عدیل گفتم حتماً به من زنگ بزن و با من در تماس باش. همه وسایلش را آماده کردیم. وقتی می‌خواست برود، از زیر قرآن ردش کردم و صورتش را بوسیدم. پنج ماه از اعزامش به سوریه نگذشته بود که خبر شهادتش را برای‌مان آوردند.»

تریبون

جمع‌بندی تریبون ۲۰

مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های انقلاب اسلامی چیست؟

در آستانه سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، بیستمین هم‌اندیشی پیامکی تریبون را با موضوع آسیب‌های موجود در مسیر انقلاب اسلامی جمع‌بندی می‌کنیم.

اشرافی‌گری مسئولان/ اشرافی‌گری برخی از مسئولان نظام، تبعیض طبقاتی و مسائلی از این دست در پیام «هادی رضانژاد» از آذرشهر، «رضا خوش‌کلام» از بستان‌آباد، «حمزه محمدپور چهلگز» از اردبیل، «پرویز شهمیری» از اردبیل، «خدادوست» از فریمان، «حسن مهدوی» از کنگاور، «شیرزاد صحرایی» از صحنه، «اکبر سیاهی» از یامچی، «علی نوری امامزاده‌ای» از خوانسار، «مریم کاملی‌فرد» از خارک، «فرهادی» از قم و «مصطفی اکبری» از داران آورده شده است.

فضای مجازی/ فضای مجازی و آسیب‌های اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن و کم‌کاری در این حوزه را هم «حسین حسنوند» از کرمانشاه، «آبدونی» از بوشهر، «ولی دانایی» از تبریز، «مصطفی صالحی» از کهنوج و «جواد آبی» از همدان بیان کرده‌اند.

نفوذ/ اما مسئله نفوذ دیگر موضوعی بود که مورد توجه «مهدی میرزازاده» از آذرشه، «موسی‌الرضا حیدری» از مشهد مقدس، «کاظمی» از اصفهان و «مرتضی رمضانی‌مقدم» از مشهد مقدس قرار گرفته و این عزیزان بر این مسئله تأکید داشته‌اند.

مسائل اقتصادی/ مسائل اقتصادی و وضع بد معیشت مردم را «محمد صابری‌فر» از کردکوی، «الهام عباسقلی‌پور» از املش، «حیدر زوار» از آبدانان، «فریبا قاسمی» از اردبیل، «مجید فیاضی‌پور» از دهدشت، «علیرضا صبحانی‌نسب» از بوشهر و «احسان شاکری» از گرمی مطرح کرده‌اند.

مفاسد اقتصادی/ «سیما ساریخانی» از خرمی، «حلیمه گلوی» از روستای سرسبز قلمی، «سمیه رستمی» از جوانرود و «محمدمهدی خدری» مفاسد اقتصادی را از جمله مهم‌ترین آسیب انقلاب اسلامی بیان کرده‌اند.

ضعف مدیریتی/ «عاطفه کوشکی» و «مونا وفایی» از دامغان و همچنین «مرتضی امیری‌نژاد» از بوئین‌زهرا به ضعف مدیریتی اشاره کرده‌اند.

انحراف یا خروج از مسیر انقلاب/ خروج از مسیر انقلاب یا انحراف از این مسیر در پیام «پولادوند» از قم، «مسعود میرزایی» از اصفهان، «علی محرمی» از چالدران و «رضا گودرزی» از بروجرد مطرح شده است.

اطاعت نکردن از ولی‌فقیه را «سیدمحمد خدایی» از اردکان و «کیماسی» از اصفهان بیان کرده است.

ضعف بصیرت/ ضعف بصیرت را «محمد زارعی‌برآبادی» از خواف، «حمیده محمدی کردعلیوند» و «علی پورفتحی» از خرم‌آباد مطرح کرده‌اند.

ضعف در شایسته‌گزینی/ ضعف در شایسته‌گزینی مسئولان را «احمد خیرخواه» از سعدآباد برازجان و «محسن کریمی» از کردستان مطرح کرده‌اند.

بی‌اعتمادی مردم به نظام را «غلامرسول کریمی» از دلند گلستان و «عنصرودی» بیان کرده‌اند. بدعهدی مسئولان را «حسینعلی جعفرزاده» از اصفهان و «اکبرزاده» از ارومیه و رعایت نکردن دستورات قرآن کریم را «حسن‌زاده» از گناباد بیان کرده‌اند.

بی‌توجهی به تهاجم فرهنگی را «عبدی» از بروجرد و جریان نفاق داخلی را «محسن کوشکی» از خرم‌بید اشاره کرده‌اند.

«رضا آرام» از همدان فاصله گرفتن مسئولان از مردم، «حبیبی» از اراک فراموش کردن آرمان‌های انقلاب و «یوسف صبحانی‌نسب» از بوشهر آسیب‌های اجتماعی را مهم‌ترین آسیب انقلاب برشمرده‌اند.

کم‌رنگ شدن هویت دینی را هم «منصوره بخشی» از مشهد مقدس و تقلیدی بودن علوم انسانی را «عذرا قموشی رامندی» از بوئین‌زهرا مطرح کرده‌اند.

برندگان تریبون ۲۰

«عذرا قموشی رامندی» از بوئین‌زهرا/ «مریم کاملی‌فرد» از خارک/ «مهدی میرزازاده» از آذرشه

پرسش تریبون ۲۱

راهکار القای امید به جامعه چیست؟

شماره پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

گلی از باغ

«اشک و لبخند» همسران مدافع حرم

«اشک و لبخند» تألیف منیره میرزایی کتابی است که انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه منتشر کرده است. این کتاب مجموعه چهار داستان از مدافعان حرم به روایت همسران آنها است که طی مصاحبه منیره میرزایی با آنان روایت شده و دغدغه‌ها و شادمانی‌های زندگی آنان را بازتاب می‌دهد. نویسنده پس از مصاحبه با همسران مدافع حرمی که داستان آنها را آورده است، به خوبی توانسته است بخشی از دغدغه‌ها و لحظات شیدایی همسران مدافعان حرم را بیان کند. در این کتاب نامی از صاحبان داستان نیامده و نویسنده سعی کرده است روایت داستانی خود را با نام کوچک به سرانجام برساند. نوع ورود به ماجرا هم در هر داستان کمی متفاوت‌تر از داستان قبل است و نویسنده فضای خوبی برای ورود به ماجرا در هر داستان ایجاد کرده است. داستان اول با عنوان «هدیه‌ای از عبدالعظیم!» ماجرای بهاره و ابراهیم است. داستان دوم کتاب با عنوان «صدای در که اومد...» ماجرای حسین و مریم است. داستان سوم کتاب با عنوان «ای کاش کسی اون دوروبرا نبود» هم داستان الهام و امیر است. داستان چهارم کتاب به ماجرای زهرا و محمد اختصاص دارد که عنوان آن «زهرا، بچه صبر» است. هر یک از داستان‌های کتاب پر از عشق بین دو یار است و زمانی که باید دوری یار را تحمل کنند، قصه شیدایی و ماجرای عاشقانه‌هایی به دور از هرگونه هجو و غلو مطرح می‌شود. دلدادگی‌های زندگی همسران مدافعان حرم و رضایت آنان بر حضور دلاورانهٔ مدافعان در دفاع از حریم ولایت و تا مرز شهادت رفتن آنان، حکایتی است شنیدنی و واقعیتی است انکارناپذیر، که در این کتاب به خوبی انعکاس یافته است.

مقدمه این کتاب را نیز سردار محمد پاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه نوشته است. این کتاب در ۱۱۲ صفحه با قیمت ۵۰۰۰ تومان روانه بازار نشر شده است.

قبیله عشق

پست صلواتی

با ایجاد خط پدافندی، مسئول خط شد. شب‌ها خودش در سنگر کمین، نگهبانی می‌داد. زمانی که دشمن سر چند رزمنده دانش‌آموز را در سنگر روباهی از تن جدا کرد، دکتر دیگر اجازه نداد بچه‌ها شب‌ها نگهبانی بدهند؛ لذا به بچه‌ها می‌گفت: «من پست نگهبانی شما را با صد صلوات برای سلامتی امام و شما می‌خرم.»

از ساعت ۱۲ شب تا خود صبح پشت خاکریز نگهبانی می‌داد و دائم ذکر می‌گفت. دم دمای صبح به سمت دستشویی‌ها می‌رفت و آفتابه‌های خالی را پر می‌کرد. در این چند ماه با بچه‌ها طوری برخورد می‌کرد که بچه‌ها خیال می‌کردند هم‌سطح خودشان است، او ظرف غذا و لباس‌ها را می‌شست و بسیار فروتن بود.

به روایت یکی از همرزمان شهید

محمدعلی حبیب‌الله در یک خانواده با وضع مالی متوسط به دنیا آمد. او مخارج خود و خانواده‌اش را با فروش بادبادک، شانسی، جغجغه و... به دست می‌آورد. محمدعلی پس از کسب دیپلم، در سال ۱۳۴۸ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. در طول تحصیل کار می‌کرد و روزگار خود را می‌گذراند. وی سال ۱۳۵۸ دکترای انفورماتیک خود را دریافت کرد. او پیش از آغاز جنگ تحمیلی به ایران برگشت. محمدعلی، فرهنگ غرب را با خود به ایران نیاورد، بلکه تمام دغدغه‌اش انجام کار و خدمت به مستضعفان بود. در روزهای نخست جنگ، خودش را به خرمشهر و آبادان رساند و به یاری جمعی از رزمندگان، ضمن دفاع جانانه‌ای دشمن را از اشغال آبادان مأیوس کرد.

سرانجام در تاریخ سوم دی ماه ۱۳۵۹ در نگهبانی از اسلام و ایران در دشت ذوالفقاری آبادان بر اثر ترکش خمپاره دشمن از ناحیه قفسه سینه مورد اصابت قرار گرفت و به شهادت رسید. همسرش برای تحویل پیکرش به منطقه عملیاتی آمد. وی پیکر پاک شهید را به تهران آورد و در بهشت زهرا(س) قطعه ۲۴ ردیف ۴۹، شماره ۴۲ به دل خاک سپرد.

گزارش خبری

سرلشکر رضایی

حسن باقری نماد ایمان کامل بود

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «یکی از شخصیت‌هایی که نماد ایمان کامل بود، شهید باقری بود. این شهید بزرگوار خالص بود و نبوغ نظامی بالایی داشت.»

سرلشکر پاسدار محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در همایش نابغه دفاع، سردار شهید حسن باقری، با اشاره به اینکه شهید حسن باقری انسانی است که به واسطه انقلاب تغییر یافت، اظهار داشت: «برای شناخت انقلاب و جنگ باید او را شناخت. حسن باقری نمونه مهاجر الی‌الله بود که ارزش‌های اسلامی و انقلابی در تمام وجودش نمود پیدا می‌کرد.»

وی اضافه کرد: «سردار شهید باقری از فرماندهان مقتدر بود؛ به گونه‌ای که من در مراسم چهلم این شهید بزرگوار طوری صحبت کردم که انگار او فرمانده من است و واقعیت هم همین بود. این فرماندهان بودند که جنگ را پیش بردند و ما در خدمت این عزیزان بودیم.»

سرلشکر رضایی با اشاره به چگونگی آشنایی‌اش با شهید باقری گفت: «باقری را رهبر معظم انقلاب که آن زمان نماینده امام در ارتش بودند، معرفی کردند. قرار شد از او برای ایجاد واحد اطلاعات سپاه استفاده کنیم، از همان جلسه بود که به او گفتم از این به بعد اسم تو حسن باقری هست و به کسی نگو غلام‌حسین افشردی هستی و ایشان نیز پذیرفت.»

وی افزود: «در جلسه اول از ایشان درباره مسائل گوناگون سیاسی، امنیتی و اعتقادی سؤال کردم و نظرش را درباره تمامی جناح‌ها پرسیدم. به خاطر دارم که ایشان در برخی موارد به اندازه‌ای مسلط بودند که احساس می‌کردم معلوماتش در آن حوزه از من بیشتر است.»

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام بیان کرد: «اوایل انقلاب شرایط کشور به لحاظ امنیتی دچار مشکلاتی بود؛ در چنین شرایطی افرادی نظیر شهید باقری امنیت و اطلاعات کشور را پایه‌گذاری کرده و به این ترتیب اطلاعات سپاه سازماندهی شد.»

وی گفت: «در روزهای آغازین دفاع مقدس با وجود تلاش‌های عزیزان ارتش و سپاه هیچ کس نمی‌دانست هجمه دشمن به چه طریق و از چه محوری است و اگر کسی در این باره حرفی می‌زد، به ناگاه متوجه پیشروی بیشتر و تصرف بخش‌های دیگر بودیم، از این رو به برادر حسن باقری گفتم اطلاعات سیاسی و امنیتی در تهران باقی بماند و اطلاعات نظامی را در خوزستان راه بینداز. ایشان نیز به اهواز آمد و اطلاعات نظامی را به خوبی ایجاد و ساماندهی کرد.»

سرلشکر رضایی افزود: «شهید باقری اطلاعات دقیقی به من می‌داد و من با اطلاعات دقیق او به جلسه شورای عالی دفاع می‌رفتم. این اطلاعات به قدری ناب و دقیق بود که حتی بنی‌صدر متکبر از ظرافت و دقیق بودن مطالب به فکر فرو می‌رفت.»

فرمانده کل سپاه در دوران دفاع مقدس افزود: «تا قبل از عملیات والفجر بنده و شهید باقری، سردار رشید، سردار صفوی و شهید صیادشیرازی هسته اولیه تصمیم‌گیری در عملیات‌ها را تشکیل داده بودیم و شهید باقری چهره متفاوت این جمع بود. او ضمن اینکه یک شخصیت اطلاعاتی بود، تحلیلگر سیاسی و نظامی هم بود.»

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به توانمندی شهید باقری در حوزه تحلیل و فهم راهبرد دشمن گفت: «تحلیل شخصی ایشان این‌گونه بود که آمریکا عراق را کنار گذاشته، ایران را محاصره کرده و اعراب را در مقابل ایران قرار خواهد داد، این تحلیل در خاطرات شهید باقری است.»

وی در پایان گفت: «هرگاه در کشور ما مشکلی پیش می‌آید، باید بدانیم ارزش‌های دفاع مقدس در جامعه کم‌رنگ شده است.»

صبح صادق

دوشنبه ۹ بهمن ۱۳۹۶
۱۱ جمادی الاول ۱۴۳۹
سال هجدهم شماره ۸۳۵
۱۲ صفحه

Mon. 29 JAN 2018 www.sobhesadeghweekly.ir

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق
زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

تلفن: ۱۱۰-۷۷۴۶۰۱۰۰(۰۲۱)
صندوق پستی: ۱۷۳۸۵/۱۸۵
سایت اختصاصی: ssweekly.ir
رایانامه: sobhesadegh@iran.ir
سامانه پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
کانال پیام‌رسان سروش: @ssweekly
کانال تلگرام @SobheSadeghWeekly

صبحانه

اعتماد به خدا

گاهی برای اجابت خواسته‌هایت،
هر کاری می‌کنی؛ اما نمی‌شود که نمی‌شود!
دست به دامن خود خدا می‌شوی،
دست به دامان ائمه(ع) می‌شوی،
دست به دامن نذر می‌شوی،
دعا می‌کنی، زیارت می‌روی؛
اما باز هم «صبر» می‌خواهد!
پا در هر راهی می‌گذاری؛
انتهایش این است که
باید صبر کنی!
درست همان چیزی که یا نداریم یا کم داریم.
توکل واقعی به خدا در کنار صبر؛
یعنی اعتماد واقعی به خدا داشتن؛
یعنی همان آرامش واقعی در پناه امن الهی.

صادقانه

مؤمن واقعی

از امیرمؤمنان علی(ع) پرسیدند، مؤمن واقعی کیست؟ فرمودند: «مؤمن کسی است که کسبش حلال است، اخلاقش مهربان و رئوف است، قلبش سالم از کینه و کدورت است، زیادی مالش را انفاق کند، زیادی سخنش را نگه می‌دارد، مردم از شرّش در امان هستند و به خیرش امیدوارند و با انصاف با دیگران برخورد می‌کند.»

نصایح، ۲۸۱

تلخند

یادداشت

۱۲ بهمن، روز ملی سینما

□ **محمد قمی/** با وقوع انقلاب اسلامی عرصه‌ای نو برای هنرمندان و به ویژه سینماگران گشوده شد؛ عرصه‌ای که به تولید و خلق آثاری ماندگار و ارزشمند و سینماگران پر توان و بزرگ انجامید که انکارناپذیر است.

با درنظر گرفتن این واقعیت به این حقیقت سترگ می‌رسیم که امام خمینی، رهبر فقید انقلاب اسلامی به راستی نقش بزرگی در هنر و به ویژه سینمای ایران داشته‌اند. شاید یکی از یادمان‌ها و تجلیات مهم و مؤثر و از جمله جذاب‌ترین این نشانه‌ها تعبیری باشد که ایشان در یکی از مهم‌ترین فرازهای انقلاب درباره سینما ابراز داشتند. همان جمله معروفی که پیش از این به آن اشاره کردیم و از معروف‌ترین، مؤثرترین و ارزشمندترین جملات امام(ره) است که پس از بازگشت به وطن در روز ۱۲ بهمن سال ۵۷ در اثنای سخنرانی به یادمانی‌شان در بهشت زهرا(س) درباره سینما بیان کردند و با آن عبارت راه‌گشا و روشن تدبیری عالی و وافی از موضع یک رهبر انقلابی در یکی از خطیرترین برهه‌های تاریخ ایران نسبت به سینما و اصحابش بر زبان راندند و فرمودند: «ما با سینما مخالف نیستیم ما با فحشا مخالفیم.» امام(ره) در آن بیان تاریخی با هوشمندی و ظرافت، راه هنر والا و ارزشمند سینما را از بیراهه ابتذال، نادرستی‌ها، پوچی‌ها و پلشتی‌ها جدا کردند و قوت قلبی شدند برای اهالی حرفه‌ای و صدیق سینما.

این جملات امام(ره) نیز که آن را در گفت‌وگو با روزنامه «گاردین» به تاریخ ۱۳۵۷/۵/۱۰ اعلام کردند «مخالفت با برنامه‌های فاسدکننده اخلاق جوان و مخرب فرهنگ اسلامی نباید مخالفت با سینما به حساب آید. ما با برنامه‌هایی که تربیت‌کننده و به نفع رشد سالم اخلاقی و علمی جامعه باشد، موافق هستیم.» مؤیدی دیگر بر این حقیقت است. امام(ره) در گفت‌وگوی دیگری با اشپیگل همین مضمون را به بیان دیگری بازگو می‌کنند: «شما یک سینمای اخلاقی و علمی بیاورید، ببینید کسی با آن مخالفت می‌کند!» همه این بیانات با این وضوح و روشنی و با آن قاطعیت و جدیت وقتی از جانب شخصیتی همچون امام خمینی(ره) بیان می‌شود، می‌تواند نقش مؤثری در پیشبرد و ارتقای سینمای یک جامعه ایفا کند و کمک شایانی برای اصحاب سینما به منظور تلاش و تکاپوی زنده و پویا باشد.

اما به راستی در طول ۴۰ سال گذشته، سینماگران ما تا چه حد توانسته‌اند و اساساً خواسته‌اند نسبت به اندیشه‌ها و آرمان‌های امام(ره) از خود کوششی نشان دهند؟

حقیقت تلخ آن است که امروز با نگاهی به گذشته به این نتیجه می‌رسیم که فقدان تأثیرات جدی و خلأ تجلیات مؤثر از منویات و آرمان‌های امام بیش و پیش از هر چیز و هر زمان دیگری در سینمای ایران احساس می‌شود.

حقیقت آن است که اندیشه‌ها و آرمان‌های امام(ره) در هیاهوی کرکننده ابتذال، غرب‌زدگی و سفارشی‌سازی مدعیان تجارت‌پیشه سینمای ایران گمشده است و امام و اندیشه‌های ایشان در سینمای ایران تنها در عکس‌های روی دیوار و ظواهر کوچک دیگری خلاصه شده که حالا دیگر به چشم هم نمی‌آیند. در حالی که قرار بر این بود که امام(ره) و اندیشه‌های ژرف و شگرف ایشان نه فقط در ظواهر، بلکه در مضامین و مفاهیم و کارکردهای سینماورزانه نیز حضور جدی و معتبر و مؤثر داشته باشد.

آرمان‌های امام(ره) همچون عدالت، مبارزه با سرمایه‌داری زالوصفتانه، کمک به مظلومان عالم و توجه به محرومان و پابرهنه‌ها چه نماد و نمودی در سینمای امروز ما دارد؛ سینمایی که پس از سه دهه وقتی از مردم، انقلاب و آرمان‌های والای امام دور شد یا به دام ابتذال و فیلم فارسی افتاد یا به دره جشنواره‌زدگی روشنفکرمآبی سقوط کرد.

حسن ختام

راهِ رفته...

مگر آسان است دل بریدن
عشقت سکونت کرده در بندبند این وجود
تو یک پاره از این تن شده‌ای
نه... هرگز نمی‌شود!
این راه رفته را نمی‌توان بازگشت
رسیدن به تو در استقامت است
در پافشاری است...
یک کلام!
باید مصر شوم در خواستنت مولا جان!
درست است که مشق معرفت آدم
بامعرفت می‌طلبد
اما، تمرین معرفت که می‌شود کرد آقا
باید از نو بنویسم
باید گلِ واژه‌ها را به پای‌تان بریزم
باید واژه‌واژه عشق نذر قدوم‌تان کنم
آقا جان! نگاه کن
دستان نحیفی دارم
و دل نازکی
و قلبی که از سردی روزگار
کندتر از پیش می‌تپد
می‌خواهم به سلامت عبور کنم از این
روزهای یخی
دستان گرم‌تان را به من می‌دهید؟

نگاهی به سریال «سایه‌بان»

تصویر دراماتیک دوران رکود اقتصادی

□ **مهدی امیدی/** سریال «سایه‌بان» نمایشی درباره رکود اقتصادی و وضعیت اجتماعی نامتوازن طبقات مختلف جامعه است. این سریال به کارگردانی برادران محمودی هر چند در برخی لحظات اغراق‌آمیز و گاهی کشدار و کند است؛ اما در مجموع تصویری آشنا و نزدیک به واقع از زندگی مردم در جنوب شهر تهران را ترسیم کرده است.

مهم‌ترین ویژگی این سریال برخورداری از قهرمانی مردمی است. «سهراب» کاراکتری خاکستری است که نقاط ضعف و قوت را با هم دارد؛ اما آنچه او را به قهرمان این سریال بدل کرده، مواجهه فعال و تأثیرگذارش در برابر شکست‌ها و مشکلات است. همین عامل هم سبب شده که دردهای طبقات مستضعف جامعه در این سریال بدون افتادن به ورطه سیاه‌نمایی و یأس‌آفرینی، بیان شود.

نمایش طبقه کارگر در سینما و تلویزیون همیشه توام با سوءاستفاده از رنج‌های این قشر زحمتکش بوده است. بسیاری از فیلمسازان که خود زندگی مرفه و بی‌دردی دارند با بهره از مشکلاتی که در این بخش از جامعه وجود دارد، پُز روشنفکری می‌دادند و از این طریق به جشنواره‌های خارجی راه پیدا می‌کردند. معمولاً هم در فیلم‌های کارگرمحور، نه ردی از ریشه معضلات به چشم می‌خورد و نه راهی برای نجات از بحران و نه حتی امیدی! القای یأس و بن‌بست، ویژگی مشترک فیلم‌هایی است که به «سیاه‌نمایی» متهم شدند.

اما «سایه‌بان» نشان داد که می‌توان درون خانه و خانواده و با یاران درد دل کرد، نه اغیار!

این سریال با دستمایه قرار دادن زندگی یک کارگر، توانست هم بخشی از زمینه‌ها و عوامل به وجود آمدن مشکلات اقتصادی را نمایش دهد و هم روح امید و سازندگی را در بین اقشار ضعیف تقویت کند و هم اینکه راهکارهایی برای حل گره‌های زندگی این اقشار نشان داد. نکته مهم این است که «سایه‌بان» به جای تخریب روحیه و امید مردم، راهی را نشان داد که مطابق با شعار سال هم هست؛ کارگاه مبل‌سازی که «سهراب» در آن کار می‌کند اگرچه ورشکسته و رو به تعطیلی بود؛ اما با تکیه بر تولید داخلی و شکوفایی خلاقیت نیروها، توانست احیا شود. بزرگ‌ترین نقطه قوت محتوایی این سریال، معنا کردن مفهوم اقتصاد مقاومتی، بدون هیچ‌گونه شعار و سطحی‌زدگی است.

سریال «سایه‌بان» همه مفاهیم اقتصادی و اجتماعی خود را جذاب و دراماتیک نمایش داده است. این سریال ادعای آنهایی که معتقدند نمایش ندادن فضاهای لوکس و زندگی مرفه موجب کاهش جذابیت فیلم می‌شود را رد می‌کند. چون جذابیت آن متکی به ورود به زندگی مردم عادی و نمایش مسائل خاص زندگی آنها است. فضای حاکم بر این سریال، کاملاً بومی است، یعنی هم سبک زندگی شخصیت‌های سریال، ایرانی است و هم روحیات و رفتارهای آنها خاص مردم این سرزمین است، حتی برخلاف بسیاری دیگر از آثار، دکور و شکل و شمایل خانه و مسکن آدم‌ها در این مجموعه نیز ملی است. برای نمونه، می‌توان به کارکرد حیاط اشاره کرد؛ کاراکترهای سریال هم موقع درد دل با یکدیگر و هم خلوت و تفکر، به حیاط می‌روند که نقش مهم این بخش از خانه در سبک زندگی سنتی را نشان می‌دهد. ایرانیان تنها مردم جهان هستند که حاضرند خون خود را به طور رایگان به دوستان و نزدیکان خود اهدا کنند. ما تنها مردم جهان هستیم که در وقت گرفتاری و بدون گرفتن هیچ سند و بهای دیگری، حاضر می‌شویم همه سرمایه زندگی خود را برای رفع گرفتاری دوستان‌مان هزینه کنیم. «سایه‌بان» سریال تلخی است؛ اما زشت و سیاه نیست؛ زیرا همین زیبایی و روشنایی ذهن و قلب مردم را حتی در اوج گرفتاری نشان می‌دهد.

کند بودن ریتم سریال با محتوای آن، یعنی تأثیر رکود اقتصادی بر زندگی مردم مطابقت دارد؛ یعنی فرم تصویری سریال هم استعاره از وضعیت اجتماعی کنونی ما است. رکودی که حتی دامن آدم‌های مرفه در این داستان را هم گرفته است. آرمان و خانواده‌اش اگرچه در شمال تهران زندگی می‌کنند و به ظاهر ثروتمند هستند؛ اما این خانواده نیز گرفتاری‌های خود را دارند. با این حال برخی لحظات، ضرباهنگ سریال بیش از حد کاهش می‌یافت. به ویژه بخش‌هایی از سریال که در گرجستان می‌گذشت، خیلی سرد، کسل‌کننده و بی‌روح بود. مانند زندگی بسیاری از مهاجران و غربت‌نشینان. همچنین صحنه‌هایی که در قالب اسلوموشن (حرکت آهسته) و در مواقع ملتهب سریال به نمایش درمی‌آمد، هیچ کارکردی نداشتند و به ارتقای حس و زیبایی‌شناسی کار کمکی نکردند. دو سه قسمت انتهایی نیز چنگی به دل نمی‌زدند. انتخاب پایان باز برای سریالی با مضمونی تلخ، یک اشتباه راهبردی از سوی سازندگان «سایه‌بان» بود. بهتر است پایان‌بندی چنین آثاری به گونه‌ای تنظیم شود که موجب تخلیه روانی و آسودگی مخاطب شود، نه اینکه نتیجه داستان، سرگردانی و باقی ماندن مخاطب در تعلیق و اضطراب باشد.

حرف تو حرف

معرفی تیپ‌های شخصیتی آشنا!

در دنیا دو تیپ افراد نه چندان نایاب هستند که وجودشان به موجودی به نام «آشنا» وابسته است: یک دسته آشناجو هستند و دسته دیگر آشناطلب.

افراد آشناجو برای گذران زندگی در همه موقعیت‌ها مدام به دنبال آشنا هستند. به همین دلیل، اغلب از مشکل ساییدگی مهره‌های گردن و انحراف قرنیه چشم رنج می‌برند. به عبارتی تنها جایی که دنبال آشنا نمی‌گردند تا کارشان راه بیفتد، دستشویی است!

اگر بر حسب تصادف یا تشابه از قبیله آدمخوارها سر در بیاورند با تله پاتی و سحر و جادو آنجا هم آشنا جور می‌کنند. بعد هم با چشمانی خیس و حلقی خشک شده می‌گویند: تو همونی نیستی که به جد من نظر داشتی؟! خب پس با هم آشنا در اومدیم. بی زحمت من رو نخور(!) و جان سالم به در می‌برند.

علت بسیاری از ناکامی و سرخوردگی‌های‌شان حتی در مواردی، مانند سفیدی هندوانه شب یلدا و سوختن کله نان سنگک را نبود آشنا در محل می‌دانند.

در ادبیات این تیپ افراد «آشنا سراغ نداری؟! » پرتکرارترین جمله‌شان بعد از «سلام» است. اگر پاسخ‌تان به این سؤال منفی باشد، مثل این می‌ماند که تا آخر عمر خود را بیمه حوادث کرده باشید.

گفتنی است، «بیا بیشتر با هم آشنا بشیم» هیچ ربطی به این تیپ افراد ندارد و البته به ما هم ربطی ندارد (خوشبخت باشند).

دسته دیگری که آشناطلب بودند، افرادی هستند که کار کسی را راه نمی‌اندازند مگر اینکه آنها آشنا داشته باشند. بیشترین طلبی هم که از مردم دارند، همین آشناییت است.

این تیپ افراد اگر کارمند اداری باشند، عمدتاً به جای عبارت «وقت اداری تمام شده»، می‌گویند «آشنا داری!؟» اگر پاسخ به این پرسش مثبت باشد، خود به خود تمام قوانین و موانع موجود حذف خواهد شد.

البته از این نکته نباید غافل شد که نوع آشنای شما در میزان تغییر لحن، بیان، زمان رسیدگی به پرونده و... مؤثر است. برای همین بهتر است قبل از ورود به یک اداره ابتدا رزومه کاملی از آشنایان به همراه داشته باشید و به پرونده پیوست کنید.

اگر قصد مراجعه به بانک را دارید و رئیس بانک در تیپ افراد آشناطلب است، به خاطر داشته باشید که پیش از مراجعه از هر طریق ممکن در کوتاه‌ترین زمان یک آشنا برای خودتان جور کنید. سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه ازدواج است. حتی اگر امکان پرداخت هزینه ازدواج با دختر وزیر، وکیل و... را ندارید، فراموش نکنید که این هزینه نیست؛ بلکه یک سرمایه‌گذاری بلندمدت است. برای درک بهتر شرایط فرض کنید (یعنی اطمینان کنید) شما برای یک وام ۱۵ میلیونی ازدواج مراجعه می‌کنید؛ اما با وام ۱۵ میلیاردی بدون بازپرداخت به خانه (کشورهای دوست و همسایه) برمی‌گردید.

پس از بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد در اشعار حافظ هم به آشنا به طور دقیق پرداخته شده است که در ادامه به آن می‌پردازیم: «با یار آشنا سخن آشنا بگو»

اینجا می‌توان حدس زد منظور از آشنا، شخص حقیقی است. اشارات ظریف شاعر به این است که در زمینه امور دولتی کافی است با همین یک آشنا سخن (نه نقدا) بگویی و بس!

در نهایت برای ارتباط بهتر با این تیپ افراد کافی است بدانید در دنیای افراد آشناطلب و آشناجو «آشنا بودن» بدون هیچ مهارتی خود یک شغل ثابت با درآمد و مزایای بالا به حساب می‌آید. همان‌طور که سعدی در تکمیل این حرف می‌گوید: «دگری نمی‌شناسم تو ببر که آشنایی!» و مبرهن است این «تو ببر» در شعر می‌تواند به مال، کار، سود، حال و... یا همه اینها اشاره داشته باشد.

فاطمه‌سادات رضوی‌علوی

راش اضافه

حسرت رمان خوب درباره خرمشهر

آیین اختتامیه هفدهمین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس در باغ موزه دفاع مقدس برگزار شد و برگزیدگان معرفی و تقدیر شدند. به گزارش فارس، در این مراسم سردار سرلشکر پاسدار سیدیحیی صفوی، دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا ابراز داشت: «امروز فرهنگ دفاع مقدس در عراق و سوریه وارد شده و نیروهای مردمی این کشور را در کنار ارتش بسیج کرده تا به مقابله با نیروهای تکفیری-تروریستی بپردازند.» در این مراسم محمدحسن مقیسه از نویسندگان انقلابی نیز خاطرنشان کرد: «هیچ مادر و مام میهنی بدون نگریستن به آینده خویش، نمی‌تواند زندگی کند. در تاریخ جنگ‌های دنیا دو شهر داریم که لشکر دشمن وارد آنها شده که با همدیگر قابل مقایسه‌اند. خرمشهر و مسکو دو شهری هستند که با هم قابل قیاس هستند؛ اما مردم جهان شهر مسکو را که با فضاحت در برابر ارتش ناپلئون تخلیه شد، بیشتر می‌شناسند تا خرمشهری که مردم آنجا مقاومت‌شان در برابر ارتش کامل عراق مثال‌زدنی است؛ زیرا نویسنده‌ای چون «تولستوی» با رمان مشهور جنگ و صلح این شهر را به جهانیان معرفی کرده؛ اما ما هنوز رمانی با استانداردهای جهانی به منظور معرفی خرمشهر خلق نکرده‌ایم.»

استقبال از حرکت اعتراضی بالیوود

سه بازیگر سرشناس بالیوودی در اقدامی تحسین‌برانگیز جنبشی جدید به راه انداخته‌اند. به گزارش «تسنیم»، عامرخان، شاهرخ‌خان و سلمان‌خان جنبش «بایکوت، قطع ارتباط و تحریم» را ایجاد کردند. آنها ملاقات با نتانیاهو را نپذیرفتند. این در حالی است که در سفر اخیر نتانیاهو و همسرش به هندوستان طی میهمانی بزرگی بسیاری از ستاره‌های سرشناس بالیوود به دیدار نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس رفتند. این اقدام خان‌های سینمای هندوستان به دنبال کشتار و شکنجه اخیر فلسطینی‌ها به دست رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. پیش از این عده‌آی از علاقه‌مندان فلسطینی بالیوود در صفحات مجازی خواستار عدم حمایت سینمای هندوستان از صهیونیست‌ها شده بودند که شاهرخ‌خان، عامرخان و سلمان‌خان این خواسته را اجرایی کردند. با وجود اینکه رسانه‌های هندی چندان واکنشی به تحریم خان‌های بالیوود نداشته‌اند؛ اما رسانه‌های ترکیه به پوشش خوشحالی مردم از اقدام شاهرخ‌خان، عامرخان و سلمان‌خان پرداخته‌اند. رئیس جنبش «بایکوت، قطع ارتباط و تحریم» علیه رژیم صهیونیستی ادعا می‌کند که سفر نتانیاهو و دیدار با بالیوودی‌ها برای جلب رضایت و همکاری سینماگران هندی برای ساخت پروپاگاندهای اسرائیلی بوده است تا تصویر این رژیم کودک‌کش در جهان تغییر کند.

منشور مستند انقلاب اسلامی رونمایی شد

مراسم رونمایی از منشور مستند انقلاب اسلامی در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد. در این مراسم، نادر طالب‌زاده منشور مستند انقلاب اسلامی را که توصیه‌های رهبر معظم انقلاب به مستندسازان جوان است، قرائت کرد. در این مراسم چهره‌هایی چون محسن مؤمنی‌شریف رئیس‌حوزه هنری، سلیم غفوری مدیر شبکه مستند، طباطبایی‌نژاد مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، شهریار بحرانی، هوشنگ توکلی، محمدرضا شرف‌الدین، انسیه شاه‌حسینی، جهانبخش سلطانی، غلامرضا فرجی، مهدی نقویان، محمدعلی شعبانی، کوروش زارعی، محمدرضا شفاه، علی صدری‌نیا، مستندسازان برخی از استان‌ها، مدیران بخش‌های مختلف حوزه هنری، اصحاب رسانه و... حضور داشتند.

ناگفته‌های روزگار رضاخانی به نمایش درمی‌آید

مراحل ساخت مستند سریالی «روزگار رضاخانی» به پایان رسید. این مجموعه در قالب ۱۶ قسمتِ ۳۰ دقیقه‌ای به زودی از شبکه‌های سیما پخش می‌شود. حوادثی چون ایجاد شبکه راه‌آهن، تأسیس دانشگاه تهران که به رضا پهلوی نسبت داده می‌شود و ماجرای قانون کشف حجاب، قیام گوهرشاد و همچنین مسائل شخصی و خصوصی دربار پهلوی ازجمله موضوعاتی است که مستند «روزگار رضاخانی» به موشکافی درباره آنها می‌پردازد و واقعیت‌های ناگفته‌ای را درباره آنها بیان می‌کند. این مستند به کارگردانی مهدی فارسی و تهیه‌کنندگی محسن یزدی و به سفارش مرکز مستند سوره حوزه هنری و بسیج صداوسیما ساخته شده است.«روزگار رضاخانی» به مناسبت دهه فجر و سالروز پیروزی انقلاب اسلامی روی آنتن می‌رود.

پشت پرده اغتشاشات اخیر افشا می‌شود

مستند «خارج از دید ۲» که در حال تولید است به اغتشاشات اخیر در کشور می‌پردازد. سیدمجتبی موسوی، مدیر گروه مستند بسیج رسانه ملی درباره تولید مستند «خارج از دید ۲» به «مهر» گفت: «این مستند به کارگردانی مهدی نقویان و همان تیم تولیدکننده مستند «خارج از دید» در حال تولید است و در آن به اغتشاشات دی ماه ۹۶ و دست‌های پشت پرده در این مسئله پرداخته می‌شود. ما تلاش می‌کنیم که این مستند پیش از نوروز ۹۷ برای پخش از رسانه ملی آماده شود.» وی تصریح کرد: «پژوهش «خارج از دید ۲» به طور کامل تمام شده و کار در مرحله سناریونویسی است و از آنجایی که این مستند به صورت ضرب‌الاجلی تولید می‌شود، تیم تولید به طور شبانه‌روزی در حال کار روی آن هستند.»

«خزاعی» دبیر جشنواره فیلم مقاومت شد

سردار غیب‌پرور، رئیس سازمان بسیج مستضعفین محمد خزاعی را طی حکمی به سمت دبیر پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» برگزید. در بخشی از این حکم آمده است: « با همیاری هنرمندان متعهد و با بهره‌گیری از تجارب مفید و ارزشمند پیشکسوتان این عرصه و دستاوردهای گذشته و با بهره‌مندی از ظرفیت نیروهای خلاق، جوان و توانمند در سراسر کشور شاهد برگزاری جشنواره‌ای مؤثر و فراگیر با هدف ترویج گفتمان جهانی انقلاب اسلامی، تکریم رشادت‌ها و حماسه‌های ماندگار دفاع مقدس و ترسیم ابعاد مختلف روح پایداری و مقاومت در داخل و خارج از کشور باشیم.» پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» در سال ۹۷، همزمان با چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی برگزار خواهد شد.

تحلیل هفته

ادامه از صفحه۶

بی‌تردید و مبتنی بر تجارب متعدد و متنوع در چهار دهه از عمر نظام اسلامی، ایجاد تغییر و تحول در حوزه اقتصاد به مثابه پاشنه آشیل نظام و دولت‌های جمهوری اسلامی به بیان رهبر معظم انقلاب نیازمند شناخت و احصای دردها و آسیب‌ها در این ساحت و مهم‌تر از آن نسخه‌پیچی درست و متعهدانه و مجربانه برای درمان است؛ یعنی از نظر مدیریتی و نیز از نظر سیاسی باید ظرفیتی شانه زیر بار این مسئولیت بدهد تا بتواند همه ظرفیت‌ها را بسیج کند و حداکثر اعتماد نظام را جلب کند. باید کسانی بیایند برای تغییر در اقتصاد که قادر باشند نیروهای توانمند را به کار گیرند و ضمن بهره‌گیری از تجارب غربی‌ها و دیگر ملت‌ها، شخصاً روحیه توسعه‌گرایی نداشته باشند.

تجربه‌ها و الزامات

۱ـ راهی که در مسیر انقلاب پشت سر گذاشته‌ایم و برتری‌هایی که به آن دست یافته‌ایم باید برای مردم و کارگزاران تولید اعتمادبه‌نفس کند تا اینگونه به امیدهای آینده انقلاب و راه‌های طی نشده‌ای که پیش روی کشور است، دست یابیم. انقلاب اسلامی در استقرار نظم مبتنی بر اخلاق و معنویت، استقلال سیاسی، امنیت و مردم‌سالاری، آزادی مترقیانه که زیر بنای سطوح دیگر توسعه و کارکردهای دیگر نظام سیاسی است، به مراحل قابل قبول و کارنامه‌ای قابل دفاع رسیده است. باید مبتنی بر همین تجارب موفق، در دیگر حوزه‌ها که با عدم یا ضعف موفقیت روبه‌رو بوده‌ایم، ورود علمی و متعهدانه داشته باشیم و پنجه در پنجه مشکلات بیندازیم.

۲ـ باید مراقبت کرد نظام اسلامی در دام توسعه ناموزون یا عدم هماهنگی انواع توسعه گرفتار نشود. اگر به این مهم توجه نشود، جامعه به سمت عدم تعادل سوق پیدا خواهد کرد. در این بخش تأکید بر آن است که همه ابعاد پیشرفت باید در حد و اندازه‌ای که دارند مورد توجه قرار گیرند.

۳ـ دمیدن بر اختلافات درونی برای کشور چالش‌های مضاعفی به وجود می‌آورد و امکانات و فرصت‌های کشور را هدر می‌دهد. این موضوع باید کنترل شود و تنها در جلسات کارشناسی برای رسیدن به بهترین راه‌حل انجام شود و به عرصه عمومی جامعه کشیده نشود. اساساً کارکرد احزاب و گروه‌های سیاسی در جهان سیاست، مدیریت حل‌وفصل اختلافات و کاستن از سطوح منازعه است و نه دامن زدن به آنها. مردم باید حاکمیت را گوش شنوای خود و احزاب را مدافعان راستین حقوق خود بپندارند.

۴ـ از دیگر چالش‌های انقلاب در اوضاع فعلی، ایجاد خوش‌بینی افراطی نسبت به دشمنان درجه یک انقلاب با زدن اتهاماتی مانند توهم توطئه به نیروهای ارزشی است؛ خسارت‌های نظام اسلامی از چنین خوش‌بینی‌ها و اعتماد کردن‌ها به دشمن، بسیار خسارت‌آمیز بوده است. در موضوع برجام اگر طرف مقابل به تعهدات خود پایبند نیست و مدام نقض پیمان می‌کند، بخشی از علل ماجرا به ایجاد روحیه خوش‌بینی و اعتماد به دشمن متخاصم برمی‌گردد.

۵ـ از دیگر آفاتی که انقلاب را تهدید می‌کند، نفی کامل دستاوردهایی است که تاکنون داشته‌ایم و در عین حال سیاه جلوه دادن وضعیت موجود و آینده و بزرگنمایی مشکلات جامعه بوده است. امروز متأسفانه ایجاد روحیه سیاه‌نمایی و القای روحیه ناامیدی به یکی از مشکلات کنونی کشور تبدیل شده است. دهه فجر انقلاب فرصت مغتنمی است تا مصادیق امیدواری که به فرموده رهبر معظم انقلاب کم هم نیستند، یادآوری شوند.